

فصل نامه فرهنگی - اجتماعی دستادست
سال اول، شماره دوم

دستادست

بحران های محیط زیستی

آسیب پذیری زنان روستایی در برابر بحران های زیست محیطی

آیا محصولات تجارت عادلانه دوستدار محیط زیست هستند؟

تجارت عادلانه، حاکمیت غذایی و بحران غذا

غذا، کشاورزی و تغییرات آب و هوایی: مهم تر از هر چیز دیگر است



فصلنامه فرهنگی-اجتماعی دستادست
سال اول، شماره دوم

سردبیر:
فائزه درخشانی

دبیران:
زهرا سروشفر، فروغ عزیزی

طرح روی جلد و پشت جلد:
سمیرا حاتمی‌زاده

صفحه‌آرایی:
فاطمه حسن‌پور امیری

مشاوران، مترجمان، نویسندگان:
لیلا زمانی، آزاده تاجدار، حمید فراهانی، شمیم شرافت، پرستو موسوی، سپیده شهبازی، آزاده فرشیدی، هانیه کیانی، آزاده کامیار، مژده عظیمی، ارغوان رضازاده‌نیا، پرند

عکس روی جلد:
جلوه جواهری

[دستادست در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب و استفاده از طرح‌ها برای دستادست محفوظ است.]

آماده پذیرش و چاپ مقالات و یادداشت‌های شما در تمام زمینه‌های مرتبط با موضوعات این فصلنامه هستیم:
* کارآفرینی اجتماعی + تجارت عادلانه + کار زنان + فقر + نابرابری و ...*

دستادست را دنبال کنید:

<http://dastadast.ir>

<http://instagram.com/dastadast>

<https://telegram.me/dastadast1>

تماس با دستادست:

dastadast@gmail.com

<https://telegram.me/dastadast>

فهرست

۴ + سرمقاله

پرونده بحران‌های محیط‌زیستی

- ۷ + دنیای ۰۰۰ : انتشار کربن صفر
- ۱۳ + آسیب‌پذیری زنان روستایی در برابر بحران‌های زیست‌محیطی
- ۱۶ + آیا محصولات تجارت عادلانه دوستدار محیط‌زیست هستند؟
- ۱۹ + تجارت عادلانه، حاکمیت غذایی و بحران غذا
- ۱۶ + غذا، کشاورزی و تغییرات آب و هوایی: مهمتر از هر چیز دیگریست
- ۲۱ + پروژه‌های تجارت عادلانه در مواجهه با تغییرات جوی: از زیست‌گازها تا اعتبار کربن
- ۲۳ + تجارت عادلانه و پایداری
- ۲۵ + تراژدی مشاعات چیست و این اصطلاح از کجا آمده؟
- ۲۵ + تراژدی مشاعات
- ۳۰ + آینده مشاعات

تجارت عادلانه؛ کارآفرینی اجتماعی و...

- ۳۹ + چرا نوآوری ذاتا جمعی است؟
- ۴۱ + بحران قهوه؛ آیا راه‌حل تجارت عادلانه است؟

زنانی که کار می‌کنند

- ۴۷ + عروسک‌هایی برای دریاچه

دستادست

- ۵۳ + چطور می‌توان چرخه قدرتمندی و توانمندسازی را به ویژه برای زنان کامل کرد؟

- ۵۶ + تی‌تی‌کای دوم

راه اشتباهی که آمده ایم ...

فائزه درخشانی

آگوست (۱۰ مرداد) را روز مقروض بودن به زمین اعلام کردند. یعنی در پایان ماه هفتم سال، بشر به اندازه‌ای که طبیعت قادر به بازتولید آن بود از منابع زمین استفاده کرده و در تمام ۵ ماه باقیمانده از سال (میلادی) در حال آسیب رساندن به طبیعت و منافع نسل‌های آینده از این طریق خواهد بود. این وضع در کشورهای پیشرفته دنیا به مراتب بدتر از کشورهای در حال توسعه است. در واقع اگر با اندازه‌گیری میانگین مصرف مردم جهان به ۱,۷ کره زمین نیاز داریم تا جوابگوی این شکل از زندگی باشد، در صورتی که مردم جهان با الگوی مردم آمریکا زندگی کنند، اوضاع به مراتب وخیم‌تر می‌شود و به ۸,۴ کره زمین نیاز خواهیم داشت تا پاسخگوی این حجم از مصرف‌گرایی باشد.^۱

تحلیل‌ها و راه‌حل‌های کاملاً متفاوتی برای این قضیه ارائه می‌شود اما مسلم است بیش از هر زمانی به تغییر نگاه و رویکردها نیاز است. دولت‌ها، و کمپانی‌های بزرگ و البته تک تک انسان‌ها، باید رفتار مسئولانه‌ای در برابر زمین در پیش بگیرند. قوانینی که مصرف منابع طبیعی را کنترل کنند لازمند، اما کافی نیستند، تا وقتی تعریف انسان موجودی باشد که به دنبال حداکثر سود فردی خویش است و تا وقتی این شیوه زندگی پاداش اجتماعی و انسانی دریافت کند، اوضاع واقعا تغییر نمی‌کند. در واقع ما به شبکه‌ای از تغییرات درهم تنیده نیاز داریم که همزمان لازم و ملزوم همدیگرند.

اوضاع پیچیده، و تغییرات لازم عظیم‌تر از آن هستند که یک راه‌حل داشته باشند یا بتوان با کمک سازمان‌های غیردولتی یا کارآفرینی‌های اجتماعی کاری برای حل آنها کرد اما نمی‌توان از فعالیت باز ایستاد. ما در این شماره به برخی تلاش‌های جهانی از سوی نهادهای غیردولتی و سازمان‌های تجارت عادلانه می‌پردازیم؛ مثال‌های مرتبط با اجاق‌های زیستی یا تامین برق با سلول‌های خورشیدی را در این شماره خواهید خواند.

نوآوری اجتماعی در چنین جایی معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. با فکر کردن به اینکه ما چکار می‌توانیم بکنیم که هم از محیط زیست محافظت کنیم، هم به حل یک مشکل اجتماعی یاری برسانیم؛ و این اتفاق نمی‌افتد مگر وقتی که چیزهایی برایمان مهم‌تر از کسب سود باشند.^۲

همه ما کم و بیش درباره گرم شدن زمین، ریزگردها، بحران آب و... شنیده‌ایم و همه می‌دانیم بحران‌های محیط زیستی خیلی بیشتر از اینها هستند، بحران زباله‌هایی که تجزیه نمی‌شوند، بحران از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، بحران فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و... همه مردم جهان از وجود این بحران‌ها باخبرند. دانشمندان و نهادهای علمی و بین‌المللی با همراهی فعالان محیط زیست سعی می‌کنند با توافق‌نامه‌هایی همچون توافق پاریس در این روند خلل ایجاد کنند، اما موفق نیستند. دلیلش واضح است چون دولت‌ها در بهترین حالت تعهدات توافق‌نامه‌ها را بسیار سبک‌تر از چیزی می‌نویسند که در عمل لازم است و در بدترین حالت مثل ترامپ از توافق کنار می‌کشند. درون کشورها و شهرها، و بین مردم هم همین قضیه برقرار است. خیلی‌ها از وقوع بحران صحبت می‌کنند، با حسرت درباره روزگاران پر برف و باران گذشته و نبود بارندگی در این روزها سخن می‌گویند، اما این بحران موجب اقدام عملی نمی‌شود.

کمی به عقب برگردیم، به انقلاب صنعتی، به روزگارانی که بشر در آستانه مسیر غلبه بر طبیعت قرار داشت. قرن‌ها مقهور طبیعت بودیم و ناگهان توان غلبه بر آن را پیدا کردیم. علم به یاری‌مان آمده بود تا از تمام عناصر طبیعت حداکثر استفاده را ببریم. هر دولت، شهر و فردی که می‌توانست با کمک تکنولوژی طبیعت را بیشتر در اختیار بگیرد و از آن بیشتر استفاده کند، در مسابقه پیشرفت و کسب سود جلوتر از بقیه بود. هدف زندگی، کار، و هدف کار، کسب سود بود. اصول و ارزش‌های اخلاقی جایی در این سیستم اقتصادی نداشتند، بهره‌وری بود که حرف اول را می‌زد. اگر این شیوه نگرستن به زندگی و جهان روزگاری به عرصه کار محدود بود، بعدها در کل زندگی جریان پیدا کرد و همراه با صادر شدن تکنولوژی به اقصی نقاط جهان رفت. دیر و زود داشت، اما سوخت و سوز نه.

پس به جهانی رسیدیم که در آن هر انسان و شهر و دولتی برای نفع شخصی خودش، با خیالی راحت از آب، هوا، خاک و... به هر نحوی استفاده کرده و حتی آنها را آلوده می‌کند. هیچ‌کس هم حاضر نیست از میزان مصرف خود از منابع حیاتی و مشترک تمام انسان‌ها بکاهد، چون ممکن است بقیه این کار را نکنند و از بقیه عقب بماند. گرت هاردین در سال ۱۹۶۸ برای اولین بار از این تراژدی سخن گفت، تراژدی مشاعات (مُشاعات یا منابع مشترک به چیزهایی همچون آب، دریا، هوا، جنگل و... می‌گویند که دارایی شخص خاصی نیستند و متعلق به کل بشرند).

و اوضاع در حال حاضر به مراتب بدتر از آن زمان است. در سال ۲۰۱۸ گروه "رد پای جهانی" روز اول

۱ برای دیدن اطلاعات بیشتر درباره این روز به این سایت مراجعه کنید: <https://www.overshootday.org>
 ۲ کسب و کارهایی که با عنوان اجتماعی شکل می‌گیرند، اما به دنبال منفعت خودشان هستند، نه تنها به سرمایه اجتماعی یک جامعه آسیب می‌زنند، بلکه در عمل هم نمی‌توانند کارشان را به درستی انجام دهند و لاجرم در یکی از حیطه‌های اجتماعی، یا محیط زیستی به جامعه و مردم آسیب می‌زنند.

دنیای ۱۰۰۰ : انتشار کربن صفر

پرستو موسوی

تصور کنید دنیای بدون فقر، بدون بیکاری و بدون انتشار کربن. دنیای سه صفر (فقر صفر، بیکاری صفر و انتشار کربن صفر) رویایی است که محمد یونس، چهره سرشناس کسب و کارهای اجتماعی برای دنیا دارد. محمد یونس، دنیای سه صفر را فقط یک رویا نمی‌داند بلکه معتقد است کلید آن هم اکنون و همین لحظه در اقصی نقاط دنیا خورده شده است. کارآفرینان و فعالان اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی زیادی در این راستا گام‌های بزرگی برداشته‌اند. محمد یونس براساس تجربه زیسته خود، نقشه راهی برای دنیای سه صفر جدید ارائه داده است. شاید این سوال در ذهن شما هم ایجاد شده باشد که چرا انتشار کربن صفر در کنار دو تا صفر دیگر آمده است؟ چه وجه مشترکی بین انتشار کربن و کسب و کار وجود دارد؟ چرا کاهش انتشار کربن به اندازه کاهش فقر و بیکاری اهمیت دارد؟ محمد یونس این سوال شما را بی پاسخ نگذاشته است. در پاسخ این سوال، او هدف تمام مدل‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله مدل مدنظر خود را ساختن دنیای بهتری برای انسان‌ها می‌داند و با داشتن محیط زیست آلوده حاصل از انتشار کربن و غیره^۲، ساختن دنیای بهتر برای نسل امروز و خصوصا آیندگان میسر نیست.

برای چند لحظه به شهر خود فکر کنید و تصور کنید که بزرگترین کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی با ظرفیت تولید بالا در آن احداث شده است. نیروی انسانی مورد نیاز آنها از افراد بومی با حقوق بسیار عالی تامین می‌شود و لذا شهر شما مشکلی به نام فقر و بیکاری ندارد. اما این کارخانجات بزرگترین تولیدکنندگان کربن هستند و در نتیجه احداث آنها، این شهر به یکی از آلوده‌ترین شهرهای دنیا تبدیل شده است. بیماری‌های قلبی، تنفسی و سرطان به سرعت در حال افزایش است. پزشکان، شهر شما را خطری بزرگ برای سلامتی همه علی‌الخصوص کودکان و سالمندان می‌دانند و پیشنهاد ترک شهر را برای آنها دارند.

در این مثال فرضی، تصور کنید که دلیل احداث این کارخانه‌ها، غنی بودن منابع طبیعی شهر برای تامین مواد اولیه آنهاست. کارخانه‌ها با استفاده از آخرین تکنولوژی‌های روز، مواد اولیه را با سرعت بسیار بالا از زمین برداشت می‌کنند. اما طبیعت شهری، امکان بازتولید این مواد را با همان سرعت برداشت ندارد. در نتیجه، شهر شما در آینده نه چندان دور دیگر از نظر منابع طبیعی غنی نخواهد بود و دلیلی برای فعالیت اقتصادی این کارخانه‌ها وجود نخواهد داشت. ارمغان اقتصادی کوتاه مدت برای کودکان شما، شهری آلوده و بدون ذخایر طبیعی خواهد بود که نه فعالان اقتصادی دلیلی برای سرمایه‌گذاری در آن دارند، نه توریست‌های طبیعت‌دوست دلیلی برای مسافرت به آن، نه امکانی برای کشاورزی وجود دارد و نه هوایی برای تنفس.

وضعیت این شهر فرضی نیست بلکه شرح مختصری از اکنون و آینده کره زمین است. اول آگوست سال ۲۰۱۸ روز مقروض بودن به زمین^۳ اعلام شد. بدین معنی که انسان‌ها در این روز به اندازه‌ای که کره زمین امکان بازتولید منابع طبیعی در یک سال را دارد از منابع طبیعی استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر در ۵ ماه آخر سال میلادی امسال از منابع ذخیره شده آیندگان بدون اجازه آنها برداشت شده است و ما مقروض به آیندگان شده‌ایم. جالب است بدانید روز مقروض بودن زمین در سال ۱۹۸۷، ۱۹ دسامبر بوده است یعنی عملکرد ما در ۳۰ سال حدوداً ۴۰ درصد بدتر شده است^۴. گرم شدن کره زمین، آب شدن یخ‌های قطب یکی از تهدیدهای پیش روی بشر محسوب می‌شوند. خشکسالی، سیل، طوفان‌های شن و... در حال گسترش در گوشه و کنار دنیا و از پیامدهای آلودگی محیط

۱ A world of three Zero: The new Economics of Zero Poverty, Zero Unemployment and Zero Net carbon emissions by Muhammad Yunus

۲ منظور محمد یونس از انتشار کربن صفر، محیط زیست بدون آلودگی است و در راس آن کاهش انتشار کربن است. به دلیل اینکه مصرف انرژی یکی از اجزا پایه‌ای کلیه فعالیت‌های اقتصادی است، برای سادگی محیط زیست پاک را تحت عنوان انتشار کربن صفر آورده است (برگرفته از صفحه ۹۷ کتاب زیرنویس ۱)

۳ Earth overshoot day

۴ Global Footprint Network محاسبات مربوطه برای تعیین سالانه این روز را انجام می‌دهد



پرونده: #بحران‌های_محیط‌زیستی

دنیای ۱۰۰۰ : انتشار کربن صفر

پروژه های تجارت عادلانه در مواجهه با تغییرات جوی: از زیست گازها تا اعتبار کربن

آسیب‌پذیری زنان روستایی در برابر بحران‌های زیست‌محیطی

تجارت عادلانه و پایداری

آیا محصولات تجارت عادلانه دوستدار محیط زیست هستند؟

تراژدی مشاعات چیست و این اصطلاح از کجا آمده؟

تراژدی مشاعات

تجارت عادلانه، حاکمیت غذایی و بحران غذا

آینده مشاعات

غذا، کشاورزی و تغییرات آب و هوایی: مهمتر از هر چیز دیگر چیست

غیرانتفاعی، و مشاغلی مثل آتش‌نشانی گواه این موضوع است. بنابراین انسان تعریف شده از دید تئوری‌های سرمایه‌داری با انسان واقعی تفاوت دارد. از نظر محمد یونس دلیلی برای سرزنش بازار آزاد نیست. مشکل اصلی ورای بازار آزاد است. در واقع مشکل مربوط به تفسیر طبیعت افراد در تئوری سرمایه‌داری است. در این تئوری، ما بازیکنان سیستم سرمایه‌داری



زیست و گرم شدن کره زمین هستند.

بدتر از همه اینکه، قشر کم درآمد بیشترین آسیب را می‌بینند. به عنوان مثال، سیل نابودکننده محصولات و زمین‌های کشاورزی است. کشاورزان نه تنها محصول خود را از دست می‌دهند بلکه زمین‌های کشاورزی‌شان هم نابود می‌شود و باید آنها را بازیافت کنند؛ این یعنی اضافه شدن به میزان فقر.

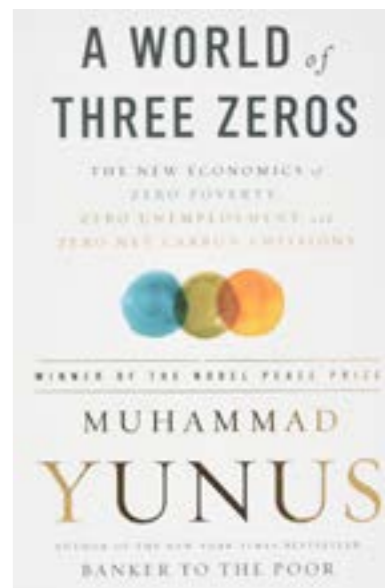
را به دسته خاصی از افراد محدود می‌کنیم، در صورتی‌که بایستی بازیکنانی که انگیزه‌های دگرمحوری هم دارند به افراد با انگیزه‌های خودخواهانه در بازار آزاد ملحق شوند تا سیستم به طور کامل تغییر کند. این تغییر کل دنیا را عوض خواهد کرد. اگر میلیون‌ها نفر در هر وضعیت اقتصادی، رهبری حل مشکلی را برعهده بگیرند، به صورت آهسته روند تمرکز ثروت و مشکلات زیست محیطی تغییر خواهد کرد. پیشنهاد محمد یونس در اصلاح و تغییر سیستم سرمایه‌داری بارها توسط خود او و بسیاری از افراد دیگر در سرتاسر دنیا به اجرا گذاشته شده و نتایج بسیار اثربخشی داشته است.

علاوه بر این، کشورهای توسعه‌یافته، کارخانجات، ماشین‌آلات و تجهیزات آلاینده محیط زیست خود را به کشورهای در حال توسعه می‌فروشند یا در فقیرترین مناطق احداث می‌کنند. و باز اینجا هم فقرا بیشترین آسیب را از آلودگی محیط زیست می‌بینند. محمد یونس این اقدام را جرمی قلمداد می‌کند که تاکنون در حق فقرا در سرتاسر کره زمین اعمال شده است.

زمانی نه چندان دور، کشورهای توسعه یافته تصور می‌کردند که با ایمن نگاه داشتن کشور خود از آلودگی زیست محیطی در منطقه امن قرار دارند. غافل از اینکه مادر زمین، مرزهای فرضی حاصل دست انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. بعضی از کشورهای مانند آمریکا گزینه‌های جدیدی مثل انتقال به کرات دیگر دارند ولی اولاً چند نفر را می‌توان به کرات دیگر منتقل کرد. ثانیاً با این رویکرد، انسان‌ها قصد نابود کردن چند کره دیگر در منظومه شمسی را دارند؟ ثالثاً بعضی از آینده‌پژوهان معتقدند که پیشرفت علم و فناوری بسیاری از مشکلات کنونی محیط زیست را حل می‌کند و تمدن بشری به نقطه‌ای خواهد رسید که نه تنها کنترل کره زمین بلکه کنترل کلیه ستارگان و کهکشان را خواهد داشت. وعده‌ای که هرچند امیدبخش است، اما چه تضمینی وجود دارد که مشکلات زیست محیطی جدید بوجود نیاید؟

اینجاست که محمد یونس معتقد است برای رهایی از مشکلات اصلی کره زمین از جمله بحران زیست محیطی فقط علم و فناوری مهم نیست بلکه باید تفکر بنیادی سیستم‌های دنیا که مبتنی بر سرمایه‌داری و بازار آزاد است اصلاح شود. از دید او به عنوان یک تحصیل‌کرده اقتصاد، تئوری‌های سرمایه‌داری ذاتاً انسان‌ها را در جستجوی تکثیر پول فردی در نظر می‌گیرد، در نتیجه انسان‌ها با کلماتی مثل خودخواه توصیف می‌شوند. خوشبختانه در دنیای واقعی انسان‌ها همه خودخواه نیستند. وجود سازمان‌های

کشورهای توسعه یافته تصور می‌کردند که با ایمن نگاه داشتن کشور خود از آلودگی زیست محیطی در منطقه امن قرار دارند. غافل از اینکه مادر زمین، مرزهای فرضی حاصل دست انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد.



The World in 2030" by Dr. Michio Kaku (<https://www.youtube.com/watch?v=219YybX66MY>)

از نظر محمد یونس دلیلی برای سرزنش بازار آزاد نیست. مشکل اصلی ورای بازار آزاد است. در واقع مشکل مربوط به تفسیر طبیعت افراد در تئوری سرمایه‌داری است.

دومین انتقاد محمد یونس به معیار اندازه‌گیری رشد اقتصادی یک کشور، تولید ناخالص داخلی (GDP) است. این معیار بیانگر ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات تکمیل شده در یک بازه زمانی مشخص در مرزهای یک کشور است و اثری که این محصولات بر کره زمین و زندگی انسان‌ها می‌گذارند در نظر گرفته نمی‌شود مثل تولید اسلحه. این معیارهای سرمایه‌داری نیاز به بازنویسی دارند و ما نیازمند موتور اقتصادی جدیدی هستیم که علاوه بر کسب درآمد به اثر خود بر محیط اطرافش نیز توجه کند.

محمد یونس هنگامی‌که از بحران محیط زیست صحبت می‌کند، نوک پیکان انتقاد کشورهای توسعه یافته را به سمت خودشان برمی‌گرداند. کشورهای پیشرفته، کشورهای در حال توسعه را در خصوص محیط زیست اهمال‌کار می‌دانند و می‌گویند این کشورها باعث می‌شوند تلاش کشورهای پیشرفته در حل بحران زیست محیطی بی‌فایده باشد. او به میزان بالای سهم کشورهای توسعه یافته در تولید گازهای گلخانه‌ای، بی‌مسئولیتی این کشورها در احداث کارخانه‌ها و تجهیزات صنعتی آلاینده محیط زیست در کشورهای توسعه یافته اشاره می‌کند. در ضمن او این انتقاد آنها را بهانه‌ای می‌داند که از زیر بارمسئولیت انسانی خود در قبال آسیبی که به کره زمین و نسل‌های آینده تاکنون وارد کرده‌اند، رهایی یابند. او معتقد است که این

خوردنی خواهند بود! تصور کنید که چنانچه این مثالها محقق شود چه تاثیر مثبتی بر محیط زیست می‌تواند داشته باشد. محمد یونس در کتاب خود عنوان می‌کند که تاکنون علم و تکنولوژی بیشتر در اختیار گروه اقلیت پولدار مردم کره زمین بوده زیرا هدف کسب و کارها در نظام سرمایه‌داری کسب پول بیشتر است. او معتقد است علم و تکنولوژی بایستی در اختیار کلیه مردم دنیا قرار گیرد تا برای حل مسائل کره زمین استفاده شود.

ثالثا، تلاش‌های بین‌المللی برای حفظ، بهبود و اصلاح شرایط زیست محیطی نشان امیدبخشی از اتحاد کشورهای دنیا برای حل بحران زیست محیطی است. از مهمترین آنها می‌توان به توافق‌نامه محیط زیست پاریس^۲،

اهداف توسعه هزاره سازمان ملل^۳ و سند ۲۰۳۰ اشاره کرد. توافق پاریس در سال ۲۰۱۵ میلادی با هدف بلندمدت نگرداشتن افزایش گرمای کره زمین در زیر دو درجه سانتی‌گراد در بخش کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل (UNFCCC) به توافق اعضا رسید. تا سال ۲۰۱۸، ۱۹۵ کشور عضو UNFCCC این توافق‌نامه را امضا کردند. این پیمان از سال ۲۰۲۰ اجرا خواهد شد. از دیگر تلاش‌های سازمان ملل، تدوین اهداف ۸ گانه توسعه هزاره

(MDGs) در سال ۲۰۰۰ است که هدف هفتم آن به طور خاص به تضمین پایداری محیط زیست پرداخته است. این اهداف می‌بایست تا سال ۲۰۱۵ به صورت کامل اجرا می‌شد. هرچند که دنیا در تحقق این اهداف تاخیر داشته است ولی آنچه تا به امروز از این اهداف محقق شده است نیز قابل تقدیر است. نهایتا در سند ۲۰۳۰، ۶ هدف از اهداف ۱۷ گانه آن به محیط زیست پرداخته

مثال‌ها از سخنرانی درج شده در زیرنویس قبل گرفته شده است.
۲
۳
۴
۵

https://en.wikipedia.org/wiki/Paris_Agreement

https://en.wikipedia.org/wiki/Millennium_Development_Goals

<https://sustainabledevelopment.un.org/?menu=1300>

اولا مشکلی که توسط انسان‌ها ایجاد شده است توسط انسان‌ها نیز قابل حل است. از نظر محمد یونس، ساختن امکان حل مسائل پیچیده از تصور کردن‌شان ایجاد شده است مانند اختراع هواپیما. تصور محدود، راه حل‌های محدود ایجاد می‌کند. لازم است انسان‌ها تصور دنیای سه صفر را به عنوان نقطه هدف داشته باشند تا در آن جهت گام بردارند.

ثانیا ما در زمانه متفاوتی از توانمندی‌های انسان از نظر علم و تکنولوژی زندگی می‌کنیم. مرور پیش‌بینی آینده‌پژوهان، دانشمندان و موسسات تحقیقی و آموزشی معروف، گواه این قضیه است. آنها مژده سفر به کرات دیگر، سفر در زمان، تحولات بنیادی^۱ در کشاورزی،

کشورها که خود در زمان صنعتی شدن با بی‌توجهی به کره زمین، مهمترین دلیل ایجاد بحران محیط زیست هستند، فکر می‌کنند که کشورهای در حال توسعه هم در مسیر توسعه به اندازه آنها بی‌توجه و بی‌ملاحظه در قبال محیط زیست خواهند بود که لزوما فرض درستی نیست. مثلا در مدل پیشنهادی محمد یونس، انسان‌ها در مسیر توسعه، محیط زیست را قربانی نمی‌کنند. ضمنا، محمد یونس معتقد است که کشورهای در حال توسعه انعطاف‌پذیری بیشتری برای توسعه یافتگی بدون آسیب رساندن به محیط زیست دارند به این دلیل ساده که هنوز تجهیزات توسعه یافتگی در آنها احداث نشده است و می‌توانند با نگاه نوی زیست محیطی نقشه راه خود را ترسیم کنند.



تغذیه، ساخت و سازها، انرژی و حضور پررنگ ربات‌ها و... را می‌دهند. به عنوان مثال، از آنجا که همه چیز انرژی است دلیلی ندارد که موبایل ما نتواند از ضربان قلب ما شارژ شود، انسان‌ها امکان پرینت گرفتن غذا را خواهند داشت و چیزی به عنوان زباله‌های بسته‌بندی غذا وجود نخواهد داشت چرا که بسیاری از این بسته‌بندی‌ها

۱
Future of Work | Edie Weiner | SingularityU
Australia Summit 2018 | Singularity University" (<https://www.youtube.com/watch?v=T7NXClxOURE>)
The Future of Work | SingularityU Germany Summit
2017" (https://www.youtube.com/watch?v=qQ55_tsvARU)

در عین حال محمد یونس، بهبود شرایط زیست محیطی را در گرو همکاری همه افراد، کشورها، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، شرکت‌های سودده، کسب و کارهای اجتماعی، دانشمندان و غیره می‌داند. او مواجهه با بحران زیست محیطی را مستلزم یک عزم جهانی قلمداد کرده است که بایستی در اولویت قرارگیرد. چرا که تک تک لحظه‌های بودن افراد در کره زمین به این مساله وابسته است. علاوه بر آن، فقر و بیکاری رابطه تنگاتنگی با سلامتی کره زمین دارند. محمد یونس در عین اذعان به پیچیدگی این بحران، خوش‌بین به برطرف کردن آن است. او چندین مورد را شاهدی بر خوش‌بینی خود می‌داند:

روند رو به رشد فعالیت‌های مرتبط با حفظ و یا اصلاح محیط زیست در میان سایر بازیکنان سیستم اجتماعی شامل شهروندان معمولی، شرکت‌های دولتی و خصوصی، سمن‌ها و کارهای اجتماعی، نویدبخش تغییر طرز فکر افراد از فرضیه بنیادین سیستم سرمایه‌داری به مدل جدید است

خوشبختانه بسیاری از فعالیت‌های با هدف حل مشکل زیست محیطی در

آسیب‌پذیری زنان روستایی در برابر بحران‌های زیست‌محیطی

حمید فراهانی



حتما شنیده‌اید یا خوانده‌اید که یکی از بحران‌های پیش روی جامعه ایرانی، بحران آب است. از 600 دشت اصلی

ایران، 298 دشت خشکیده‌اند. حتما شنیده‌اید که از زاینده رود و دریاچه بختگان چیزی باقی نمانده و دریاچه ارومیه نیز در احتضار است. در برخی از استان‌های کشور نشست زمین - در نتیجه بهره‌برداری بیش از حد از سفره‌های آب زیر زمینی - منجر به ایجاد فروچاله‌های بزرگ شده و یک میلیون هکتار از دشت‌های ایران در حال فرونشست هستند، در هر ثانیه 360 متر مربع از جنگل‌های ایران نابود می‌شود و با این روند تا 50 سال آینده خبری از جنگل نه در شمال و نه در زاگرس و نه در ارسباران نخواهد بود. تولید انبوه زباله و پسماند، فرسایش حیرت‌انگیز خاک، آلوده شدن منابع آب با فاضلاب‌های صنعتی و شیمیایی و انسانی، صید صنعتی و بی‌رویه ماهیان، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و جنگلی به ویلا و زمین و کوه‌خواری و در یک کلام تخریب همه جانبه محیط زیست کاری است که ما با محیط زیست می‌کنیم. وضعیت کنونی ایران و بسیاری از کشورهای جهان به نقطه‌ای رسیده که پیش‌گیری از بحران دیگر نمی‌تواند همه راه حل باشد زیرا که هم‌اکنون در بحران زندگی می‌کنیم؛ خصوصا آن که توجه کنیم سال‌ها شرکت‌های چندملیتی مانع حصول توافقی بین المللی برای حفاظت عملی از محیط زیست می‌شدند و حتی در نمونه آخر یعنی توافق پاریس برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای و پیشگیری از گرمایش بیش‌تر زمین، همان تعهدات نیمبند که بسیاری از کارشناسان میگفتند کافی نیست هم به یمن دارودسته ترامپ و سایر دولت‌های دست راستی، در عمل عقیم ماند. بحران زیست محیطی شروع شده، بنابراین باید به افراد و گروه‌هایی که بیش

کمک به فروش بدون واسطه زعفران سعی در کمک به کشاورزان قاین در وضعیت بحرانی کنونی آب دارد^۱ زیرا کشت زعفران نیازمند آب کمی است. کشمون به کشاورزانی کمک می‌کند که هم نگران کم آبی هستند و هم از روش‌های طبیعی و سنتی برای کشت زعفران استفاده می‌کنند. شروع به کار استارت‌آپ‌های سبز در ایران مانند به آب، بازیافت سبز نیز از دیگر نکات مثبت محسوب می‌شود^۲. هرچند که استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای اجتماعی حوزه محیط زیست در ایران نوپا هستند ولی شروع ایده‌پردازی و کار در این حوزه به خودی خود قدم بزرگی است.

محمد یونس در کتاب اخیر خود به جهانیان هشدار می‌دهد که اگر هرچه زودتر سیستم سرمایه‌داری حاکم بر اقتصاد دنیا عوض نشود، اگر همه با هم متحد نشویم، فاجعه جهانی در راه خواهد بود. فقر، بیکاری، بحران محیط زیست و اثرات ثانویه آن مانند مهاجرت، جرم، بیماری، جنگ و... روز به روز بیشتر خواهند شد. او خاطرنشان می‌سازد که ما در قرن بی‌نظیری از لحاظ پیشرفت علم، تکنولوژی و فناوری اطلاعات قرار داریم و می‌توانیم این نقطه قوت را برای حل مسائل پیرامون مان به کار بندیم. هیچ کسی در این مسیر نه آنقدر کوچک است که اثر خود را نادیده بگیرد و نه آنقدر بزرگ که حلال همه مشکلات باشد. هر یک از ما به اندازه خود مسئولیم. زمان زیادی برای نجات کره زمین باقی نمانده است. محمد یونس همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کسب و کارها، شهروندان، اندیشمندان و... را دعوت به پیوستن به مدل اقتصادی جدیدش می‌کند تا دنیا و تمدنی را برای خود و آیندگان بسازیم که همگی در آرزوی داشتن آن هستیم: دنیای ۰۰۰.

مرجع:

محتوای اصلی این مقاله ترجمه و تلخیصی از بخش‌هایی از آخرین کتاب محمد یونس است.

A world of three Zero: The new Economics of Zero Poverty, Zero Unemployment and zero net carbon emissions by Muhammad Yunus

^۱ <https://www.keshmoon.com/post/core>

^۲ <http://bit.ly/2AcWdYY>

سرتاسر دنیا با موفقیت اجرا شده‌اند، مانند ممنوعیت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی خرید در بسیاری از کشورها^۱ و یا مسئولیت‌های اجتماعی-زیست محیطی که شرکت‌هایی مانند زیراکس در بازیافت کارتریج و مواد مرتبط با محصولات خود در نظر گرفته اند^۲. در حوزه کسب و کارهای اجتماعی نیز می‌توان به مثال‌های زیادی از جمله گرامین شاکتی^۳، هایتی فارست^۴، ساوکو میلرز^۵ اشاره کرد. گرامین شاکتی، کسب و کاری اجتماعی است که تا سال ۲۰۱۷، ۱٫۸ میلیون از خانه‌های بنگلادش را مجهز به سیستم انرژی خورشیدی خانگی کرده است. اهمیت این طرح در آن است که محمد یونس این سیستم انرژی دوستدار محیط زیست را در روستاهای بنگلادش که دسترسی به شبکه ملی انرژی نداشته‌اند راه‌اندازی کرده است. هایتی فارست بر بازیافت جنگل‌های هایتی تمرکز کرده است که بخش عمده آنها تخریب شده و تاثیر منفی بزرگی بر زندگی ساکنان داشته‌اند. ساوکو میلرز افرادی را برای جمع‌آوری پلاستیک از زباله‌های شهری در پایتخت کشور اوگاندا استخدام می‌کند و ضمن فراهم کردن تجهیزات ایمنی لازم، آنها را آموزش می‌دهد. زباله‌های پلاستیکی جمع‌آوری شده در کارگاه ساوکو میلرز به محصولات جدیدی مانند ورقه‌های ساخت و ساز، کیسه زباله و... تبدیل می‌شوند.

متأسفانه ایران نیز از جمله کشورهایی است که در نقطه بحرانی وضعیت محیط زیست قرار دارد. آخرین گزارش وضعیت محیط زیست (۱۳۸۳-۱۳۹۲) سازمان محیط زیست ایران^۶ بیانگر مشکلات عدیده در حوزه‌های مختلف است. اما افزایش آگاهی و پیوستن نهادها، کسب و کارها و افراد مختلف به حل مشکلات زیست محیطی را می‌توان به فال نیک گرفت. در سال ۱۳۹۲، تعداد سمن‌های محیط زیستی ۴۴۳ بوده است. توجه کسب و کارهای اجتماعی مانند دستادست به توانمندسازی و تقویت صنایع و هنرهای دستی ضمن بهبود رفح فقر و بیکاری به حفظ محیط زیست نیز کمک می‌کند. به عنوان مثال گروه گوجینو که محصولات آنها نیز از طریق سایت دستادست به فروش می‌رسند، با پته‌دوزی و حصیربافی ضمن احیا هنرهای محلی و کسب درآمد اضافه برای خانوار، ۱۵ درصد فروش را به احیا و مرمت قنات‌ها اختصاص می‌دهند^۷. کشمون با

^۱ https://en.wikipedia.org/wiki/Phase-out_of_lightweight_plastic_bags

^۲ <https://www.xerox.com/about-xerox/recycling/enus.html>

^۳ Grameen Shakti

^۴ Haiti Forest

^۵ Savco Millers

^۶ <https://www.doe.ir/download/gozareshmohitizist.pdf>

^۷ <http://bit.ly/2xOGRbX>

رجوع شود به مقاله "زانی که می‌دوزند تا قنات‌ها بمانند"

جز زندگی در مناطق حاشیه‌ای برای خانواده‌ها باقی نمی‌گذارد؛ مناطقی که همچنان با مساله دسترسی به امکانات کافی آموزشی و بهداشتی محدود دست به گریبانند. کیفیت آب آشامیدنی پایین، یا در بسیاری از ساعات آب قطع است، هزینه مسکن بالاست و زنان مجبورند برای کمک به مخارج، مشاغل نظیر بسته‌بندی، دستفروشی و نظایر آن را انجام دهند. این مشاغل هم درآمد بسیار پایینی دارند و بدون هیچ‌گونه مزایا نظیر بیمه و بازنشستگی اند، و هم شرایط کاری مناسب نیست و مجبورند برای ساعات طولانی در یک حالت ثابت کار کنند یا بایستند و هیچ پیشرفت شغلی، افزایش مهارت و بهبود حقوق دریافتی در کار نیست. زنان روستایی، همانطور که دیدید روابط اجتماعی و طبیعی تحت تاثیر بحران‌های زیست محیطی و پیامدهایشان قرار می‌گیرند. اما این زنان عاملیتی نیز دارند. آنها توانایی‌ها و استعدادها

علیه زنان و دختران باعث می‌شود که برخی خانواده‌ها از تحصیل دختران خود در مناطق دیگر جلوگیری کنند. همه این‌ها در زمینه‌ای روی می‌دهد که در آن زنان روستایی به طور تاریخی و اقتصادی، تبعیض‌های جنسیتی گوناگونی را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال نرخ باسوادی دختران روستایی از پسران پایین‌تر است و نرخ ادامه تحصیل دختران روستایی پس از پایان دوران دبستان، به شکل معناداری پایین‌تر از پسران روستایی است. ازدواج کودکان دختر در مناطق روستایی به نسبت مناطق شهری بالاتر است، آن دسته از مشاغل روستایی که در عمل زنانه پنداشته می‌شوند یا زنانه شده‌اند، مانند فرش‌بافی شرایط کاری بسیار نامناسبی دارند و اثرات بلند مدت جسمی زیادی نظیر مشکلات رشدی در شکل‌گیری استخوان‌بندی، پوکی استخوان به دلیل کار طولانی چندین ساله در کارگاه‌های بدون نور طبیعی، مشکلات بینایی به دلیل کار در نور نامناسب، مشکلات تنفسی و... در پی دارند. همچنین در اقتصاد خانوار، منابع به صورت عادلانه تقسیم نمی‌شود و زنان معمولا بهره کمتری می‌برند، در حالی که با کار خانگی و بازتولیدی به صورت غیرمستقیم در اقتصاد خانواده نقش دارند. حال تصور کنید در نتیجه تبعات بحرانی زیست محیطی، منابع خانواده محدودتر شود، در این صورت همان اندک سهمی که زنان در استفاده از منابع داشته‌اند کاهش می‌یابد. با جدی شدن مشکلات مربوط به آب، فرسایش زمین



توانایی‌ها و استعدادها و گوناگونی دارند که می‌توانند از آن برای مقابله با پیامدهای این بحران‌ها و تاثیرات مربوط به آن بر زندگی‌شان استفاده کنند. آن‌ها طبیعت را می‌شناسند، هنرهای گوناگون محلی دارند و از همه مهم‌تر، دانش‌های بومی و محلی دارند که می‌تواند در تصمیم‌سازی‌های مهم منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، از نحوه کشت گرفته تا روش‌های مدیریت آب. لازمه این موضوع این است که دسترسی این زنان

به امکانات افزایش یابد و این شرایط فراغت محدود خود را از دست می‌دهند. مجبورند کارهای سنگین‌تر و سخت‌تری انجام دهند و در نهایت شیوه زندگی روستایی به دلیل فقدان منابع طبیعی کافی در هنگام بحران زیست محیطی، به حدی از دشواری می‌رسد که خانوارهای روستایی به شهرها می‌روند. اما در شهرها جایی برای خانواده‌های روستایی نیست. مشاغل در دسترس برای مهاجران از روستا به شهر، محدود به مشاغل با دست‌مزد پایین است که چاره‌ای

بماند و محصول از دست برود، کسی خریدار نخواهد شد. در جوامع روستایی، بخش مهمی از کارها به عهده زنان است. آنان مسئولیت نگهداری از دام‌ها، مشارکت در کاشت، داشت و برداشت محصول، جمع‌آوری هیزم یا سایر مواد سوختنی، آوردن آب و نظایر آن را برعهده دارند. در وضعیتی که خشک‌سالی روی می‌دهد، کار زنان سخت‌تر می‌شود. به عنوان مثال، اگر بارندگی کم باشد و صحرا کم علف، زنان چوپان مجبورند ساعات بیشتری گله را بچرخانند و به نقاط مختلف بروند، یا وقتی کمبود آب باعث کاهش آب چشمه اصلی روستا می‌شود، زنان مجبور می‌شوند برای آوردن آب به چشمه‌های خارج از روستا سر بزنند که مستلزم طی مسافت طولانی و کار بیشتر است. توجه کنید که برای مسواک زدن و شست‌وشوی دست و صورت هنگام صبح برای هر نفر بین 2 تا 3 لیتر آب نیاز است و هر لیتر آب یک کیلوگرم وزن دارد یعنی اگر زنی در روستایی دورافتاده که لوله‌کشی ندارد، یا به واسطه کمبود آب یا افت فشار، امکان جریان دادن آب در لوله‌ها نیست، بخواهد روزانه آب خانواده‌ای 3 نفره را تامین کند باید ده‌ها یا شاید بالای صد کیلوگرم بار در روز و در مسافتی قابل توجه جابه‌جا کند. همچنین به واسطه نیازهای بهداشتی زنان، کمبود آب می‌تواند اثرات جدی بر سلامت آنان بگذارد. زنان همچنین امر فرزندآوری و شیردهی را برعهده دارند، زندگی در فقر ناشی از فقدان منابع محیطی کافی، هم به سلامت آنان لطمه

از دیگران در معرض آسیب‌ها و پیامدهای تخریب محیط زیست هستند توجه جدی کرد. برای شناسایی افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر مهم‌ترین رهیافت توجه به سه فاکتور تعیین‌کننده است، میزان دسترسی به منابع، میزان تاثیرپذیری از تخریب یا تغییرات زیستمحیطی و پیامدهای آن، و در نهایت میزان مشارکت در تصمیم‌سازی. اگر به وضعیت زنان روستایی توجه کنیم، در می‌یابیم که نه تنها از دیگران دسترسی کمتری به منابع (نظیر آموزش، بهداشت و درمان و شغل یا درآمد پایدار) دارند و بیش از دیگران از پیامدهای تخریب محیط زیست متضرر می‌شوند، بلکه در جریان تصمیم‌سازی تقریباً حضور آنان نادیده گرفته می‌شود، ضمن این که اغلب آن‌ها استقلال اقتصادی ندارند، یعنی یا پول قابل توجهی در اختیار خودشان نیست، یا امکان تصمیم‌گیری درباره پولی که در نتیجه مشارکت آن‌ها در کار

کشاورزی، دامداری یا صنایع دستی به دست آمده را، ندارند. این موقعیت زائیده تقاطعی است که زنان روستایی تجربه می‌کنند. آنها زن هستند، روستایی هستند یعنی زندگی‌شان ارتباط تنگاتنگی با طبیعت و محیط‌زیست دارد و علاوه بر این‌ها از «مرکز» دورند. این البته فقط معنای جغرافیایی ندارد، بلکه بیشتر متضمن معنایی فرهنگی و اجتماعی است. در اخبار رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، کتب و تولیدات

فرهنگی کمتر به مسائل مناطق غیرشهری یا دور از کانون‌های مهم صنعتی و اقتصادی کشور توجه می‌شود. اگر در خیابان اصلی یک شهر، یک مغازه آتش بگیرد، همه خبردار می‌شود و درباره آن حرف می‌زنند، اما اگر یک هکتار از زمین یک خانواده کشاورز روستایی بدون آب

خواهد زد و هم نوزادان آنان به خطر خواهند افتاد. از سوی دیگر به موازات گسترش بحران زیست محیطی، با کاهش جمعیت روستا و مهاجرت به حاشیه شهرها، خدمات عمومی در روستا کاهش می‌یابد. به عنوان مثال مدارس بسیاری از روستاها به دلیل مهاجرت جمعیت بسته شده است و در چنین وضعیتی، دختران روستایی برای دسترسی به مدرسه مجبورند به روستاهای بزرگ‌تر و یا شهرهای نزدیک بروند. اما باورهای نادرست و تبعیض

آیا محصولات تجارت عادلانه دوستدار محیط زیست^۱ هستند؟

نویلیام یوبنکس

ترجمه پرستو موسوی

آیا محصولات تجارت عادلانه دوستدار محیط زیست هستند؟ علیرغم این واقعیت که به نظر می‌رسد بسیاری این دو مفهوم را معادل هم در نظر می‌گیرند، برخی شروع به زیرسوال بردن این حقیقت کرده‌اند. در این مقاله ما در تلاشیم دریابیم آیا این دو مفهوم بهم مرتبط هستند یا نه، و ابزارهایی را به شما نشان می‌دهیم که از آن طریق به سبز بودن محصولات تجارت عادلانه پی ببرید.

آیا محصولات تجارت عادلانه سبز^۲ هستند؟

برای پاسخ به این سوال فقط بر روی محصولاتی که دارای مجوز تجارت عادلانه^۳ معتبر هستند متمرکز می‌شویم. آنچه در ذهن ما از تعریف تجارت عادلانه حک شده بیشتر مرتبط با استانداردهای نیروی انسانی است تا محیط زیست. در واقع به تعاریفی از تجارت عادلانه عادت کرده‌ایم که پیشنهاد دستمزد بهتر، شرایط کاری ایمن‌تر و استانداردهای کاری بهتری برای کارگرانی که در محیط‌های دور افتاده کار می‌کنند در قیاس با افرادی که در محیط‌های متداول کار می‌کنند، دارند.

اما بسیاری از افراد اغلب فراموش می‌کنند که تجارت عادلانه به محیط زیست هم به همان اندازه نیروی کار توجه دارد. تجارت عادلانه فقط به بهبود

۱ Environment friendly product محصولاتی که در طی فرآیند تولید و طول عمر خود آسیبی به محیط زیست وارد نمی‌کنند
۲ Green Product محصولاتی که در طی فرآیند تولید و طول عمر خود آسیبی به محیط زیست وارد نمی‌کنند
۳ Fair traded certified productمحصولاتی که اصول تجارت عادلانه در فرایند تولید و توزیع و فروش آنها رعایت می‌شود می‌توانند برای دریافت مجوز تجارت عادلانه برای محصول خود اقدام کنند
https://www.fairtradecertified.org/

دستمزد کشاورزان و بهبود شرایط کاری آنها توجه نمی‌کند. کشاورزانی که با مشکلات بیشتری در تولید محصول خود برای تحویل به فروشنده دست و پنجه نرم می‌کنند، معمولا از روش‌های کشاورزی ارزان‌تری استفاده می‌کنند که تهدید کننده اکوسیستم اطرافشان است.

حامیان تجارت عادلانه معتقدند که منافع اکوسیستمی، چیزی بیش از قوانین مرتبط با کشاورزی ارگانیک^۴ است. با کمک به ارتقا تولیدکنندگان کوچک، تجارت عادلانه به افرادی کمک می‌کند که با احتمال بالاتری، روش‌های تولید پایدار^۵ را برای مراقبت از محیط زیست به کار می‌گیرند. اجازه دهید که بعضی از نیازمندی‌های تجارت عادلانه کشاورزی را با هم بررسی کنیم.

استانداردهای زیست محیطی سرسختانه

تجارت عادلانه علاوه بر پرداخت دستمزد بهتر به کشاورزان و تولیدکنندگان، درصدد فراهم کردن امنیت بیشتر در مقابل محیط همواره در تغییر، برای کشاورزان و تولیدکنندگان است. امنیت مالی، استانداردها و مشوق‌های استفاده بهتر از محیط زیست، تجارت عادلانه را تبدیل به بهترین گزینه کرده است.

محدودیت‌های تنظیم شده برای دریافت برچسب تجارت عادلانه، برخی از موارد را به صورت شفاف تدوین و به برخی موارد به صورت کلی اشاره کرده است. به عنوان مثال، در فرآیند کسب مجوز تجارت عادلانه، از کلیه آفت‌کش‌های ممنوع در این نوع کسب و کار نام برده شده، در حالی که به صورت کلی به لزوم در نظر گرفتن حاشیه اضافی در اطراف مناطق حفاظت شده اشاره کرده است تا اولاً از بازیافت زباله‌های ارگانیک^۶ به روش پایدار اطمینان یابد، ثانيا استقاده آب برای کشاورزی را به حداقل برساند.

در مجموع، استانداردهای محیطی سرسختانه کشاورزان را تشویق می‌کند که از اکوسیستم کاری خود محافظت کنند و از مواد شیمیایی و سمی، کمتر استفاده کنند. در ذیل چند نمونه از استانداردهای زیست محیطی که کشاورزان ملزم به اجرای آنها برای واجد شرایط شدن دریافت مجوز تجارت عادلانه هستند، آورده شده است:

۴ organic Agriculture کشاورزی ارگانیک به روش کشاورزی اطلاق می‌شود که از مواد شیمیایی مانند کودهای شیمیایی،سموم، آنتی بیوتیک، هورمون‌های رشداستفاده نمی‌شود.
۵ روش‌های تولید پایدار به روش‌هایی اطلاق می‌شود که منجر به نابودی و صدمه رساندن به منابع مورد نیاز خود نشود و قابل استفاده برای نسل‌های آینده نیز باشند
۶ Organic Waste به زباله‌های حاصل از مواد غذایی، میوه‌ها، حیوانات، گیاهان، کاغذ و غیره که قابل برگشت به چرخه طبیعت هستند گفته می‌شود

خاک و آب:

کشاورزان بایستی خاک را با به کارگیری روش‌های کشاورزی پایدار به عنوان مثال تولید محصولات متفاوت به صورت تناوبی^۱ تقویت کنند. همچنین، آنها باید مصرف آب را کاهش دهند و منابع آبی را به صورت پایدار تامین کنند.

تراژن‌ها (تراریخته‌ها):^۲

استفاده از تراژن‌ها (تراریخته‌ها) در زمین‌های کشاورزی تولید محصولات با مجوز تجارت عادلانه اکیدا ممنوع است.

زباله‌ها و حشرات:

برنامه آموزشی بایستی به کارگران، طرح‌های مدیریت ایمنی پایدار زباله و حشرات را آموزش دهد.

تولید کربن و تنوع زیستی:^۳

سیستم بایستی به صورت مسئولانه همواره بر مزایای جاری، اهداف آینده اکوسیستم شامل انواع مختلف گونه‌های زیستی و روش‌های جاری کاهش کربن نظارت کند.

مواد شیمیایی کشاورزی:^۴

کشاورزان بایستی استفاده از این مواد را به حداقل برسانند و روش‌های ایمن استفاده از این مواد را مدیریت کنند.

برچسب محصولات ارگانیک و تجارت عادلانه

تغییرات آب و هوا بر کلیه زمین‌های کشاورزی دنیا از موز تا کاکائو تاثیر گذاشته است. خشکسالی و بیماری هر دو مشکلات بسیار جدی و نیازمند راه‌حل‌های

۱ Crop rotation به روش کشاورزی اطلاق می‌شود که محصولات متفاوت به تناوب در زمین کاشته می‌شود و موجب حفظ خاک زمین کشاورزی و کنترل حشرات و بیماری می‌شود.
۲ Genetically Modified Organisms یا GMO به موادی اطلاق می‌شود که دی ان ای آنها توسط روش های مهندسی ژنتیک تغییر یافته است.
۳ Biodiversity به تنوع گونه‌های مختلف زیستی از گیاهان تا حیوانات اطلاق می‌شود. بسیاری از این گونه‌ها در معرض انقراض و نابودی هستند.
۴ Agrochemical به مواد شیمیایی استفاده شده در کشاورزی اطلاق می‌شود مانند آفت کش‌های شیمیایی و کودهای شیمیایی

فصل‌نامه فرهنگی و اجتماعی دستادست . سال اول . شماره دوم . آذر ۱۳۹۷

فوری هستند. کمک‌های مالی جانبی تجارت عادلانه^۵ دقیقا درصدد رفع این مشکلات هستند. با فراهم بودن کمک‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در جامعه محلی، کشاورزان زمان بیشتری برای آموزش‌های مرتبط با محیط زیست، تست کیفیت و کارایی تجهیزات دارند. این کمک‌های مالی، کشاورزان را تشویق به اطمینان از پایدار بودن زمین‌های کشاورزی خود برای نسل آینده از طریق تطابق دادن روش‌های خود با تغییرات آب و هوایی می‌کند.

البته باید توجه داشت تجارت عادلانه همیشه به معنای تولید محصول ارگانیک^۶ نیست. هرچند که گروه‌های بین‌المللی اهدای برچسب تجارت عادلانه، استفاده از روش‌های عملی ارگانیک، که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی کاربردی است را مهم و پراهمیت می‌دانند، اما کشاورزان را مستلزم به استفاده از این روش‌ها نمی‌کنند. بر طبق آمار ارائه شده از سازمان تجارت عادلانه آمریکا^۷، که مسئولیت تدوین این استاندارد را بر عهده داشته، حدودا ۶۰ درصد از قهوه‌های تجارت عادلانه ارگانیک هستند. قهوه‌های تجارت عادلانه و قهوه‌های دوستدار پرندگان^۸ می‌توانند یکی از انواع قهوه‌های تولید شده در سایه^۹ باشند ولی این دو نوع قهوه لزوما از جهت روش تولید یکسان نیستند. همچنین هرچند که این دو نوع قهوه می‌توانند از نظر روش تولید یکسان باشند ولی در یک دسته طبقه‌بندی نمی‌شوند.

نگرانی‌های مطرح شده منتقدان تجارت عادلانه

منتقدان تجارت عادلانه در خصوص کارایی این تجارت، نگرانی‌هایی را مطرح کرده‌اند. بعضی از این منتقدان معتقدند که که قول دستمزد پیشنهادی بالاتر تجارت عادلانه به کشاورزان ممکن است آنها را تشویق به تولید

۵	Fair trade Premium پولی است که اضافه بر قیمت کالا به کشاورزان و تولیدکنندگان محصولات تجارت عادلانه تخصیص می‌یابد تا شرایط زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی آنها را تغییر دهد.
۶	Organic product به محصولاتی اطلاق می‌شود که از روش‌های کشاورزی ارگانیک در تولید آنها استفاده شده است. به زیرنویس ۴ رجوع شود.
۷	Transfair USA
۸	Bird friendly Coffee کشاورزی قهوه به آفتاب زیاد نیازمند است که موجب برش درختان و از بین رفتن محل زندگی پرندگان شده‌است. لذا قهوه‌های بابرچسب دوستدار پرندگان،استانداردهایی مانند کاشت درختان در اطراف زمین‌های قهوه و یا استفاده از روش‌های تولید قهوه در سایه را برای حفاظت از پرندگان تدوین کرده‌اند و کشاورزان را مستلزم به تبعیت از این قوانین کرده‌اند.
۹	Shade-grown coffee نوع مخصوصی از قهوه که برخلاف روش رایج کشاورزی قهوه که نیازمند آفتاب زیاد است، در زیر سایه پرورش می‌یابد

غذا، کشاورزی و تغییرات آب و هوایی: مهمتر از هر چیز دیگر است

دکتر رایان زین^۱

مترجم: ارغوان رضازاده‌نیا

وقتی ما به تغییرات آب و هوایی و گرمایش جهانی زمین فکر می‌کنیم، تصویرهایی از نیروگاه‌های سوخت فسیلی و صفحه‌های خورشیدی در ذهنمان نقش می‌بندد. مباحث سیاسی و عملکردهای فردی در این حیطه، معمولا حول محور ماشین‌های هیبریدی (برقی)، خانه‌های کم‌مصرف و مباحثی پیرامون آخرین دستاوردهای تکنولوژی می‌چرخد، حال آنکه مشکل گرمایش جهانی زمین و راه حل آن، در قلب سیستم کشاورزی جهانی نهفته است.

کشاورزی صنعتی مبدا تولید گازهای گلخانه‌ای (GHGs) است، کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها، ماشین‌های سنگین، کاشت‌های تک محصولی، تغییرات زمین، ضایعات و سیستم حمل و نقل، همگی بخشی از یک سیستم تولید غذا هستند که مسبب نشر میزان قابل توجهی گازهای گلخانه‌ای است و به میزان زیادی به تغییرات جوی کره زمین منتهی می‌شود. عملیات کشاورزی صنعتی از تغذیه متمرکز حیوانات (CA-FOs) گرفته تا تولید کود غنی شده شیمیایی ذرت، کاشت

۱ رئیس بنیاد کسب و کار ارگانیک و منصفانه و مدیر سیاست‌گذاری پروژه در جهان عادلانه

تک‌محصولی سویا، اصلاح ژنتیکی برای مقاوم‌سازی در برابر علف‌کش‌ها را شامل می‌شود؛ و نه تنها منجر به تولید مقدار قابل توجهی از گازهای گلخانه‌ای می‌شود، بلکه بنای یک سیستم نابرابر و ناسالم تغذیه جهانی را پایه‌ریزی می‌کند. امروزه کشاورزی مدرن بر پایه سوخت‌های فسیلی، از نظر صنعتی متمرکز و هماهنگ با علم بیوتکنولوژی، تجارت و انرژی‌محور است، ولی در تضاد با کشاورزان و ارجحیت مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد.

در مقایسه با زمین‌های کشت صنعتی در مقیاس بزرگ، زمین‌های کشاورزی مقیاس کوچک نه تنها کودهای بر پایه سوخت فسیلی کمتری استفاده می‌کنند و در نتیجه میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای- شامل متان، اکسید نیتروژن و دی اکسید کربن (CO₂)- در آنها کمتر است، بلکه آنها می‌توانند جریان تغییرات نامطلوب آب و هوایی را با حبس دی اکسید کربن هوا در خاک در طی سالیان متمادی معکوس نمایند.

بنابر گفته موسسه رودیل، کشاورزان زمین‌های زراعی کوچک و غیرصنعتی می‌توانند بیش از صد درصد از گاز دی اکسید کربن منتشر شده سالانه را با اجرا کردن مدیریت کشاورزی ارزان و امن محبوس نمایند. این امکان متکی است بر تنوع، دانش سنتی، جنگل زراعی، تنوع پوشش‌های طبیعی، تکنیک‌های مدیریت آب و خاک از جمله پوشش محصولات و کوددهی سالم (کودهای کمپوست) و آبیاری درست محصولات.

علاوه بر سازگاری و انعطاف‌پذیری زمین‌های زراعی



کوچک در مقابله با تغییرات جوی، کشاورزان این زمین‌های زراعی نقش بنیادی در تامین معاش جامعه‌ی روستایی خود و حتی در فراهم کردن خدمات اکولوژیکی برای جامعه جهانی دارند. میگوئل

عملیات کشاورزی صنعتی از تغذیه متمرکز حیوانات (CAFOs) گرفته

تا تولید کود غنی شده شیمیایی ذرت، کاشت تک‌محصولی سویا، اصلاح ژنتیکی برای مقاوم‌سازی در برابر علف‌کش‌ها را شامل می‌شود؛ و نه تنها منجر به تولید مقدار قابل توجهی از گازهای گلخانه‌ای می‌شود، بلکه بنای یک سیستم نابرابر و ناسالم تغذیه جهانی را پایه‌ریزی می‌کند.

بیش از حد مجاز کند و همچنین پرداخت دستمزد بالاتر به کشاورزان ممکن است لزوماً به معنای منفعت بیشتر برای کشاورزان نباشد. بنابراین منتقدان بر این باورند که دستمزد بالاتر، مشوق تولید بیش از حد مجاز می‌گردد. تولید بیش از حد مجاز، موجب فقیر شدن سایر کشاورزان^۲ و آسیب رساندن به زمین‌های کشاورزی می‌شود.

این نگرانی ممکن است اشتباه باشد. ممنوع کردن استفاده از زمین‌های جنگلی بکر یکی از موارد حسن شهرت مجوزهای تجارت عادلانه است. همچنین شواهد کمی در دسترس است که نشان دهد تطابق در مقیاس کم^۲ موجب تولید بیش از حد مجاز می‌شود. درحقیقت پروفیسور دانیال جافی استاد دانشگاه ایالت واشنگتن^۳ دریافته است که مجوز تجارت عادلانه تاثیر مثبتی در این زمینه بر تولیدکنندگان قهوه در مکزیک داشته است.

دومین نگرانی منتقدان، در خصوص انتقال محصولاتی است که در خارج از کشور تولید می‌شود. در واقع این اقدام برای رسیدن به سوپرمارکت‌ها و خانه‌های ما مسافت زیادی را طی می‌کنند. در جواب این انتقاد باید گفت که حمل و نقل دریایی تاثیر چندانی بر محیط زیست ندارد. تاثیر انتشار کربن^۴ از طریق انتقال کالا با کشتی‌های باری بزرگ دریایی، ممکن است کمتر از انتقال کالا با کامیون در داخل کشور باشد. در هر صورت، اگر به دنبال محصولاتی مانند قهوه و یا شکلات هستید، تولیدکنندگان داخلی قادر به تولید محصول خوب نیستند^۵.

آموزش‌های زیست محیطی

Coope Tarrazu یک شرکت تعاونی کشاورزی قهوه در کوه‌های Coope Tarrazú. Coope Tarrazú، منطقه مشهور پرورش قهوه در کاستریکا است. در سال ۲۰۰۶، آنها طرح کیفیت پایدار فرهنگ قهوه را پایه‌ریزی کردند. این طرح، تاثیرات زیست محیطی را بررسی می‌کند و به پیاده‌سازی روش‌های عملی بهتر کمک می‌کند. از همه مهمتر این طرح، فرهنگ احترام به محیط زیست را ایجاد کرده است. Coope Tarrazu با کمک گرفتن از کمک‌های مالی جانبی تجارت عادلانه^۶، برنامه آموزش و رهبری زیست محیطی به اعضای خود را توسعه داده است. هدف نهایی آنها، افزایش آگاهی از اکوسیستم‌ها از طریق تدوین و تدریس طرح درس آموزشی پرمحتوا و کاربردی است.

نکته مهم

اگر فرض کنیم شرکت‌های صاحب مجوز تجارت عادلانه کار خودشان را به درستی انجام می‌دهند آنگاه محصولات تجارت عادلانه سبزتر از محصولات سنتی هستند. در آن واحد با برپایی یا خرید از تجارت عادلانه می‌توانید به فقر جهانی و محیط زیست اهمیت دهید. آیا قصد کمک دارید؟ خرید موز تولید شده در زمین‌های کشاورزی غیرپایدار را بایکوت کنید^۷ البته کمک بیشتری در کاهش تولید کربن خواهید کرد اگر مصرف گوشت قرمز^۸ را کاهش دهید.

منبع:

<https://www.greenandgrowing.org/environment-products-trade-fair/>

- ۱۰ تولید بیش از حد مجاز کشاورزان موجب آسیب رسیدن به زمین‌های آنها می‌شود و لذا کشاورزی پایدار نیست.
- ۱ وقتی مقدار عرضه بیش از تقاضا باشد باعث افت قیمت می‌شود. اضافه تولید، میزان عرضه را افزایش می‌دهد و لذا قیمت قهوه کاهش می‌یابد و می‌تواند موجب افزایش فقر شود.
- ۲ Small Scale adoption در تجارت عادلانه به دلیل استفاده نکردن از تکنولوژی‌های پیشرفته و مواد شیمیایی، زمین‌های کشاورزی در مقیاس کوچک استفاده می‌شود
- ۳ Washington State University professor Daniel Jaffee
- ۴ انتشار کربن یکی از بزرگترین مشکلات زیست محیطی قرن حاضر محسوب می‌شود. وسایل حمل و نقل دریایی، هوای و زمینی از عوامل انتشار کربن هستند.
- ۵ این مقاله در خارج ایران نوشته است و با شرایط فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی، کشاورزی و ... آن کشور تطابق دارد
- ۶ Fair trade Premium پولی است که اضافه بر قیمت کالا به کشاورزان و تولید کنندگان محصولات تجارت عادلانه تخصیص می‌یابد تا شرایط زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی آنها را تغییر دهد.
- ۷ این مقاله در خارج ایران نوشته است و با شرایط فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی، کشاورزی و ... آن کشور تطابق دارد
- ۸ دامپروری صنعتی برای تولید گوشت یکی از مهمترین آسیب‌زندگان به محیط زیست است به دلیل اینکه اداره دامپروری نیازمند آب و خاک بسیار بیشتر از تولید محصولات کشاورزی است. همچنین صنعت دامپروری یکی از چند تولیدکننده عمده گازهای گلخانه‌ای است. بنابراین فعالان زیست محیطی توصیه جایگزینی مواد گیاهی را با گوشت قرمز دارند.

پروژه‌های تجارت عادلانه در مواجهه با تغییرات جوی:

از زیست گازها تا اعتبار کربن

ترجمه شمیم شرافت

این امکان را فراهم می‌کند تا تعاونی‌های کشاورزی از آموزش لازم بهره‌مند شده و بتوانند آخرین اطلاعات را در اختیار اعضا قرار دهند.

«از طریق تجارت عادلانه در خصوص تغییرات آب و هوا آموزش دیده و دست به اقدام زده‌ایم. اما با این



حال، باز هم نیاز بیشتری داریم، چراکه ما باید دیگران را نیز که از تغییرات اقلیمی آگاه نیستند، آموزش دهیم. ما همچنین نیازمند گلخانه‌های بیشتری هستیم، تا بتوانیم برای مقابله با تغییرات اقلیمی درختان بیشتری بکاریم.»

کشاورزان می‌گویند تغییرات آب و هوا یکی از تهدیدهای شماره یک است. میلیون‌ها کشاورز در سرتاسر جهان که برای معیشت‌شان به کشاورزی وابسته هستند، بیش از همه تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

عکس: سوزانا عنتی
کشاورزان قهوه در سال‌های اخیر شاهد بوده‌اند که چگونه محصولات کشاورزی‌شان تحت تاثیر آفات و بیماری‌های ناشی از پدیده آب و هوایی «ال نینو»^۲ از بین رفته‌اند. گزارش اخیر [مرکز هواشناسی و تجارت عادلانه استرالیا](#)، که تجارت عادلانه نیز آن را تایید کرده

^۲ یکی از چرخه‌های آب و هوایی است که به قحطی، خشکسالی و اپیدمی منجر می‌شود.



زدی راتیک^۱ کشاورز قهوه اهل کنیا است. او همچنین مادر دو فرزند خردسال است و در گذشته عادت داشت هر روز، قبل از رساندن فرزندانش به مدرسه و سپس رفتن به مزارع، صبح زود بیدار شود، به جنگل برود و هیزم جمع کند.

زدی می‌گوید: «کودکان من دیر به مدرسه می‌رسیدند و من هم با تاخیر به مزرعه قهوه‌ام می‌رفتم.»

اما زدی از پروژه اجتماع‌محوری که بودجه‌اش از یک صندوق بزرگ تامین می‌شود، بهره می‌گیرد. در جامعه کشاورزی او اکنون خانه‌ها از اجاق گازهای دارای زیست‌گازهای «انرژی سبز» برخوردارند. این روش مانع از قطع درختان شده، دودزا نیست و همچنین باعث صرفه‌جویی هزینه‌های زیادی می‌شود، چراکه براساس کسب انرژی از کود گاو است و از محصولاتی تولید شده که می‌توانند به عنوان کود آلی در مزرعه بکار برده شوند.

زدی می‌گوید «اکنون، با استفاده از این اجاق گاز، کودکان من هر روز خیلی زود به مدرسه می‌رسند و من هم صبح زود به مزرعه قهوه‌ام می‌روم، چرا که این گاز بسیار مفید است. این روش بدون هزینه، بهداشتی و دارای مزایای بسیاری نسبت به روش قدیمی بکارگیری هیزم‌ها است.»

در کنار راه‌های ساده‌ای همچون این مورد، تجارت عادلانه

آلتیری، پروفسور دانشگاه برکلری در این باره این چنین توضیح می‌دهد که زمین‌های زراعی کوچک به عنوان یک منبع در تنوع‌بخشی محصولات عمل می‌کنند. در مقایسه با عملیات کشاورزی صنعتی تک‌محصولی که در آن فقط یک نوع محصول کشت می‌شود، کشاورزان در مقیاس کوچک ده‌ها نوع محصول تولید می‌کنند که شامل مواد غذایی، فیبر، علوفه، سوخت و دارو هستند. معمولاً کشاورزان زمین‌های کوچک محصولات متنوعی کشت می‌کنند که سازگاری کامل با شرایط جوی آن منطقه دارند و در مقابل تغییرات آب و هوایی و آفت‌ها مقاومند. کشاورزی چندمحصولی نه تنها به جامعه کشاورزی رونق می‌بخشد و در مقابل نوسانات بازار و آب و هوا انعطاف بیشتری دارد، بلکه می‌تواند تامین کننده مواد غذایی برای دیگر گیاهان و جانوران آن منطقه باشد. دانش سنتی کشاورزی و سرمایه اجتماعی، عوامل رایج و حیاتی برای به جنبش در آوردن یک جامعه کشاورزی پویا هستند. بدون در اولویت قرار دادن دانش سنتی کشاورزان، امید به بهبود وضعیت آب و هوا تقلیل خواهد یافت.

نویسنده و فعال محیط زیست، ربکا سلنیت، موکدا بیان کرده است که تغییرات جوی (گرم شدن زمین)، مهمتر از هر چیز دیگری است که می‌تواند سرچشمه بسیاری از مشکلات اجتماعی و زیست محیطی باشد. این موضوع پراهمیت ما را مجبور می‌کند که هر روزه هر جنبه اجتماعی و اقتصادی، و سیستم تولید و توزیع مواد غذایی خود را مورد پرسش قرار دهیم. تهدیدهای تغییرات آب و هوایی بسیار خطرناک و پنجره فرصت‌ها به سرعت در حال بسته شدن است. مواجهه با این تغییرات جوی هم چالش و هم راهکار این بحرانند. طراحی یک سیاست اقتصادی کارآمد و حمایتی برای کشاورزان زمین‌های زراعی کوچک برای از میان برداشتن خطر تغییرات جوی و همچنین ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی و برابری اجتماعی حیاتی هستند. هیچ راهکاری بدون نقص نیست، اما تغییر ساختارهای تجاری و بنگاه‌های مالی یک شروع درست برای رسیدن به این هدف است.

تجارت عادلانه نوعی فعالیت تجاری است که بر پایه گفت‌وگو، شفافیت و احترام متقابل است؛ همچنین این نوع تجارت عموماً به دنبال راهیابی به بازارهای بین‌المللی است. «قوانین تجارت عادلانه شامل ظرفیت‌سازی برای تولیدکنندگان، ارتباط تجاری بلندمدت و مستقیم با خود تولیدکنندگان، پرداخت منصفانه، عدم بکارگیری کودکان در کار، عدم بهره‌کشی یا استفاده از نیروی کار اجباری، محیط کاری عاری از هرگونه تبعیض، برابری جنسیتی، و آزادی فعالیت صنعتی است». اما امروزه، کسب و کار عادلانه ثابت کرده است که مفهومی فراتر از معنای اصلی آن دارد، که مربوط به تغییرات آب و هوایی است.

منبع:

<https://wfto.com/news/food-farming-and-climate-change-it%E2%80%99s-bigger-everything-else>

کمک‌های مالی جانبی یا مشوق‌های تجارت عادلانه-مبالغی که برای ظرفیت‌سازی به تولیدکنندگان برای بهبود وضعیت اجتماعی، یا تعریف پروژه‌های اقتصادی و زیست محیطی جدید و مفید پرداخت می‌شود- ثابت شده است که در بهبود بخشیدن به تغییرات آب و هوایی در محدوده محلی موثر است.

به عنوان مثال کوکوکافه (<http://cococafe.com>) یک کارخانه تولید قهوه در کاستاریکا، کمک دریافتی از تجارت عادلانه خود را برای کاهش آب مصرفی به کار رفته جهت شستن دانه‌های قهوه استفاده کرد. همچنین با اجازه دادن به کشاورزان محلی برای کاشت درختان سایه‌انداز در اطراف مزارع قهوه، به بهبود وضعیت آب و هوایی در کنار ارتقا کیفیت قهوه کمک بسزایی کرد. در سریلانکا، شرکت تجارت عادلانه تولید نارگیل ارگانیک سرندیپول، کمک دریافتی خود را برای تولید کودهای کمپوست

تجارت عادلانه و پایداری

ترجمه پرنده

برخی از اصول اساسی پایداری

استاندارد زندگی: درآمد و امنیت غذایی، کاهش خطر و آسیب‌پذیری

ثابت شده است که تجارت عادلانه استانداردهای زندگی را افزایش داده، خطر و آسیب‌پذیری برای کارگران و کشاورزان را کاهش می‌دهد. حداقل قیمت تضمین شده در تجارت عادلانه، یک شبکه ایمن برای کشاورزان فراهم می‌کند که می‌تواند به این معنا باشد که کمتر در معرض بی‌ثباتی قیمت‌ها هستند. به نوبه خود این می‌تواند به معنای جریان بهتر، افزایش دسترسی به اعتبار و توانایی صرفه‌جویی بیشتر باشد. امنیت غذایی با رشد اقتصادی، درآمد پایدار، کاهش خطر و آسیب‌پذیری مرتبط است. درآمد بهتر یعنی پول بیشتر برای خرید مواد غذایی و توانایی سرمایه‌گذاری در تولید مواد غذایی دیگر، همانند رشد و تولید محصولات جدید است.



سازمان‌های قدرتمندتر

تجارت عادلانه می‌تواند گروه‌های کشاورزان را برای کسب و کارهای قوی فعال‌تر کند. استانداردهای تجارت عادلانه، رهبری رهبران دموکراتیک، کارایی و کارآمدی اداری و اجرایی، حسابداری شفاف و بهبود حکومت‌داری را تشویق و ترغیب می‌کنند. این به آن مفهوم است که کشاورزان و زمین‌دارانی که به رهبران خود اعتماد دارند، باعث می‌شوند که سازمان یک شریک تجاری قوی در زنجیره عرضه باشد.



کار شایسته و مناسب

استانداردهای تجارت عادلانه جهت حمایت و حفاظت از حقوق اولیه و اساسی کارگران، از جمله محیط کار امن، حق پیوستن به اتحادیه‌ها، مذاکره با کارفرما در مورد مسائلی همچون دستمزد، ممنوعیت تبعیض و کار اجباری، یا غیرقانونی کردن کار کودکان است. استانداردها کارفرمایان را موظف به پر کردن شکاف بین پرداخت واقعی و دستمزد زندگی با توجه به محل زندگی کارگران می‌کنند.

حفاظت از محیط زیست و سازگاری با شرایط اقلیمی

حفاظت از محیط زیست یک عنصر کلیدی و مهم از دیدگاه تجارت عادلانه پایدار است. استانداردهای تجارت عادلانه به کشاورزان و صنایع تولیدی کوچک که انطباق بیشتری با مناطق حیاتی و کلیدی دارند، احتیاج دارد. این استانداردها همچنین سطح آموزش برای کشاورزان را ارتقا می‌دهد که این خود شامل مشاوره در مورد تغییر در شیوه‌های سازگار با محیط زیست است. تحقیقات نشان داده‌اند که این امر منجر به اقدامات خوب کشاورزی می‌شود که تولید پایدار محیط زیست را تشویق می‌کند. استانداردها همچنین تولیدکنندگان را در تطابق با تغییر آب و هوا و تغییرات اقلیمی و کاهش این تغییرات راهنمایی می‌کند.

است، هشدار داده که ۵۰٪ زمین‌های تولیدکننده قهوه فعلی تا سال ۲۰۵۰ بخاطر افزایش دما، تاثیرگذاری بر کیفیت و در نتیجه تهدید حیات گیاهی، نابود خواهند شد.

از این رو تجارت عادلانه با کسب و کارها و جوامع، در راستای برنامه‌ها و مشارکت‌هایی کار می‌کند تا تلاش‌های خود را افزایش دهند. همینطور برای حمایت بیشتر کشاورزان جهت مقاومت در برابر تهدیدهای تغییرات آب و هوایی و اتخاذ روش‌های نوی کشاورزی، سرمایه‌گذاری خود را بیشتر کنند. تجارت عادلانه تغییرات آب و هوایی را در برنامه‌ای مشترک و خلاق با برنامه زندگی کاکائوی کدبری^۱ در اولویت خود قرار داده و به همین خاطر است که استاندارد تجارت عادلانه و **برنامه اعتبار کربن** ایجاد شده است.

بسیاری از کشورهای که به صادرات قهوه به عنوان واحد اصلی اقتصاد خود متکی هستند نیز در میان ضعیف‌ترین‌ها در برابر خطرات آب و هوایی قرار دارند. هندوراس، نیکاراگوئه، ویتنام و گواتمالا منابع عمده قهوه هستند که در میان ۱۰ منطقه‌ای قرار دارند که از تاریخ ۱۹۹۰ بخاطر تغییرات آب و هوایی دچار خسران شده‌اند. مهم‌تر اینکه، چون کشاورزان همچنان قیمت کمی را برای قهوه‌شان دریافت می‌کنند، نمی‌توانند در آموزش، ابزارها یا دیگر مداخلاتی که تاثیرات تغییرات آب و هوایی را کاهش می‌دهند سرمایه‌گذاری کنند. اما با تغییر شیوه کشاورزی آنها، راه‌هایی برای مقابله با برخی از این مشکلات دارند.

تجارت عادلانه با کشاورزان کار می‌کند تا انتشار گازهای کربن را کاهش دهند. همچنین تلاش دارد آنها را از طریق پروژه‌هایی که تحت نظارت تجارت عادلانه استاندارد آب و هوایی و **برنامه تجارت عادلانه اعتبار کربن** با همکاری موسسه معتبر جهانی **گلد استاندارد** ایجاد شده، در برابر تاثیرات تغییرات آب و هوایی مقاوم‌تر کند. کشاورزان می‌توانند با کاهش تولید خود، «اعتبار کربن» ایجاد کنند که به کمپانی‌ها فروخته شده و سرمایه بیشتری را برای کشاورزی پایدار فراهم می‌کند.

برای همین پروژه‌هایی مانند آنچه زدی از آن بهره برده، ممکن است به سادگی تغییر به انرژی تجدیدپذیر باشند اما آنها در واقع این امکان را به جوامع می‌دهند تا تاثیر مثبتی بر محیط داشته باشند و کمک می‌کند تا در برابر صدمات آینده ایستادگی کنند.



منبع:

<https://www.fairtrade.org.uk/Media-Centre/Blog/2017/June/Fairtrade-projects-cope-with-climate-change> این ایده‌ها از کجا می‌آیند؟

۱ زندگی کاکائو به دنبال تغییر پایدار و مثبت برای جوامع تولیدکننده‌ی کاکائو است. آن‌ها با کار با کشاورزان کاکائو و خانواده‌های آنها به دنبال ایجاد آینده‌ای نوظهور برای کاکائو هستند.

تراژدی مشاعات*

مارک گریفیتس^۱ و جیل کیکول^۲

ترجمه از: آزاده فرشیدی و ارغوان رضازاده‌نیا

کارآفرینان اجتماعی نسبت به فرصت‌های متعددی که برای رفع برخی از مشکلات عمده جامعه وجود دارند، اشراف کامل دارند. ولی ای‌کاش به همان میزان از موانع متعددی که می‌توانند مسیرپیاده‌سازی راه‌حل‌ها را سد کنند، مطلع بودند. نویسندگان این مطلب، با ارائه پیشنهادات‌شان در قالب روش تراژدی مشاعات، سعی می‌کنند توضیح دهند که چرا و چگونه اهرم قرار دادن دانش و منابع شرکای زیست‌بوم مربوطه‌شان می‌تواند به بسیاری از کارآفرینان کمک کند که با غلبه بر موانع به موفقیت دست یابند.

حوزه کارآفرینی اجتماعی لبریز از قابلیت‌ها و نوآوری‌هایی است که می‌توانند برخی از بدقلق‌ترین مشکلات جامعه را مورد توجه قرار داده یا به صورت بالقوه رفع نمایند. در این مقاله ما نقش "تراژدی مشاعات" را برجسته نموده و اینکه چگونه بیان‌گر فرصت‌ها و نیز موانع پیش‌روی کارآفرینان اجتماعی است را، مورد مطالعه و موشکافی قرار می‌دهیم. ما از مثال شرکت وردانت پاور، یک تأمین‌کننده انرژی سبز، برای بیان نظرات‌مان استفاده می‌کنیم.

"تراژدی مشاعات" به مصرف بی‌رویه و تا مرز تخلیه یک منبع مشترک توسط افرادی که درعین حال که می‌دانند سوءاستفاده از یک منبع مشترک با منافع بلندمدت‌شان در تضاد است اما به طور مستقل و براساس عقلانیت ابزاری^۳ خود عمل می‌کنند، اشاره دارد. اولین استفاده از این عبارت به مقاله سال ۱۹۶۸ زیست‌شناس آمریکایی، گرت هاردین، در مجله ساینس -البته این ایده اولین بار در یک جزوه در سال ۱۸۳۳ توسط دبلیو اف لوید مطرح شده بود- نسبت داده می‌شود که در آن روش عرفی استفاده اشتراکی کشاورزان اروپایی از مرتع برای چرای گوساله‌ها را توضیح می‌دهد. نفع شخصی هر

تراژدی مشاعات چیست و این اصطلاح از کجا آمده؟

دستادست

دانشمند بوم‌شناسی به نام گرت هاردین در سال ۱۹۶۱ مقاله‌ای با این عنوان نوشت و در آن نگرانی خود را در زمینه افزایش جمعیت و آزادی خانواده‌ها در انتخاب تعداد فرزندان‌شان بیان کرد. او نگران بود که منابع مشترک زیستی تاب پاسخگویی به این وضعیت را نداشته باشند. در همین زمینه منتقد دولت رفاه و اصل ۶۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. اما در کنارش منتقد رفتار بر مبنای حداکثر کردن سود هم بود، چون این مساله نیز به زیان کل بشریت بود. او معتقد بود مشاعات باید با چیزی به جز وجدان بشری کنترل شوند. چون وجدان در این زمینه ناکاراست و افراد خودخواه در این حالت در وضعیت بهتری قرار می‌گیرند (به این مساله سواری مجانی هم گفته می‌شود، یعنی حالتی که فرد خودخواه همچنان به مصرف بی‌ملاحظه ادامه می‌دهد در حالی که افراد نوع‌دوست مصرف خود را کنترل کرده‌اند. این حالت منتهی به وضعیت بهتر افراد خودخواه می‌شود.)

بعدها الینور استروم -دانشمند علوم سیاسی که به خاطر کار روی مشاعات نوبل اقتصاد گرفت- به بررسی بیشتر مشاعات پرداخت و راه‌حل نهادی را مطرح کرد. او معتقد بود نهادها قادر به حل این مشکل در سطوح مختلف هستند.

به هر حال از سال ۱۹۶۱ تا همین امروز برای حل این مشکل راه‌حل‌های کاملاً راست‌گرایانه و نئولیبرالی همچون خصوصی‌سازی مشاعات را در کنار راه‌حل‌های چپ‌گرایانه‌ای همچون اداره دسته‌جمعی و اشتراکی مشاعات توسط تمام بهره‌مندان داشته‌ایم. ما در این شماره دو مقاله از این دو نحله فکری را در کنار هم آورده‌ایم، اگرچه با راه‌حل خصوصی کردن منابع مشترک کاملاً مخالفیم و معتقدیم این مساله به نابرابری‌ها و بحران‌های عمیق و ساختاری فعلی در جهان ما، بیش‌تر دامن می‌زند. زیرا که کنترل و بهره‌برداری از آن‌چه متعلق به همه انسان‌ها -اکتونیان و آیندگان- و زیست‌بوم همه جانداران و جانوران است را بر عهده شرکت‌هایی می‌گذارد که نشان داده‌اند علی‌رغم ادعاهای گوناگون، در نهایت اولویت اصلی‌شان کسب سود و انباشت سرمایه شخصی است.



دسترسی به بازاری عادلانه‌تر برای تجارت

نگرش تجارت عادلانه در مورد نحوه انجام تجارت، نگرشی متفاوت است. به کشاورزان و کارگران اجازه می‌دهد تا از طریق تجارت کسب و کار خود را کنترل کنند. تجارت عادلانه مصرف‌کنندگان را قادر می‌سازد، تا کل زنجیره عرضه را درک کنند، زیرا به تولیدکننده اجازه می‌دهد از طریق خریدار ردیابی و ارزیابی شود. تلاش برای حل مشکلات تجارت ناعادلانه نیز بخشی مهم از تجارت عادلانه است.

پیش به سوی برابری جنسیتی

تجارت عادلانه معتقد است نقش زنان در کشاورزی نیازمند دیده شدن، به رسمیت شناخته شدن، و باارزش شمرده شدن بیشتر است. تساوی و برابری جنسیتی برای پایداری اجتماعی مهم است. در حال حاضر ۳۵۰ هزار زن کشاورز و کارگر بخشی از جریان تجارت عادلانه هستند. در واقع یک چهارم از کل کسانی که ذیل عنوان تجارت عادلانه قرار دارند. تعداد بسیار زیادی زن هم به عنوان کارگران یا اعضای ثبت نشده تعاونی‌ها در زنجیره تجارت عادلانه قرار دارند.

بهره‌وری و کیفیت

حمایت از کشاورزان برای بهبود میزان تولید محصول و کیفیت آن، برای معیشت پایدار مهم است. این بدان معناست که کشاورزان با تولید بیشتر قادر به پرداخت پول بیشتری هستند، و این یعنی از نظر اقتصادی در شرایطی پایدارتر قرار دارند و تأمین‌کنندگانی قابل اعتمادتر هستند. این نکته ثبات روابط تجاری آنها را بهبود می‌بخشد. بهره‌وری و کیفیت بر اثر بهبود روش‌های کشاورزی، و پشتیبانی فنی منظم، افزایش یافته است و پیوند مهمی با پایداری محیط زیست دارد.



دسترسی به خدمات اولیه

پاداش تجارت عادلانه به کشاورزان و کارفرمایان اجازه می‌دهد تا در جوامع خود سرمایه‌گذاری کنند و دسترسی به خدمات حیاتی و اولیه را بهبود ببخشند. اعضای تعاونی‌ها یا کارگران مزارع مورد مشورت قرار می‌گیرند تا نیازهای فوری آنها و جایی که پول این پاداش می‌تواند بیشترین تاثیر را روی بهبود زندگی آنها داشته باشد، شناسایی شوند.

منبع:

<https://www.fairtrade.org.uk/en/what-is-fairtrade-and-sustainability/>



۱ پروفیسور رشته امور مالی در دانشکده بازرگانی دانشگاه میامی
۲ مدیر برنامه کارآفرینی اجتماعی در دانشکده بازرگانی دانشگاه نیویورک
۳ منطبق بر منافع شخصی و کوتاه مدت

گله‌دار حکم می‌کند که هر آنچه گاو در اختیار دارد برای چرا به مرتع ببرد، حتی اگر کیفیت مرتع مشترک در اثر چرای بیش از حد آسیب ببیند. در این حالت فرد از همه گاوهابی که دارد حداکثر بهره ممکن را می‌برد، اما آسیب وارده به مشاعات میان همه اعضای گروه تقسیم می‌شود.

این تراژدی در مباحثات مربوط به مسائل محیط زیستی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مدلی برای توضیح طیف وسیعی از مشکلات منبع‌محور فعلی جامعه از جمله آبیاری یا ماهی‌گیری بیش از حد، تخریب زیستگاه و ازدحام ترافیک است. این مدل علی‌الخصوص برای مبحث مورد نظر ما یعنی آلودگی هوا کاربرد دارد. جایی که نیروهای اقتصادی قوی استفاده از جو زمین را به عنوان زباله‌دانی رایگان همگانی برای گازهای گلخانه‌ای تشویق می‌کنند. واضح است که هر راه حلی برای این مشکل یک خیر اجتماعی در ابعاد ماموت است. حقیقت این است که هر نفر از مجموعه شش ملیارد جمعیت زمین برای پرهیز از هزینه‌های کنترل انتشار آلودگی انگیزه دارد. اگرچه این انگیزه به نوبه خود پدیدآورنده مشکل «مسافر مجانی» است. «مسافر مجانی» شخصی است که از حاصل دسترنج دیگران سود می‌برد، بدون این‌که بهای آن را بپردازد.

راه‌کارها و راه حل‌های مدرن

به طورکلی دو راه عملی برای غلبه بر مشکل مسافر مجانی وجود دارد: مشارکت اجباری (مالیات‌گذاری)، که نوعی مقررات است، و دوم مرتبط کردن خیر عمومی به یک خیر فردی (مجاب کردن مردم به پرداخت هزینه به صورت داوطلبانه). درمورد آلودگی هوا، رایج‌ترین راه حل تا به امروز، حول محور مشارکت اجباری از طریق مالیات کربن یا دادوستد (تحدید و مبادله) گازهای منتشره متمرکز بوده است. در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به سمت راه‌های «خصوصی‌سازی» مشاعات معطوف شده است. به این معنی که کالای مشترک به دارایی خصوصی تبدیل گردد و به این ترتیب به مالکان جدید انگیزه‌ای برای اعمال تمهیدات لازم برای پایداری‌اش بدهد. این مساله می‌تواند یک راه حل ممکن برای مشکل ازدحام ترافیک از طریق وضع عوارض راه و جاده باشد. با این حال، موفقیت آن در مورد مساله آلودگی هوا بسیار نامحتمل است.

باب کردن مالیات بر کربن به عنوان راه حل بالقوه مشکل آلودگی هوا این طور عمل می‌کند: مالیاتی بر میزان محتوای کربن سوخت‌های مصرف شده اعمال می‌گردد، تا ابزار بالقوه مقرون به صرفه‌ای برای کاهش انتشارات گازهای گلخانه‌ای در اختیارمسئولان قرار دهد.

این مالیات پیگویی^۱ (مانند مالیاتی بر فعالیت‌هایی که هزینه‌های اجتماعی منفی تولید می‌کنند) تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای را که هزینه‌های اجتماعی اعمال خود را بطور کامل پرداخت نمی‌نمایند، جریمه می‌کند. به عبارت ساده‌تر، این مالیات، مالیات اعمال شده بر آلودگی منتشره مبتنی بر محتوای کربن سوخت مصرفی، در یک پروسه تولیدی مشخص است.

دیگر راهکار عمده تبادل گازهای منتشره (تحدید و مبادله) است، راهکاری مبتنی بر بازار، که انگیزه اقتصادی لازم برای کاهش انتشارات آلاینده‌ها را فراهم می‌کند. یک مسئول مرکزی (بخش دولتی) برای میزان آلاینده‌ای که امکان انتشار دارد حداکثر مجاز (ظرفیتی) تعریف می‌کند. سپس این حداکثر مجاز اختصاص داده شده در قالب مجوز فروخته می‌شود، که نشان‌دهنده حق تخلیه حجم مشخصی از آلاینده‌ها است. شرکت‌ها موظف به داشتن تعداد مجوز معادل میزان [حداکثر کل] آلاینده‌های منتشره هستند. برای مثال، یک مجوز انتشار آلاینده می‌تواند معادل انتشار یک تن دی‌اکسیدکربن در نظر گرفته شود. از آنجایی که مجموع تعداد مجوزها نمی‌تواند از میزان حداکثر مجاز فراتر رود، مجموع انتشار نیز محدود به همان سطح خواهد بود. بعد از قرار دادن حداکثر مجاز، شرکت‌ها هرکدام می‌توانند آزادانه انتخاب کنند که آیا می‌خواهند میزان انتشارات خود را کاهش دهند و اگر می‌خواهند، چگونه اقدام نمایند. عدم ارائه گزارش [یا اخذ] مجوز انتشار آلاینده، عموماً از طریق یک سازوکار نظارتی حکومتی که با تحمیل جریمه‌هایی هزینه تولید را افزایش می‌دهند، تنبیه‌پذیر است. در بهترین حالت، شرکت‌ها کم‌هزینه‌ترین راه تطابق با راهبردهای آلاینده را انتخاب خواهند کرد. در بسیاری از سیستم‌های تحدید و مبادله، سازمان‌هایی که آلودگی ایجاد نمی‌کنند (و بنابراین هیچ تعهدی ندارند) نیز می‌توانند در مبادله مشارکت کنند. برای مثال، گروه‌های حامی محیط زیست می‌توانند مجوزهای انتشار آلاینده را خریده و از چرخه خارج نمایند، و بدین ترتیب قیمت مجوزهای باقیمانده را بالا ببرند.

هر دوی این روش‌ها بسیار بحث برانگیزند و به راحتی سیاست‌زده می‌شوند. مخالفان مقررات محیط زیستی بر افزایش هزینه کسب و کار در نتیجه وضع مالیات، جابجایی کسب و کارها، نرخ بیکاری بالاتر و رد کردن ارتباط انتشارکربن و گازهای گلخانه ای از بیخ و بن

^[1] یکی از فرض‌های قضیه اول رفاه این است که نتیجه عملکرد بازار در وضعیت رقابت کامل برای همه (که شامل اجتماع هم هست) در نهایت بهینه خواهد بود. با این وجود بازار اثرات جانبی دیگری نیز تولید می‌کند. آرتور پیگو پیشنهاد می‌کند که برای کنترل این هزینه‌ها و اثرات جانبی می‌توان با اختصاص یارانه یا مالیات، هزینه‌های تولید (که شامل هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی نیز می‌شود) را بهینه کرد

به شکل سیاسی، متمرکز می‌شوند. مخالفان مقررات محیط زیستی بر افزایش هزینه کسب و کار در نتیجه وضع مالیات، جابجایی کسب و کارها، نرخ بیکاری بالاتر تاکید دارند و سیاست‌بازانه بر عدم ارتباط انتشار کربن و گازهای گلخانه‌ای با تغییرات اقلیمی اصرار دارند. اما این چنین راهکارهای اداری و بالا-به-پایین، فرصت پرداختن به مشکل با روشی پایین-به-بالا را در اختیار کارآفرینان اجتماعی قرار می‌دهند. به ویژه نوآوری‌های کارآفرینانه‌ای که شراکت خصوصی-عمومی را بکار می‌گیرند معمولاً در این زمینه موفق عمل می‌کنند.

کارآفرین اجتماعی را وارد کنید

اساساً کارآفرینان اجتماعی، مشکل مسافر مجانی را با استفاده از روش‌های نوآورانه، برای آوردن راه حل تراژدی (خواه محصول و خواه خدمات) به بازار، و مجبور کردن مصرف کنندگان به پرداخت هرگونه هزینه اجتماعی، حل می‌کنند. بنابراین، خود تراژدی فرصت‌هایی را برای کارآفرینان اجتماعی فراهم می‌آورد تا خدمات ضروری و پرمفعت به لحاظ اجتماعی را با قیمت مناسب انجام دهند. (اکثر قریب به اتفاق پروژه‌های اجتماعی با یک ایده برای بهینه‌سازی اجتماع از طرق مختلف، آغاز می‌شوند. آنها کالاهای تجاری روند کارآفرینانه هستند. همچون کالاهای تجاری «ملموس»، «ایده‌ها» نیز به عنوان مواد خامی که فرصت‌ها و کسب و کارها از آنها خلق و آغاز می‌شوند، ارزشمندند.)

شرکت وردانت پاور

وردانت پاور (وی پی) در سال ۲۰۰۰ در شهر نیویورک بنیان گذاشته شد و از آن زمان تا کنون برای خود به عنوان یک توسعه دهنده متخصص در طراحی و



بکارگیری انرژی تجدیدپذیر دریایی با استفاده از فن‌آوری‌های انرژی آبی-جنبشی اختصاصی جایگاهی کسب نموده است. هدف شرکت فراهم آوردن انرژی تجدیدپذیر به ویژه برای جوامع در حال توسعه، با استفاده از توربین‌های زیرآبی است. ران اسمیت، رئیس هیئت مدیره و مدیر اجرایی ارشد شرکت، دیدگاه‌های زیر را که در میان بسیاری، اگر نه همه، کارآفرینان اجتماعی مشترک است، بیان می‌کند:

«انگیزه‌های من ترکیبی از آرمان‌های تجاری و اجتماعی هستند. گرایش شغلی من هرگز بر روی ثروت فوق‌العاده متمرکز نبوده، بلکه بیشتر بر روی کار و خلق چیزی منحصربه‌فرد تاکید داشته است.»

فن‌آوری وی پی هیچ ردپای کربنی حاصل از عملیات ندارد. در عین حال که مدیریت شرکت همواره در مسیر رسیدن به هدف غایی شرکت ثابت قدم بوده است، تمرکز اصلی آن بایستی بر چالش‌های تجاری دخیل در تجاری‌سازی فن‌آوری تجدیدپذیر دریایی و ایجاد یک جریان درآمدی که به پایداری آن بیانجامد، قرار گیرد. این شرکت اخیراً برای وزارت انرژی در ایست ریور واقع در شهر نیویورک آزمایشات اثبات کارایی ایده را تکمیل کرد. هدف این بود که نه تنها انجام‌پذیری سامانه و بهینه‌سازی مسائل مربوط به جای‌گذاری توربین‌ها و تولید برق را به نمایش بگذارند، بلکه قابلیت‌های کلی آن را نیز ارزیابی کنند. وی پی نشان داده است که حتی با جای‌گذاری تعداد محدودی از توربین‌ها، قابلیت تولید برق کافی برای مصرف محله روزولت آیلند در ایست ریور را داراست. با توجه به موفقیت آزمایشات، نبود ردپای کربن و قابلیت اتصال به شبکه برق محلی، به نظر می‌رسد که وی پی راه حلی منطقی و انجام پذیر

برای تراژدی آلودگی هوا ارائه داده است. با این حال، آوردن راه حل به بازار به این سادگی نبود. در حقیقت، موانعی که بر سر راه وردانت پاور قرار دارند همان موانع عمده‌ای هستند که از پیشروی بیشتر کارآفرینان اجتماعی ممانعت به عمل آورده‌اند.

مشکلات خصوصی‌سازی منابع مشترک

شرکت وی پی درآمد ندارد و در نتیجه عایدی سود آن صفر است. از آنجا که درآمد این شرکت صفر است در نتیجه تحت حمایت سرمایه‌گذاران خصوصی و یا دولت است. از طرف دیگر حمایت مالی دولتی در اکثر موارد نیازمند داشتن یک حامی مالی خصوصی نیز هست و این بدان معنا است که حتی با گرفتن کمک مالی دولت، وی پی باید یک سرمایه‌گذار خصوصی نیز داشته باشد و این مقوله یک چالش بزرگ برای وی پی است که چگونه بنگاه‌های مالی را که به دنبال افزایش سود خود هستند، راضی کند که در یک فعالیت اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند.

هزینه محصولات جایگزین- سوخت‌های بر پایه کربن- به طور کامل بیانگر هزینه آلودگی نیست. همه می‌دانند که آلودگی هوا هزینه اجتماعی در بر دارد، اگرچه هیچ کس این هزینه را به طور کامل پرداخت نمی‌کند. برای



کنترل آلودگی، باید هزینه دقیق اقتصادی آن کشف گردد تا از مسائلی چون بهره‌وری بی هزینه اجتناب شود. بنابراین پایداری شرکت وردانت پاور متکی بر تمایل دولت به وضع مالیات‌های سنگین برای مصرف کنندگان بی‌رویه و یا وضع سیاست‌های اقتصادی کاهش هزینه تولید و یا بخشودگی مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در حوزه انرژی پایدار است.

یکی از ترس‌ها در ایجاد تراژدی بیشتر، به تطابق شرکت با قوانین حمایتی زیست محیطی موجود برمی‌گردد. اثر توربین‌های آبی بر روی زندگی آبزیان رودخانه، علی

الخصوص، ماهیان، و قوانین مربوط به حفاظت محیط زیست از بزرگترین چالش‌های شرکت وی پی بوده است. شرکت در آغاز ۷۵۰۰۰ دلار از بودجه خود را صرف تحقیق در حوزه ماهیان کرد که تاکنون این بودجه به میلیون‌ها دلار افزایش پیدا کرده است، در واقع این شرکت تا کنون بیشتر بودجه خود را به جای آنکه صرف تولیدات ساختمانی و تکنولوژی‌های نوین کند، صرف تحقیقات زیست محیطی کرده است.

مقوله قابل بحث در این حیطه به تفاوت انگیزه قانون‌گذاران و کارآفرینان اجتماعی برمی‌گردد. مشکل اساسی در این مورد از بوروکراسی ناکارآمد سازمانی نشات می‌گیرد. به عنوان مثال، برای کسب مجوزهای



لازم برای فروش، وی پی باید پروژه ایست ریور را از نظر اکولوژیک، نوابری، تفریحی، هیدرودینامیکی و حفاظت تاریخی مورد آزمایش قرار دهد. برای انجام این کار، شرکت باید تحقیقات گوناگونی انجام دهد، که شامل تعیین مشخصات آبزیان قعر دریا، کیفیت آب، تحقیقات هیدرودینامیکی، تحقیقات هیدرو آکوستیک، ارزیابی موجودات کمیاب و یا در معرض انقراض، تحقیقات بیولوژیکی ایست ریور، تحقیق اماکن تفریحی، تحقیقات نوابری و امنیتی و تحقیق در رابطه با منابع تاریخی است. فقط پس از پایان این تحقیقات که دو سال به طول می‌انجامد ، وی پی می‌تواند برای دریافت مجوز و ساخت طرح تجاری در ایست ریور اقدام کند. بنابراین، هزینه‌های مربوط به انطباق‌های الزامی برای راضی کردن مسئولین ناظر بر واحدهای منابع مشترک مربوطه مهمترین مانع برای کسب سودآوری شرکت است.

تراژدی مشاعات قربانی بروکراسی ناکارآمد سازمانی و کاغذبازی‌های اداری شده است.^۱ مهمترین مشکل

۱ توضیح دستادست: البته چنین تحقیقاتی ضرورت دارند. محیط زیست، مجموعه‌ای از مسائل جدا از هم نیست. به عنوان مثال از بین رفتن یک گونه جانوری یا گیاهی می‌تواند تنش‌های جدی به کل زیست بوم وارد کند و جاندارانی که در بخش‌های مختلف زنجیره غذایی به هم

مخرب این سیستم تمایلات سیاسی مسئولین ذیربط می باشد. تصمیم گیرندگان سیاسی باید محرک ایجاد تغییرات در سیستم باشند، حال آنکه سیاست‌مداران تمایلات شخصی خود را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌دهند. هر ذی‌نفعی در مساله آلودگی هوا ترجیح می‌دهد که این مشکل توسط افراد دیگر حل شود. آنچه مسجل است این است که حاشیه سود به دست آمده افراد بهره‌ور از این سیستم زیاد است و آنها هزینه‌ای در برابر این سود پرداخت نمی‌کنند. سیاستمداران می‌دانند در صورتی که بار هزینه‌ها را بر دوش واحدهای صنعتی به جای جامعه بیاندازند، به شدت توسط واحدهای صنعتی ذی‌نفع مواخذه می‌شوند.

به طورکلی، مشکل کارآفرینان اجتماعی به دو بخش تقسیم می‌شود، بخش اول آن مشکلات عملیاتی تولید یک محصول مطمئن، شامل هدف و فرآیند تولید است. بخش دوم که به مراتب پیچیده‌تر از مشکل اول است به مواجهه با بروکراسی اداری و موانع قانونی موجود در مبحث تراژدی منابع مشترک برمی‌گردد. کارآفرینان اغلب به نظریه «تخریب خلاقانه» شومپیتر و نظریه بامول (گریفیتس،۲۰۱۲) اشاره می‌کنند که این‌چنین می‌گوید «هزینه استفاده تکنولوژی‌های قدیمی به نفع مالکان است و این افراد دیدگاه‌های بسیار متفاوتی نسبت به مخترعان دارند. ممکن است که تکنولوژی قدیمی همچنان مورد استفاده باشد اما وقتی این تکنولوژی، پیش از موعد با تکنولوژی‌های جدید جایگزین می‌شود می‌تواند به فرد دارای حق ثبت اختراع سود برساند حال آنکه ضرر ناشی از استفاده از فن‌آوری‌های قدیمی بر دوش دیگران است» این مباحث می‌توانند شروع انتقاد از کاغذبازی اداری و قانون‌گذاران باشند.

گرفتن تصمیم‌های بزرگ در افق

در هنگام بررسی فرصت‌ها در مقوله تراژدی منابع مشترک، کارآفرینان اجتماعی با دو تصمیم بزرگ مواجه می‌شوند. اول اینکه آیا به ماندن در بازاری با چنین شرایط سخت‌گیرانه‌ای ادامه بدهند یا نه؟ وظیفه هر بنگاه کارآفرینی این است که هدف بنگاه خود را در اولویت قرار دهد و سوالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا واقعا این موانع اجتماعی از اهمیت بیشتری نسبت به امنیت شغلی کارکنان بنگاه‌های کارآفرینی برخوردار است؟

به سوال مطرح شده اول تنها با پاسخگویی به سوال دوم می‌توان پاسخ داد، که این سوال شامل قوانین محیط زیستی موجود و شرایط ایجاد تغییر در آنهاست. آیا کارآفرینان اجتماعی باید با شناخت موانع قانونی و اداری حیطه کاری خود و ایجاد فشار بازار بر روی وابسته هستند را با خطرگ و حتی انقراض روبرو کند.

دولتمردان، بستر تغییر در مقوله بهره‌وری بدون پرداخت هزینه را ایجاد کنند؟ آیا کارآفرینان اجتماعی باید با سیستم همراه شوند و با تحمل بار هزینه‌های اضافی که با کاغذبازی‌های اداری بر آنها تحمیل می‌شود، فضای رقابتی سالم خود را به خطر بیاندازند؟ یا اینکه آیا سرمایه‌گذاران با ایجاد روابط دوستانه‌تر و سخت‌گیری کمتر، فضا را برای سودآوری کارآفرینان و افزایش قدرت بازار مهیا کنند؟

خبر خوب: کارآفرینی اجتماعی رو به رشد از اکوسیستم حمایت می‌کند

در سال‌های اخیر حمایت‌های سازمانی از کارآفرینی اجتماعی به طرز چشم‌گیری رو به افزایش است، این حمایت‌ها از طرف سازمان‌های علمی، پزشکی ، بنگاه‌های دولتی، و سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، سازمان‌های خصوصی و غیرخصوصی و شرکت‌های بزرگ انجام می‌گیرد. این سازمان‌های حمایتی بخشی از جامعه هستند که با فراهم کردن سرمایه لازم برای کارآفرینان اجتماعی آنها را در ثبات اقتصادی و اثرگذاری مثبت بر روی افراد، خانواده‌ها و جامعه توانمند می‌کنند.

بعنوان مثال، برنامه آموزشی پیش‌برنده مداوم و انگیزشی، حمایت و ایجاد آگاهی، عامل افزایش رشد کارآفرینی اجتماعی آموزشی، فعالیت و تحقیقات در این حیطه است (آشوکا و بروک،۲۰۱۱). موسسه اسپن مطالعه‌ای را طی مدت دو سال روی دانشکده‌های بازرگانی انجام داد تا بتواند یک راهکار برای ادغام مسائل زیست محیطی و اجتماعی با واحدهای درسی دانشگاهی و پروژه‌های تحقیقاتی پیدا کند. تعداد دانشکده‌هایی که متقاضی دانشجو در رشته‌های بازرگانی و اجتماعی هستند از ۳۴ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۷۹ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرده است (موسسه اسپن،۲۰۱۱). از دیگر یافته‌های تحقیق موسسه اسپن این است که ۲۰ درصد دروس پیشنهادی دانشگاه‌ها در حیطه اجتماعی، محیط زیستی و اخلاقی است. بسیاری از برنامه‌ها و درس‌ها و به خصوص فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها بر پایه این است که آغازگر ایجاد یک دیدگاه جدید برای کارآفرینان اجتماعی باشد تا بتوانند با افزایش سرمایه خود با چالش‌ها و موانع موجود در راه رشد اقتصادی و اجتماعی خود مقابله کنند.

در آخر، امروزه سازمان‌های بیشتری در فراهم کردن منابع مورد نیاز برای کارآفرینان اجتماعی و ایجاد انگیزش در آنها مشارکت می‌کنند تا بتوانند در تغییرات اجتماعی به وسیله حمایت از تازه واردان به بازار نقشی داشته باشند. مشارکت کارآفرینان با سازمان‌های غیر دولتی برای آنها این فرصت را فراهم می‌کند تا به طور مستقیم با سازمان‌های حقوق بشری، جمع‌آوری کمک‌های مالی و ایجاد تغییرات سازمانی و کاربایی در ارتباط باشند.

فرهنگی ما، ممکن است عمل ادغام و حراست از اراضی در آمازون مجدانه انجام شود. ممکن است برای بازپس‌گیری، نیاز به استفاده از قدرت حکومتی برای مقابله با [برآمدگان از] دموکراسی خیانت‌پیشه باب میل پول‌دارهایی باشد که برای منافع کوتاه مدت، زمین را با کشت سویا و چرای گاوها تباہ می‌کنند. اما ممکن است چنین کاری مشکل دیگری به وجود بیاورد: برای حفاظت از تنوع زیستی ممکن است اخراج جمعیت بومی از زمین‌هایشان ضروری به نظر برسد. در واقع یک منبع اشتراکی ممکن است خرج منبع اشتراکی دیگر شود.

پرسش‌ها درباره منابع اشتراکی و مشاعات، متناقض و همواره محل اختلاف‌اند. در پس این بحث‌ها منافع اجتماعی متضاد وجود دارد. در واقع «سیاست» آن طور که ژاک رانسیر^۴ گفته است «ساحت فعالیت مشترکی است که تنها می‌تواند در تضاد باشد».

در نهایت، تحلیل‌گر با یک تصمیم ساده تنها می‌ماند: طرف کی هستی؟ دنبال حمایت از چه منافی و از منافع چه کسانی هستی؟ امروزه ثروتمندان عادت کرده‌اند خود را در اجتماعی بسته

۲ Jacques Rancière

را مبنی بر اینکه تنها راه حل مشکلات CPR تحمیل مالکیت خصوصی [خصوصی‌سازی] یا اوامر و قوانین متمرکز [سرمايه‌داری دولتی] توسط مراجع بیرونی است را روی آب می‌ریزد.» و همانطور که استروم استدلال می‌کند، [این روش‌های هوشمندانه و عاقلانه] بیان‌گر «ترکیبی غنی از ابزارها [و ابتکارات و خلاقیت‌های] شخصی و جمعی»^۳ است.

با این وجود، بیشتر مثال‌های او، تنها شامل صد یا تعداد بیشتری بهره‌بردار^۱ است. تعدادهای بیشتر از این (بزرگترین نمونه او شامل پانزده هزار نفر است) به جای چانه‌زنی مستقیم بین افراد به ساختار «سلسله مراتبی تو در تو»^۲ برای تصمیم‌سازی نیاز دارند. روشن است که در کار [او] «مشکل مقیاس» تحلیل نشده است. امکاناتی که برای مدیریت عاقلانه منابع تحت مالکیت عمومی [و مشاعات] در یک مقیاس وجود دارد، مانند حق‌آبه اشتراکی بین صد کشاورز در حوضه یک رودخانه کوچک، نمی‌تواند مشکلات جهانی مانند گرم شدن زمین یا حتی منطقه‌ای مثل انتشار رسوب اسید از نیروگاه‌ها را حل کند. همان طور که ما جغرافیدانان می‌گوییم پیشروی در مقیاس^۳، کل ماهیت مشکل مشاعات و چشم‌انداز یافتن یک راه حل، مدام تغییر می‌کند. چیزی که در یک مقیاس روش خوبی برای حل مشکلات به شمار می‌رود، ممکن است در مقیاس دیگر قابل استفاده نباشد. بدتر از این، راه حل‌های خوب در یک مقیاس (مثلا مقیاس محلی) الزاما نمی‌توانند [با تغییر در مقیاس اجزای خود] بالا و پایین شوند تا به راه حلی مناسب برای مقیاس دیگر (مثلا جهانی) بدل شوند. به همین دلیل است که استعاره [گاو و مرتع] هاردین این چنین گمراه کننده است: او از یک مثال در مقیاس کوچک برای توضیح یک مشکل جهانی استفاده می‌کند. اتفاقا به همین دلیل است که درس‌هایی که از سازمان‌های اشتراکی در اقتصادهای کوچک‌مقیاس و مبتنی بر همبستگی همسو با [ایده] مالکیت جمعی می‌گیریم، نمی‌توانند به راه حل‌های جهانی بدون متوسل شدن به اشکال سلسله مراتبی تصمیم‌گیری منتهی شوند. متاسفانه، این روزها، سلسله مراتب برای بسیاری از چپ‌های اپوزوسیون^۴ مانند لعن و نفرین است.

در نمای بزرگتر، و مشخصا در سطح جهانی، بعضی از روش‌های ادغام و تثبیت اراضی بهترین روش برای حفظ منابع مشترک ارزش‌مند هستند. به عنوان مثال برای حفاظت از تنوع زیست‌محیطی و همچنین فرهنگ مردمان بومی به عنوان بخشی از مشاعات طبیعی و

۷	Appropriator
۸	“nested hierarchical” structure
۹	Jump Scales
۱۰	oppositional left

این خوانش و برداشت اشتباه، از علاقه هاردین در به کار بردن استعاره گله گاوها ناشی می‌شود که در مالکیت خصوصی افراد مختلفی هستند که در پی به حداکثر رساندن سود فردی خود هستند و گله را روی یک قطعه زمین مشترک می‌چرانند. اگر گله به عنوان منبع مشترک (مشاع) نگهداری می‌شد، این استعاره اشتباه از آب درمی‌آمد. چون واضح است که مالکیت خصوصی بر [گاوها و] گله و به حداکثر رساندن سود شخصی مشکلات اصلی هستند. اما هیچکدام از اینها نگرانی اصلی هاردین نبود. دغدغه اصلی او افزایش جمعیت بود. او می‌ترسید، تصمیم شخصی بچه‌دار شدن به تخریب مشاعات و منابع مشترک جهانی منجر شود (نظری که توماس مالتوس^۲ هم درباره آن حرف زده بود). ماهیت خصوصی و خانوادگی این تصمیم مشکل اصلی او بود. به نظر او، تنها راه حل، مقررات اجباری کنترل جمعیت بود.

من به منطق هاردین می‌پردازم تا روشن کنم که این گونه فکر کردن درباره مشاعات اغلب محصور در پیش فرض‌های کوتاه‌فکرانه‌ای است که از نمونه‌ای چون ادغام ارضی^۳ در بریتانیای قرن ۱۶ میلادی به بعد، سرچشمه می‌گیرد. در نتیجه، تفکر در این‌باره غالبا دو قطبی است: یک طرف راه‌حل‌های مبتنی بر مالکیت خصوصی و یک طرف مداخلات اقتدارگرایانه دولت‌ها. از حیث سیاسی، کل ماجرا در سایه واکنش‌های خامدستانه له یا علیه [سلب مالکیت عمومی] و ادغام زمین‌ها رفته و معمولا با یک دوجین نوستالژی و قصه‌های یکی بود یکی نبود، اقتصاد اخلاقی تشریک مساعی بود، بزک دوزک شده است.

الینور استروم^۴ سعی می‌کند تا برخی از این پیش‌فرض‌ها را در کتابش «حکمرانی بر مشاعات»^۵، که در آن شواهدی تاریخی، اجتماعی و انسان‌شناختی را [در این باره] نظم و نسق داده، رد کند. استروم نشان می‌دهد که افراد اغلب می‌توانند از روش‌های هوشمندانه و بسیار عاقلانه‌ای برای مدیریت منابع تحت مالکیت جمعی^۶ (CPR) برای نفع فردی و جمعی استفاده کنند. این مطالعات موردی «پته ادعاهای بسیاری از تحلیل‌گران سیاست‌گذاری

۲ Thomas Malthus جمعیت‌شناس قرن ۱۹. او در رساله‌ای درباب اصل جمعیت استدلال می‌کند که در شرایطی که منابع و به تبع آن درآمد محدود هستند، جمعیت تا حد معینی می‌تواند رشد کند و با رسیدن به آن حد، میزان رفاه، امکانات سرانه کاهش می‌یابد که منجر به کاهش جمعیت می‌شود به عبارت دیگر افزایش جمعیت گرفتار تله‌ای است که مانع افزایش آن از یک حد معین خواهد شد. ۳ Land enclosures به صورت کلی این فرایند در انگلستان مشتمل بر ادغام زمین‌های کوچک‌تر، سلب مالکیت عمومی از آن‌ها و ایجاد زمین‌های بزرگ‌تر و تثبیت مالکیت خصوصی بر زمین‌ها بوده است.

۴	Elinor Ostrom
۵	Governing The Commons
۶	Common property resources

تشکیلات اجتماعی تازه تاسیس می‌توانند با تکیه بر سازمان‌های اجتماعی (-www.se-alliance.org/mem-ber-spotlight) از برنامه‌های آموزشی منظم و بنگاه‌های بازرگانی عام‌المنفعه از جمله شرکت‌های بزرگ اجتماعی، شرکت‌های سهامی، وام دهندگان، موسسات آموزشی، بنگاه‌های خدماتی بهره‌مند شوند. این سازمان‌ها فعالانه تبلیغ کسب و کار اعضای خود را می‌کنند تا برایشان شرکای تجاری مناسب پیدا کنند یا جذب مشتری انجام دهند و یا منبع سرمایه لازم را برایشان پیدا کنند. سازمان‌های دیگری هستند که هدف مشابه با آنها را دارند که آشوکا، آند، بازتاب سبز و موسسه اسکول از جمله این موسساتند.

کارآفرینان اجتماعی در کارشان نوآور هستند، وقتی یک مشکل اجتماعی رخ می‌دهد، کارآفرینان اجتماعی چالش موجود را تبدیل به فرصت می‌کنند و از توانایی خود برای ایجاد انگیزه و پویایی جامعه استفاده می‌کنند. این مقوله شامل شناخت فرصت‌ها نیست بلکه در واقع شناخت تهدیدها و پیدا کردن راهکارهای مناسبی است که دوستدار اکوسیستم باشند. جالب اینجاست که چنین چیزی بدون در نظر گرفتن تراژدی مشاعات امکان‌پذیر نیست.

منبع:

https://iveybusinessjournal.com/publication/the-tragedy-of-the-commons

آینده مشاعات^۱

دیوید هاروی

ترجمه سیده شهبازی، مژده عظیمی، شمیم شرافت، آزاده کامیار، آزاده فرشیدی/ بازخوانی و ویرایش نهایی و اضافه کردن پانویس‌ها حمید فراهانی

تعداد دفعاتی که مقاله کلاسیک گرت هاردین، «تراژدی مشاعات [یا منابع مشترک]»^۱، را دیده‌ام از دستم در رفته است. مقاله‌ای که به عنوان استدلالی محکم برای دفاع از مفید بودن حق مالکیت خصوصی بر زمین و بهره‌کشی از منابع، مورد استناد قرار می‌گیرد و بنابراین توجیهی مقبول برای خصوصی سازی پنداشته می‌شود.

۱ Commons

[و منحصر به خود]۱ قرنطینه کنند که در آن مشاعات انحصاری شکل می‌گیرد. گروه‌های رادیکال هم می‌توانند فضاهایی را از آن خود کنند، گاهی به واسطه استفاده از مالکیت خصوصی (همچون زمانی که فعالان، مرکزی را برای اقدامات جامعه‌محور با اهداف مترقی، خریداری می‌کنند) که با آن می‌توانند سیاست منافع جمعی را بسط دهند. یا می‌توانند کمون یا شورایی را در فضایی محافظت شده برسانند.

در همه انواع مشاعات امکان دسترسی باز/همگانی وجود ندارد. برخی مانند هوایی که تنفس می‌کنیم، باز هستند، در حالی که برخی، مانند خیابان‌های شهرهای‌مان، [فقط] لفظا باز هستند، اما [در عمل] تنظیم‌شده، تحت نظارت پلیسی، و حتی در مناطقی به شیوه‌ای خصوص و در هیات تاجرآباد؟ مدیریت می‌شوند. برخی نیز مانند منابع آب اشتراکی که توسط پنجاه کشاورز کنترل می‌شوند، از همان ابتدا مخصوص گروه اجتماعی خاصی هستند. مثال‌های استروم اغلب متنوع هستند. علاوه بر این، او تحقیق خود را به آنچه به منابع طبیعی موسوم است، همچون زمین، جنگل‌ها، آب، ماهیگیری و چیزهای این چنینی محدود می‌کند. (من می‌گویم موسوم به منابع طبیعی، چرا که کلیه منابع از نظر تکنولوژیک، اقتصادی و فرهنگی سبک سنگین می‌شوند، در نتیجه [باید گفت] اجتماعی تعریف شده‌اند). استروم تمایلی به دیگر انواع مشاعات همچون مواد ژنتیک، دانش و دارایی‌های فرهنگی که این روزها لگدکوب کالایی‌سازی و ادغام و انحصار شده‌اند، نشان نمی‌دهد. مثلا این را در نظر بگیرید که چگونه مشاعات فرهنگی توسط صنعت میراث فرهنگی، کالایی‌سازی می‌شوند (و اغلب هم دست‌کاری و خراب می‌شوند^۳). حق مالکیت معنوی و ثبت اختراع و اکتشاف در ژنتیک و دانش علم نیز یکی از داغترین موضوعات زمان ما هستند. هنگامی که کمپانی‌های انتشاراتی بابت دادن اجازه دسترسی به مقالات مجلات علمی و فن‌ی‌ای که منتشر کرده‌اند

^۳ از نمونه‌های این جوامع می‌توان به محلات مختص به افراد مرفه یا صاحب نفوذ و قدرت‌مند اشاره کرد که اشخاص عادی اجازه رفت و آمد و عبور از آن ندارند، مانند منطقه سبز بغداد. ^۴ business improvement districts این محلات در شهرهای بزرگ دنیا به وفور یافت می‌شود، محلاتی با امکانات آن‌چنانی، سرویس‌های ویژه که مسکن و فضای کسب و کار در آن قیمت بسیار بالایی دارد و خود به خود هر کسی نمی‌تواند در آن ساکن یا کسب و کاری را راه بیندازد و فقط طبقه خاصی از ثروتمندان، مدیران ارشد بانک‌ها و کمپانی‌های بزرگ، سهام‌داران عمده و... می‌توانند در این محلات ساکت شوند. ساکنان این محلات معمولا در ازای خدمات ویژه و اضافه شهری و هزینه‌های نگهداری از فضاهای شهری مقداری مالیات بیشتر و یا پول شارژ محلی می‌پردازند. ^۵ مثال بارز این موضوع را می‌توان در طرح‌های سوداگرانی دید که سازندگان صنایع دستی را مجبور می‌کنند به کلی طرح‌های بومی خود را کنار بگذارند یا خطوط تولید انبوه راه‌اندازی می‌کنند بدون توجه به ظرایف، محتوا و ویژگی‌های آن هنر. صنایع دستی صنعتی (خاتم‌کاری‌های چاپی)، صنایع دستی بدلی (مانند مجسمه‌های پلاستیکی هخامنشی) نیز از این قماشند.

فصل‌نامه فرهنگی و اجتماعی دستادست . سال اول . شماره دوم . آذر ۱۳۹۷

از خوانندگان پول طلب می‌کنند، به راحتی مشکل عدم دسترسی همگانی به آنچه باید دانش مشترک و باز به روی همگان باشد، قابل رویت است.



مشاعات و منابع مشترک فرهنگی و فکری معمولا موضوع منطق کمیابی و محدودیت -که درباره منابع طبیعی صادق است-، نیستند. مایکل هارد و آنتونیو نگری در «ثروت عمومی» بر این موضوع تأکید می‌کنند. [مثلا] ما همگی می‌توانیم هم‌زمان مخاطب یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی باشیم. هارد و نگری می‌نویسند فرهنگ مشترک «پویاست، که کار می‌آفریند و هم ابزار تولید آینده را^۱. این منبع مشترک تنها زمینی که همه از آن استفاده می‌کنیم نیست، بلکه زبانی که ما خلق می‌کنیم، فعالیت‌های اجتماعی ما، شیوه‌های اجتماعی که روابط ما را تعریف می‌کنند و غیره را نیز شامل می‌شود.» این مشاعات و منابع مشترک در طول زمان

^۳ در نظر بگیرید که پژوهش یک پژوهش‌گر ایجاد نوعی از کار است، ضمن این که محصول کار او، به عنوان مثال روشی که برای مطالعه یک پدیده ابداع می‌کند، بخشی از ابزار کار و تولید پژوهش‌گر بعدی است. نگارش نمایش‌نامه‌ای توسط یک هنرمند و استفاده هنرمندان تئاتر برای اجرای آن نمونه ای دیگر از این است که ایجاد مشاعات فرهنگی هم کار می‌آفریند و هم ابزار تولید آینده را.

مصرف شدن، از بین نمی‌رود، اما با سوء استفاده مفرط، تنزل پیدا کرده و به امری پیش پا افتاده بدل میشود.

این‌جا، به نظر من مشاعات فی‌نفسه مشکل نیستند. بلکه شکست مالکیت خصوصی فردمدار در تحقق منافع جمعی ما، آن‌طور که شایسته و بایسته است، مشکل اصلی است. برای مثال چرا ما روی استعاره هاردین به جای تمرکز بر مرتع به عنوان یکی از مشاعات، بر مالکیت خصوصی تمرکز نمی‌کنیم؟ توجیه حق مالکیت خصوصی در تئوری لیبرال این است که حق [مالکیت خصوصی افراد] وقتی که به وسیله نهادهای بازاری آزاد و منصفانه در هم ادغام شود، در خدمت بیشینه‌کردن خیر جمعی خواهد بود. همانطور که هابز استدلال می‌کند، ثروت عمومی از طریق خصوصی شدن منافع در رقابت با هم، در چارچوب دولتی مقتدر، ایجاد می‌شود. این ایده، که توسط نظریه‌پردازان لیبرال نظیر جان لاک و آدام اسمیت صورت‌بندی شده است، همچنان مورد توصیه

قرار می‌گیرد، البته [با این تفاوت که] نیاز به نقش‌آفرینی دولت مقتدر کم‌رنگ پنداشته می‌شود . بانک جهانی -که تمایل زیادی به تئوری‌های هرناندو دی سوتو^۱ دارد- به دنبال اطمینان دادن به بشر است که راه حل مشکل فقر جهانی در حق مالکیت خصوصی برای همه زاغه‌نشین‌ها و [وام‌دهی سرمایه‌گذاران به فقرا برای] سرمایه‌گذاری‌های خرد است (به خصوص آن دسته [از وام‌هایی] که نرخ بهره چرب‌تری برای سرمایه‌گذاران جهانی به دنبال دارند). به مجرد این‌که غریزه کارآفرینانه ذاتی فقرا بدین صورت [از طریق وام‌دهی] آزاد شود، همه چیز سروسامان می‌گیرد و چرخه فقر شکسته می‌شود.

از نظر [جان] لاک، مالکیت فردی حق طبیعی هر فرد است که برآمده از ایجاد ارزشی است که با کار روی زمین به دست می‌آید: میوه‌های کار اشخاص، فقط به خود اشخاص تعلق دارد. این بنیان نسخه لاک از نظریه ارزش کار است. بازار مبادله این حق [مالکیت خصوصی] را اجتماعی می‌کند: زمانی که هر فرد ارزشی را که خلق کرده با مبادله در برابر ارزش معادلش که توسط دیگری خلق شده، باز پس می‌گیرد. در نتیجه، افراد مالکیت خصوصی خود را از طریق خلق ارزش و به دنبال آن با مبادله آزاد

^۱ اقتصاددان دست راستی پروئی که معتقد است با مقررات‌زدایی کامل از بازار، کسب و کارهای کوچک راحت‌تر رشد می‌کنند زیرا سروکله زدن با پیچیدگی‌های بوروکراتیک و اداری مقررات برای کسب و کارهای کوچک دشوار است. مارک دیویس، فعال حقوق شهری و تاریخ‌نگار، سوتو را مرشد جهانی نئولیبرالیسم پوپولیست می‌داند که سعی دارد فقرا را قانع کند نئولیبرالیسم و مقررات‌زدایی راه نجات نهایی آن‌ها از فقر است.

لاک است، [در شکل کاری که جمعی شده است] دیگر معطوف به فرد و شخص نیست، بلکه معطوف به [جمع] کارگرانی است که دسته جمعی کار می‌کنند. کمونیسم بر پایه گردهم‌آیی انسان‌های آزاد که با ابزار تولید -که به صورت مشاع است- و صرف اشکال گوناگون کار و توانایی‌شان در خودآگاهی کامل به عنوان نیروی کار [جمعی] واحد، سر بر می‌آورد. مارکس نه حامی مالکیت دولتی بلکه حامی برخی اشکال مالکیت [بر منابع و ابزار تولید] است که به جمع کارگران برای خیر جمعی محول شده است.

اینکه چطور این شکل از مالکیت می‌تواند محقق شود، با برگرداندن استدلال ارزش آفرینی لاک علیه خودش امکان پذیر است. فرض کنید مارکس می‌گوید یک سرمایه‌دار تولید را با ۱۰۰۰ دلار شروع می‌کند و در سال اول می‌تواند 200 دلار ارزش اضافی از کارگرانی که روی زمین کار کرده اند، به دست آورد و آن ارزش یا سود اضافی را برای مصارف شخصی استفاده کند. پس از گذشت ۵ سال 1000 دلار [سود یا ارزش اضافه تولید شده که] به جمع نیروی کار تعلق دارد، زیرا آنها کسانی بودند که روی زمین کار کرده‌اند. [در طول این ۵ سال] سرمایه‌گذار همه سرمایه اصلی خود را مصرف کرده است [یعنی هزار دلار ارزش اضافی که از کار کارگران به دست آورده به همان میزانی است که سرمایه‌گذاری کرده]. [آیا] مانند مردمان بومی آمریکای شمالی [که بنا به نتیجه‌گیری از استدلال لاک] مستحق از دست دادن حقوق خود [بر زمین‌های آبا و اجدادی‌شان] بودند، چون ارزش اضافه تولید نمی‌کردند، این سرمایه‌دار مستحق از دست دادن حق [مالکیت خصوصی] خود نیست؟

اگرچه این منطق به نظر ظالمانه است، اما تفکر میدنر^۱ سوئدی که در اواخر دهه 60 میلادی مطرح شد از آن نشأت می‌گیرد. مالیات بر سود شرکت‌های بزرگ در عوض محدودیت [افزایش] دستمزدها توسط اتحادیه‌ها، در یک صندوق تحت کنترل کارگران قرار می‌گیرد که امکان سرمایه‌گذاری و در نهایت خریدن شرکت را ممکن می‌کند. بنابراین موجب می‌شود شرکت تحت کنترل نیروی کار مربوطه قرار گیرد. [نظام] سرمایه با همه قوا در مقابل این ایده مقاومت کرد و این طرح هرگز اجرایی نشد. اما باید به این ایده دوباره نگریم. نتیجه اصلی [این ایده] این است که کار جمعی که اکنون آفریننده ارزش است باید مبنای حق مالکیت جمعی -و نه خصوصی- قرار گیرد. [در نظام سرمایه‌داری] ارزش، [یعنی] مدت زمان کار از نظر اجتماعی لازم، مشاع سرمایه‌گذار است و با پول سنجیده می‌شود، واحدی جهانی که ثروت مشاع با آن اندازه‌گیری می‌شود. در نتیجه مشاع چیزی نیست که زمانی بوده و حالا گم شده است، بلکه مانند مشاعات شهری به مرور در حال ایجاد شدن است. مشکل اینجاست که به وسیله سرمایه مرور زمان در شکل کالایی و پولی ادغام و منحصر شده است.

گروهی از اجتماعی محلی که تلاش دارد تنوع قومی را در محله خود حفظ و آن را در برابر اعیانی‌سازی

^۱ باشد مثل کار در کارخانه، چرا مالکیت همچنان باید خصوصی باشد؟

۱ رادولف میدنر (Rudolf Meidner)، اقتصاددان سوئدی آلمانی‌تبار و سوسیالیست که در دوران حکومت نازی‌ها به دلیل عقاید خود و نسب یهودی‌اش مجبور به فرار از برلین و مهاجرت به سوئد شد.



و منصفانه، حفظ می‌کنند، توسعه می‌دهند و اجتماعی می‌نمایند. این طور، ثروت ملل به آسان‌ترین شکل خلق، و به بهترین شکل ممکن به خیر عمومی خدمت می‌شود.

البته پیش‌فرض [تحلیل بالا] بر این است که بازار می‌تواند آزاد و عادلانه باشد و در اقتصاد سیاسی کلاسیک فرض می‌شود که دولت با مداخله‌گری بازار را آزاد و عادلانه می‌کند، درست همان چیزی که اسمیت به رهبران دولت‌ها توصیه کرده است. اما نظریه جان لاک، نتیجه‌ای خوف‌انگیز دارد: افرادی که در تولید ارزش ناموفق‌اند و مولد نیستند، حقی بر مالکیت ندارند. با همین [نتیجه‌گیری خوفناک] سلب مالکیت مردمان بومی آمریکای شمالی توسط استعمارگران «مولد» از [سرزمین اجدادی‌شان] توجیه شد، زیرا مردمان بومی ارزش تولید نمی‌کردند و مولد نبودند.

کارل مارکس چطور با همه این موارد مواجه می‌شود؟ مارکس در فصول ابتدایی سرمایه، تئوری لاک را می‌پذیرد گرچه استدلال‌هایش آکنده از به مضحکه گرفتن است. مثلاً آن‌جایی که مثالی از نقش حیرت‌انگیز رابینسون کروزوئه در اقتصادی-سیاسی می‌زند، کسی که [پس از غرق شدن کشتی] تک و تنها در طبیعت رها شده، [اما] مثل یک نجیب‌زاده انگلیسی رفتار می‌کند! اما وقتی مارکس به این می‌پردازد که نیروی کار تبدیل به کالایی شخصی می‌شود که قابل خرید و فروش در بازار [به اصطلاح] آزاد و منصفانه است، پرده از چهره نیرنگستان لاک برمی‌افتد تا چهره واقعی نظریه‌اش را ببینیم: سیستمی که مدعی بنا شدن بر برابری در ارزش مبادله‌ای است، در واقع از طریق استثمار کارگران در فرایند تولید، برای سرمایه‌دار که مالک وسایل و ابزار تولید است، ارزش اضافه تولید می‌کند.

نظریه لاک زمانی که مارکس به سراغ کار دسته‌جمعی می‌رود، رسواتر می‌شود. در دنیایی که هر صنعتگر صاحب وسایل تولید خود است و می‌تواند آزادانه در بازاری نسبتاً آزاد مبادله کند، شاید حنای جان لاک رنگی داشته باشد. اما مارکس استدلال می‌کند که برآمدن سیستم تولید کارخانه‌ای از اواخر قرن ۱۸، تئوری‌بافی‌های چرند لاک را برملا کرد. در کارخانه، کار به صورت جمعی سازمان‌دهی می‌شود. پس اگر حق مالکیتی باید از این شکل کار مشتق شود، قاعدتاً باید جمعی یا شریکی باشد تا فردی^۲. تعریف کار ارزش آفرین، که مبنای نظریه مالکیت خصوصی

^۱ مارکس در کاپیتال داستان کروزوئه را که در طبیعت رها شده به سخره می‌گیرد زیرا کروزوئه از بین آن‌همه چیز در کشتی در حال غرق شدن، ساعت، جوهر، قلم و دفتر را نجات داده و در قصه مثل یک سوداگر و بازاری حرفه‌ای، زمان لازم برای ساخت هر وسیله، مواد لازم و نحوه تهیه آن را یادداشت می‌کند.

^۲ لاک می‌گوید، چون کار فردی است، مالکیت باید مختص به فرد، یعنی خصوصی باشد، بنا به نظر مارکس، اگر کار جمعی

حفظ کنند، ممکن است ناگهان با افزایشی در قیمت املاک خود روبرو شوند. زیرا دلال‌های بازار مسکن شروع به بازاریابی [برای املاک محله] به عنوان محله‌ای چندفرهنگی و متنوع، برای جذب اعیان‌سازها، می‌کن‌ند. مارکس می‌نویسد، نتیجه این است که سرمایه با قانون [نانوشته] رقابت (همان کاری که صاحبان گاو در قصه هاردین می‌کردند) برای افزایش فایده (سوددهی) به پیش رانده می‌شود تا:

«پیشرفت در هنر دزدی، نه فقط از کارگر، بلکه از خاک. همه پیش‌رفت‌ها در افزایش حاصل‌خیزی خاک برای مدت زمانی محدود، پیش‌رفتن به سمت نابودی کامل منابع بلندمدت حاصل‌خیزی است. پیش‌روی هرچه بیشتر یک کشور با صنایع بزرگ به عنوان زمینه‌ساز توسعه، مثل مورد آمریکا، مساوی است با سرعت هرچه بیش‌تر در تخریب [منابع]. شیوه تولید سرمایه‌دارانه بنابرین فقط تکنیک‌ها و تا میزانی ترکیب روندهای اجتماعی تولید را توسعه می‌دهد، و همزمان منابع اصیل ثروت، خاک و کار را تباہ می‌کند.»^{<?>}

تولید کند.

این «تراژدی» به چیزی که هاردین ترسیم می‌کند شباهت دارد، اما منطقی که خاستگاهش است کاملا متفاوت است. در اینجا مشکل مشاعات به همراه دامنه‌ای از راه حل‌های ممکن بازتعریف می‌شود. انباشت افسارگسیخته سرمایه فردی دائماً دو منبع اولیه دارایی مشترک، یعنی نیروی کار و زمین، را که زیربنای همه اشکال تولید هستند، تهدید به نیستی می‌نماید. از طرفی، با انباشت سرمایه که با نرخ رشدی ترکیبی (معمولا معادل ۳ درصد در کمترین حالت رضایت [صاحبان سرمایه]) اتفاق می‌افتد، این تهدیدها در مقیاس و تراکم شدت می‌یابند.

حملات وحشیانه نئولیبرال به حقوق و قدرت نیروی کار تشکل یافته که در دهه ۷۰ میلادی، از شیلی تا انگلستان، آغاز شدند، حالا توسط طرح‌های سخت گیرانه ریاضت اقتصادی جهانی، از کالیفرنیا تا یونان، تکمیل و تقویت می‌گردند. این طرح‌ها علاوه بر تلف شدن ارزش دارایی‌ها و حق و حقوق [مردم عادی]، ادغام غارت‌گرانه مردم به حاشیه رانده شده را توسط سرمایه‌داری به دنبال دارد. این جمعیت کمابیش ۲ میلیاردی که با درآمد روزانه کمتر از ۲ دلار زندگی می‌کنند، حالا با [مشکل بازپرداخت] وام‌های کوچک تحت عنوان «درجه دوترین وام‌های درجه دو»^۱ درگیرند، و دارایی‌شان برای

۱ این وام‌ها معمولا به افرادی داده می‌شود که اعتبار

زراندود کردن کاخ‌های آن‌چنانی پولداران، از چنگ‌شان بیرون کشیده می‌شود. همان طور که در آمریکا این قضیه در بازار مسکن از طریق اعطای وام‌های ناعادلانه درجه دو و به دنبال آن اجرائیه اسناد رهنی یعنی سلب مالکیت اتفاق افتاد^۲. زمانی که راه‌حلهایی نظیر مبادله کربن یا تکنولوژی‌های جدید موسوم به سازگار با محیط‌زیست، صرفا پیشنهاد می‌کنند که برای خروج از بن‌بست [بحران‌های زیست‌محیطی] از همان ابزارهای انباشت سرمایه و دودوزه بازی‌های بازار مبادله‌ای -که خودشان باعث و بانی مشکلات امروزه هستند-، استفاده شود، مشاعات محیط زیستی نیز از تهدید در امان نیستند. متاسفانه این حکایتی قدیمی است: از سال ۱۹۴۵ به بعد، هر مداخله عمده‌ای برای حل معضل فقر جهانی، منحصرأ به استفاده از ابزارهایی تاکید داشتند که خود باعث و بانی فقر نسبی و فقر مطلق هستند: انباشت سرمایه و بازار مبادله. عجیب نیست که[با همه این مداخلات]، فقرا هنوز در میان ما هستند و تعدادشان به مرور زمان به جای کاهش، افزایش یافته است؟

برچیدن چارچوب‌ها و کنترل‌های تنظیم کننده که قرار بود -هرچند ناکافی و کم- میل شدید به اقدامات غارتگرانه را به منظور انباشت سرمایه مهار کنند، باعث رواج منطق لجام گسیخته انباشت سرمایه و دودوزه‌بازی مالی که پس از من هرچه بادا باد، شده، سیلی واقعی. تنها می‌توان با اجتماعی کردن تولید و

مالی و اجتماعی بالایی ندارند و سیستم بانکی آنان را از دریافت وام‌های درجه اول، محروم می‌کند.

۲ در چنین وام‌هایی، افراد تحت تأثیر نیاز، تبلیغات گسترده و دروغ‌های موسسات مالی و بانک‌ها، برای خرید خانه یا ماشین یا گسترش کسب و کار، وام دریافت می‌کنند، اما دلیل ناعادلانه بودن شرایط آن، پس از مدتی در بازپرداخت اقساط با مشکل مواجه می‌شود، در این حالت، موسسات وام دهنده با طرح دعوی توسط وکلای خود علیه این شهروندان که از پرداخت هزینه‌های مربوط به وکیل و دفاع مناسب در دادگاه از خود نیز محروم هستند، احکام تخلیه و مصادره دارایی‌های افراد نظیر خانه یا ماشین را دریافت و اجرایی می‌کنند.

توزیع مازاد و ایجاد جامعه‌ای مشترک‌المنافع و گشوده به روی همگان، سدی در برابر این سیل ساخت.

در اینجا دیگر ترکیب خاص ترتیبات سازمانی – نظیر ضمایم و الحاقیه‌های این‌طرف و آن‌طرف مقدمات مالکیت‌های جمعی و مشاعی مهم نیست- آنچه اهمیت دارد پرداختن به تاثیرات یک‌پارچه به تباهی کشانده شدن فرایندهای کار جمعی و منابع مشاعی ارضی (از جمله منابعی که در بطن طبیعت ثانوی^۱ محیط‌های انسان-ساخت^۲ قرار دارد) توسط سرمایه‌داری است. در این تلاش، ترکیب غنی ابزارها[و ابتکارات و خلاقیت‌ها]یی که استروم شروع به شناسایی‌شان می‌کند -نه فقط خصوصی یا عمومی، بلکه جمعی و اشتراکی، سلسله مراتبی یا افقی^۳ و اختصاصی^۴ یا همگانی- نقش به سزایی در یافتن روش‌هایی برای سازمان‌دهی به تولید، توزیع، مبادله و مصرف برای برآوردن نیازهای انسان دارد. موضوع در چنین رویکردی، [برخلاف رویکردهایی که راه حل‌شان بخشی از نظم انباشت و بازار مبادله است]، ادامه دادن راهی که شرایط لازم برای انباشت با هدف انباشت برای طبقه‌ای که ثروت جمعی را از طبقه تولیدکننده آن ثروت می‌گیرد و به خود اختصاص می‌دهد، نیست. موضوع، تغییر کامل این روند و یافتن راه‌هایی خلاق برای استفاده از قدرت کار جمعی برای دستیابی به خیر و صلاح جمعی است.

منبع:

David Harvey. 2011, The Future of the Commons, Radical History Review. 2011(109), pp.101-107

- Garrett Hardin, “The Tragedy of the Commons”, *Science* 162 (1986), 1243-8
- Elinor Ostron, *Governing the CommonsL The Evolution of Institutions for Collective Action* (Cambridge: Cambridge University Press, 1990).
- Ibid., 182.
- Jacques Ranciere, cited in Michael Hardt and Antonio Negri, *Commonwealth* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2009), 350.
- Michael Hardt and Antonio Negri, *Commonwealth*, 350.
- Henri Lefebvre, *The Urban Revolution* (Minneapolis: Minnesota University Press, 2005), 150.

۳	second nature	۵	منظور سازمان‌ها، تشکل‌ها، یا سازمان‌دهی‌های افقی (horizontal) است.
۴	the built environment	۶	منظور الگوهایی است که منحصرأ مربوط به گروه‌های دارای شرایط و وضعیت خاص

چرا نوآوری ذاتاً جمعی است؟

آزاده تاجدار
ترجمه سپیده شهبازی

تفکر مرسوم درباره «کارآفرینی» از نظریه‌های «شومپیتر» روشنفکر اتریشی در اوایل قرن بیستم به وجود آمده است که ایده‌های بسیار تاثیرگذاری را درباره کارآفرینی گسترش داد. شومپیتر فرد کارآفرین را دارای نیروی لازم برای پیشبرد پیشرفت اقتصادی دانست که در نبود آن اقتصاد ایستا و بی‌تحرك می‌شود و رو به زوال می‌رود.

او به روشنی کارآفرینی را به نوآوری و فرد گره زد و عنوان کرد که کارآفرین باید در مسائل مختلف (خدمات جدید، کیفیت، فرآیند، بازار، منبع تامین‌کننده، یا صنعت) مبتکر باشد و در تخریب خلاق شرکت کند. او اعتقاد داشت کارآفرینی موفق، واکنشی زنجیره‌ای در پی دارد و کارآفرینان دیگر را تشویق به تکرار و ترویج نوآوری بر اساس دیدگاه تخریب خلاق می‌کند. تخریب خلاق به موقعیتی گفته می‌شود که در آن فرصت و نوآوری تازه و همه فرصت‌های جدید مرتبط با آن، باعث منسوخ شدن محصولات، خدمات یا مدل‌های تجاری موجود می‌شوند.

شومپیتر کارآفرین را نماینده تغییر در اقتصاد بزرگ‌تر می‌دانست و بنابراین از فرد کارآفرین با اصطلاحات قهرمانانه یاد می‌کرد.

پژوهش‌های اخیر به وضوح نشان می‌دهند که تاکید بر فرد می‌تواند تمرکز بر چگونگی رسیدن به کارآفرینی و نوآوری واقعی را کمرنگ کند. اول از همه، این کار باعث بزرگنمایی فرد می‌شود. همچنین تمرکز را بر صفات شخصیتی مانند موفقیت، انگیزش، و مانند آن می‌گذارد. شواهد نشان می‌دهد موفقیت مهارت‌های آموختنی وابسته دیگران، بالا بردن سرمایه، تحولات چالش برانگیزی از آن که زمان استارت‌آپ تا وقتی شرکت به بلوغ نمی‌توانند بلندپروازی و می‌توانند میزان بلندپروازی برای موفقیت لازم است بتوانند تعریف شوند و آموزش داده شوند، این امکان وجود دارد که انواع دیگر کارآفرینی (مدنی، اجتماعی، فرهنگی) در آینده این چنین کمیاب نباشند و به جای یک کارآفرین در میلیون، ممکن است در هر صد یا هر پنج نفر یک کارآفرین وجود داشته باشد.

ایراد دوم تمرکز بر فرد، میل به نادیده گرفتن نقش سازمان‌ها، و منابعی است که سازمان‌ها می‌توانند برای تغییر و شکستن الگوها به صورت جمعی تهیه کنند. پژوهشگران مدتهاست دریافته‌اند، ایده‌های موفق نیاز به استعدادهای متفاوتی دارند که به ندرت تنها در یک نفر یا یک سازمان پیدا می‌شود.

در حقیقت، متقاعدکننده‌ترین پژوهش معاصر درباره کارآفرینی پیشنهاد می‌کند که تغییر و نوآوری موفق، به خصوص در کارآفرینی اجتماعی، ذاتاً جمعی است؛ به این معنا که فعالان مختلف به صورت پویا در یک فعالیت

تجارت عادلانه، کارآفرینی اجتماعی و ...



بحران قهوه؛ آیا راه‌حل تجارت عادلانه است؟

چرا نوآوری ذاتاً جمعی است؟

جمعی شرکت کرده و توانایی‌های یکدیگر را تکمیل می‌کنند. سنت‌شکنی ذاتا عملی دسته‌جمعی است، و نوآوری بامعنا، نیاز به توانایی‌های جمعی دارد.

مجموعه این توانایی‌ها (که ممکن است به صورت مشارکت بین بخش‌های مختلف یا به شکل یک اتحاد اجتماعی باشد) مشارکت داوطلبانه‌ای است بین تجارت، حرکت‌های اجتماعی و حتی بخش دولتی برای رفع مشکلات، و ابزاری است برای از بین بردن مشکلات پیچیده اجتماعی که انجام همه اینها برای یک سازمان به تنهایی دشوار است. این روش می‌تواند برای مشکلات غیر اقتصادی هم مانند مشکلات اقتصادی به کار رود، و تمرکز اصلی را بر رفاه و سلامت جامعه بگذارد.

در طول تاریخ بشر همیشه افراد شجاع و مصممی برخلاف تمام احتمالات به غیرممکن‌ها دست یافته‌اند و الهام‌بخش بسیاری دیگر بوده‌اند تا در همان مسیر گام بردارند. امروز در دنیا تعداد بی‌شماری انسان این‌چنینی در حال فعالیتند.

از زاویه دیگر این افراد دارای ایده‌هایی هستند، و تاثیرگذارترین و بامعناترین نوآوری‌ها در زمان ما در آموزش کودک یا تجارت عادلانه، از فعالیت‌ها و توانایی‌های جمعی برای رسیدن به تاثیری جمعی نشأت گرفته‌اند. این برای بسیاری شگفت‌آور است. با تامل بر این موضوع درمی‌یابیم که تغییر شیوه تفکر کارآفرینان نسبت به کارآفرینی و نوآوری بسیار مهم است. کارآفرینی یک کار تیمی و یک مهارت است. بزرگترین چالش‌های بشر نمی‌توانند با فعالیت‌های فردی حل شوند. یافتن راه‌حل برای بیکاری، تغییر آب و هوا، حقوق حیوانات یا حفظ تنوع زیستی و طبیعت، یا هر چالش بزرگ دیگری نمی‌توانند به راحتی به وسیله یک کارآفرین تنها و قهرمان حل شوند. ما نیاز داریم یاد بگیریم که چطور با هم کار کنیم و چطور در راستای پیشرفت، جو همکاری را به وجود بیاوریم. این یک تغییر افراطی نیست، این تغییری است در طرز تفکر درباره حل کردن مشکلات به وسیله فعالینی از همه بخش‌های مختلف اجتماعی، خصوصی و دولتی.

منبع:

.Waddock, 1991; Berger, Cunningham, & Drumwright, 2004; Osber/Martin 2007; Roger Spear, 2013; Paul Light, 2017

بحران قهوه؛ آیا راه حل تجارت عادلانه است؟ (بخش دوم)



فوزی چنگ ترجمه شمیم شرافت

بخش اول این مقاله را می‌توانید اینجا بخوانید: [شماره اول - فصلنامه دستادست](#)

گواهی‌نامه تجارت عادلانه قهوه

در غیبت مداخله دولت در این بخش، رویکردهای نوآورانه، بخصوص تجارت عادلانه قهوه برای احیای تولید قهوه پیشنهاد شدند. تجارت عادلانه قهوه به عنوان بخشی از جنبش تجاری گسترده‌تر اواخر دهه ۱۹۴۰ در زمان تاسیس سازمان تجارت غیرانتفاعی (ATO)^۲ آغاز به کار کرد. ATO در

مقایسه با سازمان‌های تجاری معمول، با تجارت مستقیم و قیمت مناسب‌تر به تولیدکنندگان صنایع دستی و کالاهای کشاورزی کشورهای در حال توسعه، سود بیشتری می‌رساند. تجارت عادلانه به خاطر پیشینه خود در ATO توانسته است طی دو دهه گذشته- بعد از اینکه در هلند ۱۹۸۸ به عنوان طرحی ابتکاری شروع به کار کرد- به سرعت گسترش یابد. عنوان تجارت عادلانه با وجود اینکه برخی روش‌های ATO را اتخاذ کرده است، به عنوان ابزار سیاست‌گذاری بازاری طراحی شده که همزمان امکان دستیابی به اهداف اجتماعی مربوط به سلامت، محیط زیست، عدالت اجتماعی و فقر را نیز میسر کرده است. عنوان تجارت عادلانه قهوه به طور خاص با هدف بهبود سطح معیشت و رفاه تولیدکنندگان قهوه با افزایش دسترسی آنها به بازار، تقویت سازمان‌هایشان، پرداخت مبلغی عادلانه و ایجاد روابط متداوم تجاری ایجاد شده است.

عنوان تجارت عادلانه در کانون جنبش تجارت عادلانه جای دارد. عنوان تجارت عادلانه در هلند از «مکس هولار» شخصیت خیالی هلندی مخالف استثمار قهوه‌چینان در مستعمرات هلند برگرفته شده بود. خیلی زود عناوین دیگری به کار گرفته شدند و از این نام در بلژیک، دانمارک، فرانسه، نروژ و سوئیس استفاده شد. کشورهای دیگر همچون کانادا، ایتالیا و آمریکا از عنوان مشترک مبادله عادلانه (ترنس‌فیر)^۳، در انگلیس «بنیاد تجارت عادلانه» و در سوئد «تجارت عادلانه»^۴ استفاده کردند. در سال ۱۹۹۷، ۱۷ طرح ملی تجارت عادلانه (که امروز ۲۰ کشور شده‌اند)

۱ تجارت عادلانه یکی از سه طرح «پایدار» قهوه است؛ دو مدل دیگر قهوه ارگانیک و سایه‌دار هستند. قهوه ارگانیک تحت دستورالعمل صدور گواهی‌نامه تولید می‌شود و در رشد آن از هیچگونه آفت کش و کود مضر مصنوعی استفاده نمی‌شود. قهوه Sha-degrown (سایه‌دار) در مناطقی که از سایبان درختی(سایه درختان) برای محافظت از دانه قهوه در بعضی از فصل‌های رشد استفاده می‌شود تولید می‌شود.

۲ Alternative Trade Organization-ATO
۳ TransFair
۴ Rättvisemarkt

این انجمن‌ها به عنوان ابزاری برای پیشرفت اجتماعی، اقتصادی اعضای آن سازماندهی شده باشند. الزامات FLO همچون دموکراتیک بودن تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری، نرخ افزوده اجتماعی عادلانه (۵۰٪ دلار برای هر پوند) حامی اقدامات جمعی تعاون‌های تولیدی است. بسیاری از تعاونی‌ها این پول را در امور زیرساختی قهوه، از جمله بهبود کیفیت، کنترل کیفیت، تغییرات ارگانیک، انبارها، وسایل تهیه، و همچنین در پروژه‌های اجتماعی، از جمله مدارس، بهداشت، و خدمات بهداشتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنها همچنین فرصت‌هایی برای استقلال اقتصادی و مشارکت جامعه برای زنان فراهم می‌کنند.

با وجود اینکه انگیزه آشکار تجارت عادلانه حمایت از خود کشاورزان و جوامع آنهاست، فلسفه درونی آن حفاظت از محیط زیست و کشاورزی پایدار است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد قهوه تجارت عادلانه ارگانیک است، برعکس قهوه‌های معمولی که از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌هایی همچون DDT استفاده می‌کنند که حتی ممکن است موجب آلودگی مجراهای آب محلی و آسیب به سلامت کشاورزان شود. قهوه‌های معمولی که در مزارع بزرگ تولید می‌شوند باعث فرسایش، جنگل‌زدایی و از دست دادن تنوع زیستی می‌شوند؛ اما کشاورزان تجارت عادلانه باید تابع شرایط خاص محیط زیستی و حافظ منابع طبیعی باشند.

طبّاخان و توزیع کنندگان

طبّاخان و توزیع‌کنندگان و نام تجاری آنها به شدت بر مشخصات محصول و تقاضای مصرف‌کننده در بازار تاثیرگذارند. طبّاخان و توزیع‌کنندگان می‌توانند در ترویج تجارت عادلانه تاثیرگذار باشند؛ به این صورت که گروه‌های تجارت عادلانه تصمیم گرفتند با استخدام طبّاخان، توزیع‌کنندگان و استفاده از عناوین تجارت عادلانه در محصولات بنام خود، از طریق کانال‌های خرده‌فروشی معمولی، فروش قهوه خود را افزایش دهند. مطابق با گزارش معامله عادلانه

آمریکا، طبّاخان و توزیع‌کنندگان، لینک‌های اصلی زنجیره ارزش تجارت عادلانه هستند، چرا که آنها می‌توانند انواع قهوه سبز فروخته شده را تعیین کرده و بیشترین سود را در زنجیره ارزش برای

Fair USA، ۲۰۰۶) هستند. مهمترین تأثیر تجارت عادلانه بر زندگی کشاورزان خرده‌پایی است که در سال‌های اخیر توانسته‌اند قهوه خود را با قیمت‌هایی بسیار بالاتر از بازارهای متعارف بفروشند. محاسبه اختلاف بین شاخص قیمت میانگین ICO و قیمت تجارت عادلانه، نشان می‌دهد که تولیدکنندگان با فروش قهوه از راه تجارت عادلانه تنها در سال ۲۰۰۳، مبلغ ۲۲ میلیون دلار اضافه درآمد داشته‌اند (FLO، ۲۰۰۶). یک تعاونی در اتیوپی گزارش داد که ۷۰ درصد قیمت قهوه فروخته شده از طریق صادرات به کشاورزان او می‌رسد، در مقایسه با تنها ۳۰ درصد از قیمت در صورت فروش در بازار آزاد. در اوآخاکای مکزیک کشاورزان تخمین می‌زنند که درآمد فروش از طریق کانال‌های تجارت عادلانه نسبت به روش سنتی دو برابر شده است. برای بسیاری از پرورش‌دهندگان خرده‌پای قهوه تفاوت نرخ افزوده آنها می‌تواند به معنای تفاوت بین بقا و ورشکستگی باشد. قیمت‌های بالا شرایط زندگی آنها را بهبود داده و اکنون آنها می‌توانند نیازهای اولیه خود را تامین کنند.



اما منافع غیرمستقیم تعاونی‌های کشاورزی از این هم مهمتر هستند. عضویت در سازمان‌های تجارت عادلانه مستلزم این است که تولیدکنندگان همگی در تسهیل ظرفیت صادرات کشاورزان خرده‌پا و تقویت

دیگر مانند موز، چای، شکلات، عسل و شکر) شده است. تجارت عادلانه قهوه این گونه نگرانی‌های اخلاقی را مد نظر قرار داده و به مصرف‌کنندگان این اطمینان را می‌دهد که خرید محصول معامله بهتری برای تولیدکنندگان جنوبی است. به این ترتیب، مصرف قهوه تجارت عادلانه فرصت مهمی را برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌کند تا خودشان را اعضای آگاه جامعه بدانند. مصرف‌کنندگان با ایجاد یک قرارداد شهروندی و بومی با شبکه‌های تجارت عادلانه، از طریق خرید و مصرف خود می‌توانند هنجارهای قدیمی کسب و کار و اقداماتی که تاکنون بدنه اصلی تجارت را شکل داده‌اند به چالش بکشند. علاوه بر این، افزایش تجارت مصرف‌کنندگان در تجارت عادلانه امکان شکل‌دهی قدرت معامله جمعی را فراهم می‌کند که هم می‌تواند سازمان‌ها را تحت فشار قرار دهد تا عضو تجارت عادلانه قهوه شوند و هم می‌تواند موجب تغییراتی در روابط شمال و جنوب به طور کلی شود.

با یکدیگر یک سازمان مادرا با عنوان سازمان‌های تجارت عادلانه بین‌المللی^۲ را تشکیل دادند. هر کشوری از آرم قهوه تجارت عادلانه خود استفاده می‌کند و البته تلاش برای استفاده از یک آرم مشترک بین اعضا در دست انجام است.

با توجه به طرح تجارت عادلانه، برای استفاده از آرم توسط کسانی که قهوه بو می‌دهند، آنها باید قهوه را از صادرکنندگان بهره‌مند از گواهی‌نامه تجارت عادلانه که در درجه اول سازمان‌های پرورش قهوه تحت نظر FLO هستند، خریداری کنند. در درجه دوم حداقل قیمت FLO را که بر اساس نوع قهوه و منشأ آن تعیین می‌شود (برای قهوه ارگانیک ۱۵، دلار به ازای هر پوند) را، به همراه نرخ افزوده ۵، دلار برای هر پوند پرداخت کنند (جدول ۱). سوم اینکه ۶۰ درصد از ارزش قرارداد را باید به عنوان پیش‌پرداخت بپردازند. تولیدکنندگان هم:

۱. باید سازمان‌های کوچک و خانوادگی باشند؛

۲. تحت سازماندهی تعاونی‌های مستقل و دموکراتیک باشند؛

۳. حامی محیط زیست و منابع طبیعی باشند، تا بتوانند عضو انجمن تولیدکنندگان تجارت عادلانه قهوه FLO شوند.

ذینفعان

مصرف‌کنندگان:

مصرف‌کنندگان و تعهد اجتماعی آنها پشتوانه‌های اصلی تجارت عادلانه قهوه‌اند. نگرانی‌های تشدید یافته مصرف‌کنندگان شمالی (مصرف‌کنندگان در کشورهای توسعه یافته) پیرامون اخلاق جهانی و افزایش «مصرف اخلاقی» که به طور فزاینده‌ای رویکرد انتخاب محصولات را شکل می‌دهند، موجب حمایت بیشتر از جنبش تجارت عادلانه و نفوذ آن به بازار شمالی (برای قهوه و سایر کالاهای

۵ Umbrella Organization: انجمنی از مؤسسات شاغل در یک حوزه خاص صنعتی و اغلب مرتبط با یکدیگر است که برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها یا منابع مورد استفاده اعضا تشکیل می‌شود. این اصطلاح در زبان فارسی به «سازمان مادر» یا «سازمان اصلی» ترجمه شده است.

۶ Fairtrade Labelling Organizations-FLO

۷ زمانی که قیمت جهانی قهوه از حداقل قیمت ضمانت شده افزایش یابد، وارد کنندگان باید ۰،۵ دلار به ازای هر پوند بالاتر از قیمت جهانی بازار پرداخت کنند.

کشاورزان، تعاونی‌ها و جوامع روستایی

در حال حاضر، ۲۲۱ تعاونی تولیدکننده قهوه، نماینده ۸۰۰ هزار تن از تولیدکنندگان کوچک در ۲۴ کشور عمده صادرکننده قهوه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین (-Trans

فروش در کانال تجارت عادلانه محدود شود، که همین الان هم اتفاق افتاده است. هم اکنون تمام تولیدکنندگان فقیر و آنهایی که تنها می‌توانند بخش مشخصی از کل تولید خود را بفروشند، نمی‌توانند به بازار تجارت عادلانه وارد شوند. ترنسفر آمریکا گزارش می‌دهد که کشاورزان به طور متوسط تنها ۱۵ درصد از تولید ماهانه خود را به خریداران تجارت عادلانه می‌فروشند. سقوط یا محدود شدن کمک جانبی به تنهایی نمی‌تواند از تولیدکنندگان در بازار تجارت عادلانه حمایت کرده و جوابگوی مشکلات نظام‌مند میلیون‌ها کشاورز باشد. مشکل هجوم همه به یک بازار ظاهراً سودآور (که آن را استدلال اشتباه^۲) می‌نامند، دهه‌ها پدیده‌ای معمول در تولید کالا بوده است...

با توجه به محاسبات زرن به نظر می‌رسد که بخش قابل توجهی از قیمت در تجارت عادلانه به تولیدکنندگان می‌رسد. اما یک سوال مهم همچنان پابرجا است و آن اینکه آیا طرح تجارت عادلانه نسبت به برنامه انتقال مستقیم روش مطلوب‌تری برای انتقال درآمد است یا خیر؟

مقدار قابل توجهی از ارزش افزوده باقی مانده در تجارت عادلانه همچنان یا به سود شرکت‌ها تبدیل می‌شود و یا صرف هزینه‌های اداری سازمان‌های تجارت عادلانه می‌شود^۱. مشخصاً یک خریدار متعهد با نوشتن یک چک ۱٫۵ دلاری بجای خرید یک پوند قهوه تجارت عادلانه، موجب افزایش درآمد کشاورزان می‌شود. اما این که خریداران از لحاظ روانی حاضر به پرداخت این پول باشند، خیلی مشخص نیست.

آیا تجارت عادلانه یک راه‌حل مناسب در دراز مدت است؟

از دیدگاه اقتصادی، قیمت‌های بالای محصولات تجارت عادلانه، به عنوان «قیمت کف» برای کشاورزان پیشرو که در غیر این صورت به دنبال جایگزینی برای تولید قهوه خواهند بود، به کار می‌آید. اگر امکان دسترسی به مزایای تجارت عادلانه در بلندمدت تضمین شود، مشکلی پیش نخواهد آمد. اما این فرض برای اکثر تولیدکنندگان اشتباه است، زیرا تجارت عادلانه هنوز هم یک بازارچه است، نه بازار اصلی. با وجود رشد سهم بازار تجارت عادلانه قهوه در سال‌های اخیر، این تجارت هنوز هم بسیار کوچک است (به طور متوسط کمتر از ۵ درصد). با توجه به این که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که درصد مصرف‌کنندگانی که مایل به پرداخت بیشتر برای محصولات اخلاقی هستند نسبتاً بالاست، این سهم نشان‌دهنده شکاف بین نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به محصولات اخلاقی و رفتار واقعی آنها در بازار است (پلزماکر و دیگران، ۲۰۰۳). در بازار قهوه نیز مانند اکثر بازارهای دیگر، بیشتر مصرف‌کنندگان با توجه به ویژگی‌های محصول مانند قیمت، کیفیت، راحتی و آشنایی با نام تجاری، به جای اصول اخلاقی تصمیم‌گیری می‌کنند.

این به این معناست که با حفظ این روند عرضه قهوه تجارت عادلانه از تقاضای آن فراتر خواهد رفت. یک نتیجه ممکن این است که کمک جانبی تجارت عادلانه سقوط خواهد کرد: اگر تولیدکنندگان بسیاری بخواهند وارد این بخش بازار شوند انگار یک بازارچه بخواهد برای قیمت‌های بالا فرمان دهد. امکان دیگر این است که کمک جانبی در یک مرحله ثابت بماند و فرصت

۱) به عنوان مثال، TransFair USA، یک سازمان با ۴۰ کارمند، برای حقوق، سفر، کنفرانس‌ها و نشریات خود در سال ۲۰۰۶، ۱٫۷ میلیون دلار هزینه کرد (TransFair USA 2006).

لوگوی تجارت عادلانه در بسته‌بندی‌های مخصوص قهوه در صورت خرید از گروه‌های تعاونی FLO از استانداردها و رویه‌های آن حمایت کنند. برخلاف سایر رویه‌های صدور گواهی‌نامه مانند برچسب‌های غذاهای ارگانیک یا محصولات پایدار جنگلی که مشخصاً بر شرایط تولید متمرکز هستند، معیار صدور گواهی‌نامه تجارت عادلانه هم شرایط تجارت و هم شرایط تولید را مدنظر قرار می‌دهد. FLO دائماً تولیدکنندگان و گروه‌های تعاونی آنها را تحت نظر دارد و فهرست تولیدکنندگان را ثبت می‌کند. در عین حال سازمان‌های ملی ثبت برند، مجوز صادره، نحوه نظارت و دستمزد طبّاخان، واردکنندگان و توزیع‌کنندگان را تحت نظر دارند.

مسائل مربوط به سیاستگذاری‌ها

کشاورزان از تجارت عادلانه چقدر سود می‌برند؟

پرسش متداول درباره تجارت عادلانه قهوه این است که چقدر از فروش محصولات به کشاورزان می‌رسد. با وجود اینکه بسیاری از مصرف‌کنندگان بر این باورند که کشاورزان بخاطر قیمت‌های بالای فروش در این نوع تجارت، سود بیشتری می‌کنند، مطالعه مندوزا در سال ۲۰۰۰ ثابت کرد که اینطور نیست. مندوزا در سال ۱۹۹۶ قیمت و زنجیره تقاضای کشاورزانی که در نیکاراگوئه مستقیم تولید می‌کردند و در انگلیس به فروش می‌رساندند را بررسی کرد. نتایج او نشان می‌دهد که کشاورزان فقط یک دلار آمریکا را به ازای هر پوند یا ۲ درصد از ارزش افزوده خرده‌فروشی ۴٫۲۳ دلار دریافت کردند. سیستم توزیع بریتانیا بزرگترین کسری از ارزش افزوده خرده‌فروشی را جذب کرد - ۱٫۵۴ دلار آمریکا یا ۳۶ درصد. البته مطالعه مندوزا چون در سال ۱۹۹۶ انجام شده ممکن است سود فعلی کشاورزان از تجارت عادلانه را در نظر نگیرد، چراکه قیمت جهانی قهوه آن زمان به قیمت تضمین شده تجارت عادلانه نزدیک‌تر بود و بازارهای حاشیه‌ای نیز گسترده‌تر بودند.

زرن (۲۰۰۲) نیز توزیع ارزش افزوده یا کمک جانبی تجارت عادلانه برای فروش هر پوند قهوه «عربیکای» خرد شده در ایالات متحده را ارزیابی می‌کند (شکل ۴). زرن نشان می‌دهد که حدود ۴۳ درصد (۶۵ سنت از ۱۵۰ سنت) کمک جانبی خرده‌فروشی به قهوه‌سازان منتقل می‌شود. بقیه پول صرف مجوز تجارت عادلانه، توزیع، بودجه تولید، مالیات و هزینه‌های دیگر کشور تولیدی می‌شود. از آنجا که هزینه تجارت عادلانه کشاورزان ثابت است (۱٫۲۶ دلار آمریکا)، هزینه‌ها و حاشیه سود در طول زنجیره تامین با توجه به نرخ افزوده خرده‌فروشی (یعنی کمتر یا بیشتر از ۱٫۵۰ دلار آمریکا) و درصد کمک جانبی دریافتی تولیدکنندگان تغییر می‌کند.

جذب هزینه‌های مربوط به تجارت عادلانه (ترنسفر ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۶) فراهم کنند.

تجارت عادلانه قهوه با افزایش درخواست مصرف‌کنندگان برای کالاهای برانگیزاننده مسئولیت اجتماعی، برای طبّاخان و توزیع‌کنندگان سودآور است. تحقیقات نشان داده‌اند که ۸۱ درصد آمریکایی‌ها حاضرند در صورت برابری قیمت و کیفیت، مارک کالای خود را در حمایت از جنبش یا هدف خاصی تغییر دهند و ۶۳ درصد از مصرف‌کنندگان با توجه به تاثیر خریدشان در جهان، تصمیم به خریداری محصولات می‌گیرند (ترنسفر آمریکا، ۲۰۰۶). برخی از خرده‌فروشان، با توجه به این روند بازار، شرکت‌هایی برای تشویق تعهد مصرف‌کنندگان به مسئولیت اجتماعی گسترده‌تر در کنار کسب سود، تاسیس کرده‌اند. حتی سود برخی شرکت‌ها به بازاریابی مسئولیت اجتماعی و مصرف اخلاقی متکی است. طبّاخان و توزیع‌کنندگان به صورت کلی دستورالعمل مشخصی از مسئولیت اجتماعی تهیه کرده‌اند که مطابق با آن می‌توان با ارائه تبلیغ مثبتی از محصول به مصرف‌کنندگان مزایایی بدست آورد.

البته ورود طبّاخان و توزیع‌کنندگان به شبکه تجارت عادلانه پروسه‌ای ناهموار بوده است. هنگامی که عنوان‌بندی تازه آغاز به کار کرده بود، خرده‌فروشان و طبّاخان متعهد قهوه که مدت‌ها مستقیماً از تولیدکنندگان خریداری می‌کردند، به راحتی وارد شبکه تجارت عادلانه شدند و به توسعه و حفظ آن کمک کردند. اما طبّاخان اصلی به علت نگرانی‌های صنعتی متعارف نسبت به کیفیت برند، استانداردهای و بهره‌وری، بسیار کندتر عمل کرده و تمایلی به مشارکت ندارند.

سازمان‌های تجارت عادلانه

سازمان‌های دارای علامت تجاری تجارت عادلانه همچون FLO و اعضای آن مستقیماً در تولید و تجارت قهوه مشارکت ندارند. در عوض، آنها با همکاری با تعاونی‌های قهوه‌ساز، واردکنندگان، طبّاخان/ عمده‌فروشان و خرده‌فروشان، به گسترش بازار تجارت منصفانه کمک می‌کنند. طبّاخان قهوه و توزیع‌کنندگان نیز می‌توانند با خرید مجوز

۲ the fallacy of composition: زمانی از استدلال اشتباه سخن می‌گوییم که تنها بخشی از یک جمله صحیح است، نه کل آن. برای مثال صرفه‌جویی کار درستی است، اما وقتی همه صرفه‌جویی کنند برای اقتصاد ضرر دارد چراکه با کاهش تقاضا بازار دچار رکود می‌شود. (گرچه خود این مثال محل مناقشه است)

کار کردید؟ چه چیزهایی در روستا تولید می‌کنید؟
 آمد جرقه ای زد توی ذهنم که می‌توانم آن خاطرات را دوباره زنده کنم.

دستادست: شما شروع به کار کردید بعد طرح تالاب‌ها به روستای شما آمد؟

کبری: تقریباً کار می‌کردیم. تکی کار می‌کردیم. گروهی نبود. گروهی وقتی شروع شد که خانم نسترن موسوی به روستا آمد و راجع به صنایع دستی و چیزهایی که می‌شود در خانه تولید کرد با ما صحبت کرد. من همان جا به ذهنم رسید که چرا خانم‌های روستایی با مشکل مواجه هستند و نمی‌توانند جاهایی که دلشان می‌خواهد بروند. نمی‌توانند به راحتی جاهایی که دلشان می‌خواهد بروند و آموزش‌هایی که دلشان می‌خواهد را یاد بگیرند. آرزوی من این بود که زنان روستا هم مثل مردان هر جا که می‌خواهند بروند، و آموزش‌هایی که می‌خواهند را یاد بگیرند، بدون تبعیض. همیشه این دغدغه ذهن من بود. خانم موسوی و نصرالهی این جرقه فکری را برای من بیدار کردند. آن زمان عالم روستا مخالف این کارها بود، می‌گفت چرا زنان برای تحقیق و کار به روستا می‌آیند، چرا بدون چادر وارد مسجد می‌شوند. من هم از این کارش بدم آمد. شب نشستم نامه نوشتم. نامه‌ای برای خانم موسوی نوشتم. نوشتم من خوشحالم کسانی پیدا شده‌اند که می‌خواهند این کارها را انجام دهند. نیازهای زنان روستا را هم در نامه قید کردم. آنها هم کلی استقبال کردند. در ادامه خانم امجدیان آمدند. آموزش‌هایی

زهرا: از سال ۹۰ آموزش شروع شد، یک سال گذشته بود که فعالیت‌مان را شروع کردیم. اولین کار ما تکه‌دوزی و عروسک بود. با چندتا از خانم‌ها عروسک‌های سنتی قدیمی درست کردیم و

عروسک‌هایی برای دریاچه

مصاحبه از لیلا زمانی

فرستادیم تهران. نتیجه خوب بود، کارمان را خیلی پسند کردند. از آن به بعد، همه فعالیت کردند. عروسک‌ها را دوست داشتند، خودمان هم دوست‌شان داشتیم، چون که دوران کودکی ما را تداعی می‌کرد.

دستادست: چه شد به این فکر افتادید که عروسک درست کنید؟

زهرا: خانم اصغری (کبری) خودش پیشنهاد داد و اولین عروسک را هم ایشان درست کرد. از آن به بعد، همه ما درست کردیم.

کبری: با عروسک خاطرات زیادی داشتیم، مادرها و مادر بزرگ‌هایمان برای ما درست می‌کردند. با پارچه‌هایی که از خیاطی اضافه می‌آمد و چوب‌هایی که به راحتی همه جا پیدا می‌شد، عروسک درست می‌کردند. برایشان خانه درست می‌کردیم. خاله بازی می‌کردیم. یکی دختر می‌شد یکی خاله می‌شد. آن خاطرات همیشه در ذهن من بود. بعد که خانم امجدیان

مصاحبه این شماره فصلنامه دستادست به زنان روستای قره قوزلو اختصاص دارد. این روستا یکی از روستاهای حاشیه دریاچه ارومیه و از روستاهای فعال در پروژه طرح تالاب‌هاست.

دستادست: سلام، برای شروع خوب است که توضیحی درباره فصلنامه دستادست بدهم این نشریه به موضوعات و مسائل اجتماعی‌ای مثل کارآفرینی اجتماعی و... اختصاص دارد و در هر شماره ما یکی از گروه‌هایی که با دستادست همکاری می‌کنند را در مصاحبه‌ای به مخاطبان‌مان معرفی می‌کنیم. به عنوان اولین سوال روستائیان را به ما معرفی کنید.

کبری: شهرستان میاندوآب، روستای قره قوزلو کنار رودخانه زرینه‌رود، روستایی با جمعیت ۷۰۰ خانوار، با حضور زنان جوان باسواد و فعال.

دستادست: از کی شروع به

زنانی که کار می‌کنند

عروسک‌هایی برای دریاچه



کبری: برای یک تحقیق دانشگاهی، درباره تالاب و سنت‌های مردم اطراف تالاب.

دستادست: ارتباط کارهای گروه شما با طرح تالاب‌ها چیست؟ همکاری خاصی دارید؟

کبری: بله همکاری می‌کنیم. ایده‌هایی که در ذهن‌شان است و کمک‌کننده به محیط زیست است را به ما می‌گویند، ما آموزش می‌بینیم. بعد شروع به کار می‌کنیم.

دستادست: شما برای حفاظت از دریاچه ارومیه چه کارهایی کرده‌اید؟

سمیه: آب زیادی برای تولید محصولات کشاورزی مصرف می‌شود. ما می‌خواستیم با ساختن این کارهای دستی کاری بکنیم که آب کمتری مصرف شود تا به دریاچه ارومیه هم آبی برسد.

کبری: در زمین‌های کشاورزی‌مان قبلاً هندوانه و خیار کاشته می‌شد که نیاز به آبیاری شدید دارند. حالا فرهنگ‌سازی شده که کاشت‌شان کمتر شود و محصولاتی که آب کمتری برای کشت نیاز دارند ترویج داده می‌شود. در ضمن تلاش کردیم یک شغل دیگری هم داشته باشیم که زندگی ما متکی به کشاورزی و دامداری نباشد.

دستادست: آن شغل دوم چیست؟

کبری: تولیدات صنایع دستی که برای حفاظت از دریاچه ارومیه تولید می‌کنیم.

سمیه: آب زیادی برای تولید محصولات کشاورزی مصرف می‌شود. ما می‌خواستیم با ساختن این کارهای دستی کاری بکنیم که آب کمتری مصرف شود تا به دریاچه ارومیه هم آبی برسد.

کبری: علاوه بر آن دیدمان نسبت به حیواناتی که در تالاب زندگی می‌کنند و به دلیل شکار بی رویه در حال انقراض هستند عوض شد. به طور کلی نسبت به محیط اطراف‌مان و طریقه



عروسک‌ها آموزش داده می‌شد.

دستادست: پس این جوری بوده که شما از قدیم در روستایتان عروسک‌دوزی می‌کردید بعد خانم موسوی و گروه‌شان آمدند و در مورد صنایع دستی حرف زدند و شما شروع به بیشتر کار کردن کردید.

سمیه، زهرا و کبری: گروهی کار کردیم. هرکس قبلاً در خانه خودش عروسک می‌دوخت، اما بعد از آمدن خانم موسوی و گروه‌شان ما شروع به کارگروهی کردیم.

دستادست: خانم موسوی و بقیه چرا آمدند پیش شما؟



عروسک‌ها را هم می‌گذاشتند دور کرسی.

یک چیز دیگر اینکه این عروسک‌ها تداعی کننده زندگی واقعی زنان روستا و مادرزگ‌های ماست. مثلاً این عروسک با اینکه جای خودش اسباب‌بازی است، ولی با ساختن یک جوری بازآموزی زندگی زنان روستا هم بوده. اینکه چه جوری لباس می‌پوشند، چه کار می‌کنند. چیزهایی از گل و پارچه درست می‌کردیم که با آنها خاله‌بازی می‌کردیم. اگر نیاز به قابلمه داشتیم درست می‌کردیم، اینها را از بیرون نمی‌خریدیم. بعد مادرهایمان این وسایل گلی را می‌گذاشتند در تنور پخته شود. طریقه آشپزی، پوشش و نگهداری بچه‌ها به کمک همین

دیدیم، زنان روستاها ایده‌هایشان را گفتند و عملی کردند و یک نمایشگاه گذاشتیم.

دستادست: پس این عروسک‌ها درست کردنش از قدیم در روستای شما باب بوده؟

سمیه، زهرا و کبری: بله مادرها و مادرزگ‌ها از قدیم درست می‌کردند. آنها درست می‌کردند، بعدش به ما یاد دادند و ما از آنها توضیحات و کار را یاد گرفتیم و حالا ما درست می‌کنیم.

زهرا: من بچه هم بودم عروسک زیاد درست می‌کردم. اینها را که درست می‌کنم یک آرامش خاصی دارم. این کار را دوست دارم و خسته نمی‌شوم. کلا کار هنری دوست دارم، اما این عروسک‌ها یک چیز دیگری هستند.

دستادست: مادرزگ‌هایتان از این عروسک‌ها چه خاطره‌هایی و چه چیزهایی به شما می‌گفتند که برای شما جالب بود؟

سمیه: خیلی خاطره‌ها می‌گفتند درباره این عروسک‌ها. داستان می‌گفتند، بعد عروسک‌ها را درست می‌کردند و به ما می‌دادند و ما با اینها بازی می‌کردیم. خیلی هم دوست‌شان داشتیم.

دستادست: برایتان داستان می‌گفتند؟

سمیه، زهرا و کبری: یک پارچه قرمز می‌انداختند، یک عروسک را هم می‌گذاشتند وسط و می‌گفتند که این عروس است. یک عروسک دیگر هم درست می‌کردند می‌گفتند این داماد است. بعد برای آنها عروسی می‌گرفتند. یا مثلاً شب یلدا کرسی درست می‌کردند. یک کرسی چوبی درست می‌کردند، لحاف و تشک درست می‌کردند، هندوانه درست می‌کردند،

یک چیز دیگر اینکه این عروسک‌ها تداعی کننده زندگی واقعی زنان روستا و مادرزگ‌های ماست. مثلاً این عروسک با اینکه جای خودش اسباب‌بازی است، ولی با ساختن یک جوری بازآموزی زندگی زنان روستا هم بوده.



زندگی‌مان دید بازتری پیدا کردیم.

دستادست: حالا با کارهایی که کردید چه تغییری در بخش کشاورزی روستا اتفاق افتاده؟

کبری: گوجه کاری کم شده، هندوانه و خربزه که محصولات پرآبی هستند دیگه اصلا نمی‌کارند.

دستادست: الان چه چیزهایی کشت می‌شود؟

سمیه: محصولاتی که آب کمتر نیاز دارد.

دستادست: زنان در روستای شما چه کارهایی می‌کنند؟

سمیه، زهرا و کبری: الان خیلی کارها می‌کنند: خیاطی، پشم‌بافی، نمددوزی، دامداری، کشاورزی، عروسک‌سازی، گلدوزی.

دستادست: قبلا هم این طوری بود؟ در دوره مادر بزرگ‌ها؟

سمیه، زهرا و کبری: دوره مادر بزرگ‌ها صنایع دستی خیلی بیشتر بود. ولی بعدش دوره‌ای بود که کسی صنایع دستی نمی‌ساخت. قبل از اینکه ما شروع بکنیم، صنایع دستی کلا از بین رفته بود.

زهرا: ما خواستیم کارهایی که درباره صنایع دستی قبلا می‌کردند را دوباره شروع کنیم و بیکار نشینیم در روستا. کار ما فقط کار خانه نباشد. یک کاری کنیم که هم درآمد داشته باشد و هم کمکی برای دریاچه ارومیه باشد تا خشک نشود.

دستادست: الان که شما کار می‌کنید نظر بقیه اعضای خانواده درباره کارکردن شما چیست؟

زهرا: خیلی خوب شده، خوب شده برای زنان روستا. قبلا راضی نبودند، الان اوضاع خوب است و راحت هستند. اوایل این طوری نبودند.

دستادست: اوایل چه طور بود؟

سمیه: اوایل اصلا نمی‌گذاشتند، می‌گفتند چه می‌کنید؟ نمی‌توانید کاری کنید. اینجا دور از شهر است. فرهنگش فرق می‌کند. هی می‌گفتند این جا نرو، آن جا نرو، تنهایی بیرون نروید. الان اصلا این حرف‌ها نیست خیلی هم راضی هستند. مثلا الان آمدیم اینجا سه روز برای کارگاه بمانیم. قبلا تنهایی خیلی کم شب بیرون از خانه مانده بودم که آن هم خانه آشنا بود. اگر فامیل نبود آن جا نمی‌رفتیم.

دستادست: چه شد که نظرشان تغییر کرد؟

سمیه، زهرا و کبری: خب عادت کردند، دیدند که برای خودمان خوب است روحیاتمان فرق کرده است.

کبری: موفقیت زنان روستا بین‌شان بیشتر تاثیر گذاشت.

دستادست: مثل چی؟

سمیه، زهرا و کبری: مثلا کلاس‌های آموزشی که قبلا می‌رفتیم به شهر، باید کلی هزینه می‌کردیم، هزینه وقتی و مالی. اما الان به کمک طرح تالاب‌ها، جهاد کشاورزی میان‌دوآب و صندوق کارآفرینی، ما می‌توانیم کلاس‌هایی را رایگان بیاوریم در روستا دایر کنیم تا زنانی که علاقمند بودند در کلاس‌ها شرکت کنند.

دستادست: قبل از آمدن طرح تالاب‌ها خودتان به کلاس‌های هنری می‌رفتید؟

سمیه، زهرا و کبری: نه، تک و توک . امکانش نبود. هزینه‌اش زیاد بود و باید می‌رفتیم بیرون روستا. اما الان تقریبا همه زنان روستا یک کار هنری بلد هستند و یادگرفته‌اند.

دستادست: اولین باری

که چیزی فروختید چه حس و حالی داشتید؟

سمیه، زهرا و کبری: هر کاری که تمام می‌کنیم کلی ذوق می‌کنیم.

زهرا: اولین بار دو تا عروسک، نه سه تا فروختم. خیلی برای من جالب بود، با خودم فکر می‌کردم این عروسک‌های چوبی را من ساختم. این عروسک‌ها به فروش رفته و پول‌هایش را خانم اصغری به من

داده. ۴۵ تومان بود. هر عروسک ۱۵ تومان. خیلی خوشحال بودم. همه‌اش می‌گفتم که من این عروسک‌ها را درست کردم تا بفروشم.

دستادست: خاطره‌ای یا اتفاقی که خیلی دوستش دارید را برای ما تعریف می‌کنید؟

زهرا: خاطره که زیاد است. اولین بار که همه عروسک درست کرده بودیم برای من جالب بود که عروسک هر کسی شبیه خودش بود. عروسک خانم اصغری قد بلند بود، مال من قدش متوسط بود، عروسک سمیه هم قدش بلند بود. دو تا خانم دیگر هم در گروه داشتیم که قد‌هایشان کوتاه بود و عروسک‌های آنها فسقلی بودند. من بهترین خاطره‌ام روزهای اولی بود که در کارگاه داشتیم. اصلا یادم نمی‌روند. الان هم خانم اخروی‌خواه می‌گویند من به عروسک هر کسی نگاه می‌کنم می‌دانم که چه کسی این عروسک را درست کرده است.

دستادست: در روستایتان چه چیزهایی تولید می‌کنید؟

زهرا: قالی‌بافی، خانم‌هایی که بلد هستند قالی می‌بافند. آنهایی که دوست ندارند انجام نمی‌دهند. کیسه پارچه‌ای می‌دوزیم. شال گلدوزی با نشان دریاچه ارومیه می‌دوزیم. طراحی روی پارچه هم داریم. عروسک دوزی هم می‌کنیم.

دستادست: همه اینها تولید می‌شود و بعد به فروش می‌رسد؟

سمیه، زهرا و کبری: هر کدام از اینها فروش نرفت می‌رویم به دنبال آن یکی. لبنیات هم داریم.

دستادست: با دستادست کی آشنا شدید؟

سمیه، زهرا و کبری: حدود دو سه سال پیش، از طریق خانم امجدیان و خانم اخروی‌خواه. یک مشکلی که

داشتیم این بود که نمی‌توانستیم محصولاتمان را به راحتی به بازار بفروشیم. الان هم این مشکل را داریم ولی کمکی که دستادست به ما کرد این بود که توانستیم عروسک‌ها را بفروشیم. پولش را به ما می‌دادند و توانستیم عروسک‌ها را با این روش بفروشیم.

دستادست: قبل از اینها ماجرای خرید چرخ خیاطی‌ها نبود؟

کبری: بله، قبل از همه اینها سه تا چرخ خیاطی صنعتی خریده شد که خیلی به ما کمک کردند. دوخت کارهایمان سریع‌تر و تمیزتر شد. قبل از آن ما با چرخ‌های دستی کار می‌کردیم. پول خرید این چرخ‌ها را انگار شما جمع کرده بودید. [دستادست با همکاری انجمن دامون طی کمپینی پول لازم برای خرید چرخ خیاطی‌های مورد نیاز روستای قره قوزلو و چپقلو را جمع‌آوری و ارسال کرده بود].

دستادست: در این مدت دستادست به غیر از فروش محصولات به شما کمک دیگری هم کرد؟

سمیه، زهرا و کبری: بله، گاهی آموزش‌های اینترنتی می‌گذارند. ما را با کتاب و کتابخوانی و خیرین کتابخوانی مرتبط کردند. ایده‌هایی که پرفروش‌تر است و نکاتی که چه کار کنیم عروسک‌ها به فروش برسد را گوشزد

می‌کنند و یکی هم همین کلاس‌هایی که کارکردن با اینترنت و گوگل را آموزش می‌دهد که استفاده کردیم.

زهرا: من وقتی با فائزه خانم آشنا شدم در تلگرام بودم، اما خیلی چیزها را نمی‌دانستم. به کمک فایلی که فائزه خانم ارسال کردند یادگرفتم. یکی دو بار هم از طریق دستادست پارچه فرستادند ما سرویس آشپزخانه دوختیم که خوب فروش رفت. عروسک‌هایمان که دو سه ماه پیش فرستاده بودیم هم اکثرا به فروش رفته است.

کبری: ولی فروش ما در دستادست همیشه تکی هست.

دستادست: منظور شما از فروش تکی چیست؟

کبری: فروش به صورت عمده نیست. اگر دستادست بتواند با شرکت‌هایی که عمده خرید می‌کنند قرارداد ببندد و عروسک‌ها را کلی بفروشد، ما می‌توانیم که زنان بیشتری را به گروه وارد کنیم و درآمد بیشتری داشته باشیم.

دستادست: انتظار و خواسته‌ای که از دستادست دارید چیست؟

زنان: همین‌هایی که گفتیم خوب است و همکاری‌ها ادامه داشته باشد.

دستادست: اگر جایی انتظاری داشتید بگویید. خاطره و آرزویی که دوست دارید را تعریف کنید.

زهرا: من که دوست دارم ما از هم جدا نشویم و همیشه در کنار هم باشیم مثل قبل‌ها. قبلا بیشتر در کنار هم بودیم. از این به بعد هم بیشتر با هم باشیم که یک خاطره برای ما باشد. وقت‌هایی که با هم حرف می‌زنیم خیلی خوب است و بیشتر بشود.

کبری: یک حس خوب که در زندگی خصوصی و اجتماعی دارم. اینکه توانستیم ایده بگیریم، صندوق در روستا تشکیل دادیم، پس‌انداز خوبی داریم. کارهای مشارکتی در روستا بیشتر شده. توانستم با کمک و ایده گرفتن از این کار، کارآفرین نمونه بشوم در فنی حرفه‌ای. کلا تاثیر خوبی در زندگی فردی و اجتماعی برای من داشته.

سمیه: تاثیر خوبی در روحیه‌ام داشته، هفته‌ای سه چهار بار دور هم جمع می‌شویم که برای من خیلی خوب است. خیلی خوشحالم. درآمد خوبی داریم. دست‌مان توی جیب خودمان می‌رود که خیلی هم برای ما مهم است.

دستادست: ما هم از کار کردن با شما احساس غرور می‌کنیم.

چطور می‌توان چرخه قدرتمندی و توانمندسازی را به ویژه برای زنان کامل کرد؟

فائزه درخشانی

قدرتمند شدن یا empowerment که به توانمندسازی و توان‌افزایی هم ترجمه می‌شود، دقیقا چه معنایی دارد؟

این روزها خیلی می‌شنویم که سازمان‌های دولتی و غیردولتی از پروژه‌های توانمندسازی زنان صحبت می‌کنند، وقتی کمی ریزتر وارد جریان می‌شویم اکثر اوقات با پروژه‌های مهارت‌آموزی روبرو می‌شویم. اما زنی که توانسته مثلا در تولید کیف ماهر شود به شکل کامل قدرتمند و توانمند شده است؟

برای پاسخ دادن باید بیشتر به مفهوم قدرتمند شدن زنان فکر کنیم. با تعریف نایلا کبیر زنان در چرخه‌ای قدرتمند می‌شوند که در تصویر می‌بینید. منابع مادی، منابع انسانی مثل مهارت‌ها، و منابع اجتماعی مثل شبکه‌ها و ارتباطات انسانی، می‌توانند به زنان عاملیتی ببخشند که آنها بتوانند اهداف خودشان را برای زندگی تعریف کنند و بتوانند این اهداف را تعقیب کنند. زنی که در زندگی خود عاملیت داشته باشد براساس اهدافشان، دستاوردهای خاصی را کسب می‌کنند. و کسب دستاوردها می‌تواند به تقویت وضعیت منابع بپردازد و... پس تنها کسب مهارت در انجام کاری نمی‌تواند به قدرتمند شدن زنان منتهی شود.

چرا پروژه‌های توانمندسازی اقتصادی شکست می‌خورند؟

بیا بید تصور کنیم که زهرا در یکی از صدها روستای یک گوشه این کشور زندگی می‌کند. یک نهاد دولتی یا مردمی وارد روستایشان می‌شود و زنان و مردان روستا را تشویق می‌کند که کسب و کاری راه بیاندازند. آنها درباره آینده روشن و کسب درآمد حرف‌های قشنگی می‌زنند. بعضی‌ها به این حرف‌ها اعتماد نمی‌کنند، اما دل بعضی هم می‌لرزد، آینده بهتری را که برایشان تعریف شده دوست دارند، مثل زهرا. دست به کار می‌شوند و با همراهی چند نفر دیگر از روستا اعلام می‌کنند که می‌خواهند یک کارگاه خیاطی راه بیاندازند. آن نهاد دولتی یا مردمی، برای تجهیز کارگاه کمک‌شان می‌کند، یک معلم خیاطی هم برایشان کلاس برگزار می‌کند. بالاخره بعد از تلاش و دوندگی زیاد کارگاه شروع به کار می‌کند.

دینگ! هم‌پن جا بایستید! فکر می‌کنید احتمال موفقیت این کارگاه چقدر است؟ متاسفانه براساس تجربه‌های انجام شده در کشور ما زیاد نیست. سوال اساسی این است، چرا؟

چرخه‌های ناقص! پاسخ اینجاست، چرخه‌های ناقص در قدرتمند کردن شکست می‌خورند. پست قبلی ما را یک بار دیگر مرور کنید. اگر ما فقط بر روی یک بخش از چرخه تمرکز کنیم، خبری از موفقیت در تکمیل چرخه نخواهد بود.

تامین منابع مادی انجام یک کار مطمئنا مهم است. اما در کنار این منابع مادی زهرا و همکارانش به مهارت‌های انسانی بیشتری نیاز دارند. آنها باید دسترسی به بازار فروش پیدا کنند، مشتریان‌شان را دقیق بشناسند و بدانند که برای این مشتریان چه چیزهایی باید تولید کنند. آنها باید با ابزار و تکنولوژی‌های جدید آشنا شوند، درباره اصول شکل دادن به کسب و کار یاد بگیرند. آنها باید منابع اجتماعی هم داشته باشند. یعنی شبکه و زنجیره‌ای که بتواند برای فروش، شناخت و... کمک‌شان کند. به ویژه با توجه به اینکه اکثر زنان روستانشین یکی از بزرگترین مشکلات‌شان عدم دسترسی به بازار است.

و باز هم کافی نیست اگر برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده اصلی خود این تولیدکنندگان نباشند. خودشان باید تصمیم بگیرند، هدف‌گذاری کنند، شکست بخورند و پیروز شوند، درس بگیرند و تجربه بیاندوزند. بدون عاملیت واقعی این تولیدکنندگان، خبری از قدرتمند شدن نخواهد بود. عاملیت زمانی که گروه‌های مدخله‌گر خود را در موقعیت بالاتر قرار دهند ممکن نیست. بدون داشتن منابع انسانی و اجتماعی و مالی ممکن نیست. و هم‌پن طور بدون دستیابی به موفقیت ادامه پیدا نمی‌کند. گرچه شکست همواره جزئی از ماجرای کسب و کار است. اما بدون داشتن موفقیت در کنار شکست نمی‌توان چرخه را کامل کرد. و رسیدن به موفقیت تنها در صورتی ممکن و قابل تکرار است که قسمت‌های قبلی به درستی طی شده باشند. در این صورت است که این چرخه دائم در حال بازتولید خود به شکلی قوی‌تر خواهد بود.

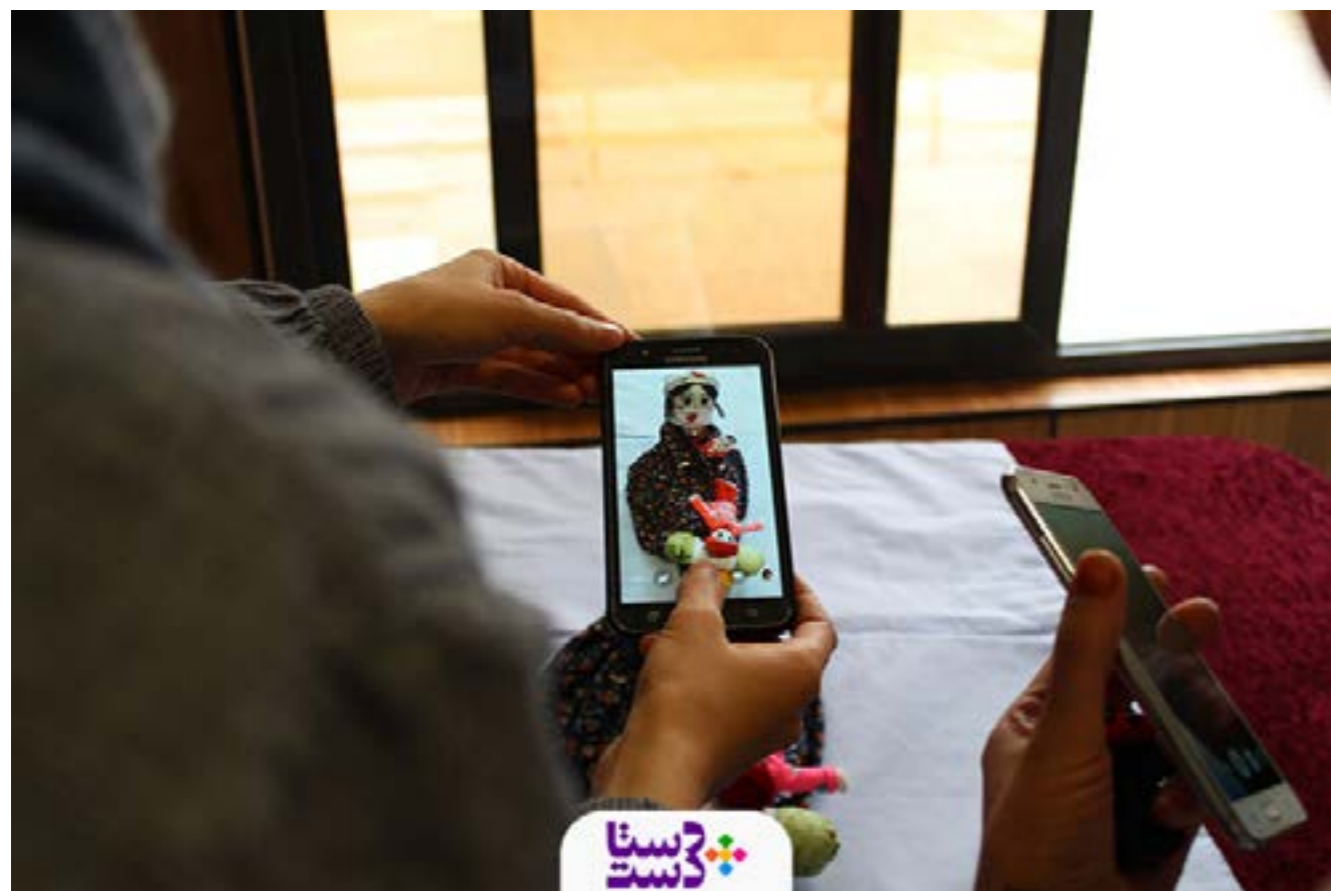
این اصول برای تمام جنبه‌های قدرتمند شدن و توانمندسازی صادقند، ما اینجا فقط درباره بخش اقتصادی در شاخه‌ای

دستادست



تی‌تی‌کای دوم

چطور می‌توان چرخه قدرتمندی و توانمندسازی را به ویژه برای زنان کامل کرد؟



گزارش تصویری کوتاهی از این کارگاه را در ادامه می‌بینید. دستادست آمادگی برگزاری این کارگاه را به اشکال خلاصه و فشرده‌تری دارد. اگر سازمان یا مجموعه شما تقاضای برگزاری چنین کارگاهی را در هر جای ایران دارد، کافی است با ما تماس بگیرید.

خاص صحبت کردیم. امیدواریم نهادهای دولتی و مردمی، هروقت و هرکجا که بخواهند پروژه جدیدی تعریف کنند به رعایت کامل تمام این جنبه‌ها توجه کنند تا به جای امید و موفقیت و قدرت، ناامیدی و دلسردی خلق نکنند.

زهرای داستان ما و همکارانش می‌توانند زنان موفق شوند، وضعیت زندگی خودشان، و محیط روستا را بهتر کنند و... یا اینکه شکست بخورند، طعنه این و آن را بشنوند و با اعتماد بنفسی آسیب‌دیده‌تر از قبل به گوشه خانه برگردند. انتخاب با همه ماست.

کارگاهی برای تکمیل چرخه در حیطه محصولات دست‌ساز ما در مجموعه دستادست در طی سالیان کارمان با دقت از همکارانمان و با همکارانمان درباره این چرخه در حیطه تولید محصولات دست‌ساز آموخته‌ایم. می‌دانیم نقاط ضعف معمول مهارتی تولیدکنندگان این عرصه در چه نقاطی قرار دارند. بر مبنای این داشته‌ها و دانسته‌ها کارگاهی ویژه تولیدکنندگان محصولات دست‌ساز طراحی کردیم. و برای اولین بار کامل‌ترین حالت این کارگاه را طی سه روز برای نمایندگان هفت صندوق تعاونی تشکیل شده در روستاهای آذربایجان شرقی و غربی با همکاری و پشتیبانی سازمان طرح تالاب‌های ایران برگزار کردیم. آگاهیم که با یک کارگاه نمی‌توان همه کار انجام داد و همه مشکلات را حل کرد. از معجزه صحبت نمی‌کنیم، اما سعی می‌کنیم کلیدهای ماجرا و سرشاخه‌های اصلی را پوشش بدهیم تا زنان از فردا کارگاه با توانایی، مهارت و عاملیت بیشتری کار کنند و چرخه قدرتمندسازی خودشان را شکل بدهند.

این کارگاه که 12 تا 14 آذر ماه با حمایت و برنامه‌ریزی طرح تالاب‌های ایران برگزار شد این سرفصل‌ها را پوشش داد:

- شناخت مخاطب (خریدار)

- شناخت محصول

- خلاقیت و طراحی محصولات جدید

- قیمت‌گذاری

- مقدماتی درباره بعضی نکات مهم در آغاز کار (نام‌گذاری، رویه و جهت‌گیری، رقبا)

- بسته‌بندی، داستان‌گویی

- عکاسی با موبایل

- استفاده از فناوری‌های اینترنتی

- مقدماتی درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فروش حضوری

- کمی درباره بازار

- نکاتی درباره ارسال کارها



عکس از سعید قاسمی



عکس از سارا جعفری



عکس از مرتضی صدیقی فرد



عکس از جلوه جواهری



عکس از مرتضی صدیقی فرد



عکس از بابک جوادزاده - زلزله سرپل ذهاب

تی‌تی‌کای دوم

دومین نمایشگاه عکس دستاوست، تی‌تی‌کای دوم، ششم تا بیستم مهر ماه در کافه عکس تهران در معرض نمایش عموم قرار گرفت. دوازده عکس از امیر جلال، نیوشا پورسعادت، مرتضی صدیقی فرد، جلوه جواهری، بابک جوادزاده، سارا جعفری، محمد قهرمانی، احمدرضا کریمی و سعید قاسمی از بین تمام عکس‌های ارسالی انتخاب شده و در این مجموعه به نمایش درآمدند و سه عکس برگزیده (بدون ترتیب) متعلق به جلوه جواهری، سارا جعفری و مرتضی صدیقی فرد بودند.



اولین بار که همه عروسک درست کرده بودیم، برای من این جالب بود که عروسک هر کسی شبیه خودش بود. عروسک خانم اصغری قد بلند بود، مال من متوسط بود، مال سمیه قدش بلند بود. دو تا خانم دیگه هم داشتیم قدهای شان کوتاه بود، عروسک‌های آنها فسقلی بودند

قسمتی از مطلب «عروسک‌هایی برای دریاچه» گفت و گو با زنان روستای قره قوزلو